

کمیسیون وهابیت

(۱۳۰۴ - ۱۳۰۵)

مسعود کوهستانی نژاد

مقدمه:

شروع جنگ جهانی اول و ورود دولت امپراطوری عثمانی در این جنگ سر آغاز تحولات بسیار بزرگی در منطقه خاورمیانه عربی شد. تحولاتی که با شکست عثمانی در پایان جنگ و فروپاشی آن امپراطوری، سرعت بیشتری گرفته و سبب تغییر جغرافیای سیاسی آن منطقه در مدت بسیار کوتاه و چند ساله ای شد در منطقه جزیره عربستان امرای نجد و حجاز که در سایه حمایت های انگلیسی ها و تضعیف دولت عثمانی در جنگ اول عثمانی و قدرت زیادی گرفته و تقریباً دو منطقه مستقل را در آن شبه جزیره به وجود آوردند (احمدی / ۴۷) امرای نجد که علاوه بر ابعاد دیگر سیاسی بر نیروی پیراون مذهب وهابیت که نیز تکیه داشتند (اسناد / مقدمه / نوزده تا بیست و نه) در رقابت با امرای حجاز که نتوانسته بود منطقه عظیمی در خاورمیانه عربی را در تسلط خود گیرند (قزوینی / ۵۸-۵۷) به رقابت سختی افتادند این رقابت از اوایل سال ۱۳۰۳ شمسی وارد مراحل بسیار جدی شد و جنگ های شدید میان سپاهیان هر دو طرف آغاز گردید. (احمدی / همان) در چنین اوقاتی در شبه جزیره عربستان، دولت ایران روابط دوستانه ای را با شریف حسین قائد و فرمانروای حجاز برقرار کرده بود بدیهی است مهمترین دل مشغولی دولت ایران، سرنوشت حجاج و حفظ امنیت آنان در سرزمین عربستان و نیز توجه و حفظ حریم اماکن مقدسه مکه و مدینه بود به همین لحاظ مکاتبات و روابط دولتی ایران و شریف حسین در ابتدا در همین موضوع شکل گرفته و آغاز گردید در اوایل سال ۱۳۰۳ و کمی قبل از شروع مراسم حج سال ۱۳۴۳ قمری، دولت ایران منتخب الدوله را به سرپرستی حجاج ایرانی برگزید و او را برای دیدار با شریف حسین عازم عربستان کرد. (احمدی /

۴۸) شریف حسین که در آن ایام ادعای خلافت مسلمین را داشت، ضمن استقبال از این انتصاب (اسناد / ۵) ترتیب چند ملاقات را با نماینده اعزامی ایران داد. در یکی از این ملاقات ها منتخب الدوله ضمن ابلاغ احساسات دوستانه دولت ایران به شریف حسین اعلام کرد. ایران خوشوقت است که حق خلافت دوباره به مرکز خود قرار گرفت و به خانواده ای که ارثا هم حق اوست بازگشت. دولت ایران راجع به امر خلافت هیچ اعتراض و مخالفتی ندارد و چون مساله دینی و بسته به عقاید مردم است نمی تواند مداخله کرده و رای بدهد (اسناد / ۷)

ملاقات های دوستانه بعدی نماینده ایران با حاکم حجاز در روزهای بعد از آن نیز همچنان ادامه یافت و دو طرف توافق کردند کنسول هایی را بین دو کشور مبادله کنند (اسناد / ۸-۱۳)

ولی درگیری های بین امیر نجد، ابن سعود با شریف حسین فرصتی را برای تحقق خواسته فوق به جای نگذاشت. در ماه های بعد جنگ بین آن دو به شکل موفقیت آمیزی به نفع ابن سعود و سپاهیان وهابی ادامه یافت به نحوی که با شروع سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) امیر نجد به قدرت فائقه شبه جزیره عربستان مبدل شد و همگان را انتظار بر آن بود که حکومت شریف حسین سرنگون می شود. در این میان، مبادله نامه رسمی ابن سعود با انگلیسی ها (لیبی / ۲۷۲-۲۷۸) در مورد توافق بر حکومت او بر شبه جزیره (مدرک ۲۲) کمک زیادی در پیشرفت مقاصد ابن سعود در آن منطقه و تفوق بر حجاز داشت.

پیشروی سپاهیان وهابی و ابن سعود در سال ۱۳۰۴ شریف حسین را وادار به کناره گیری از سلطنت حجاز نمود (احمدی / ۵۰) شریف، فرزند خود ملک علی را جانشین ساخته و خود به قبرس رفت و در آنجا به صدور اعلامیه ها و بیانیه های تبلیغاتی علیه ابن سعود و نجدیان ادامه داد. (مدرک شماره ۲۴) پیشروی ابن سعود در نهایت فتح مکه به وسیله وهابیون را به همراه داشت. در مکه وهابیون به تخریب تعداد زیادی از اماکن مقدسه و مشاهد و قبور بزرگان و صحابه پیامبر را نمودند. ابن سعود به سرعت دستور حمله به سوی مدینه را صادر کرده و همزمان با صدور اعلامیه ای در ۲۸ ذی حجه ۱۳۴۳ قمری، بیانیه ای به زبان عربی صادر کرد که در آن اعلام پیروزی های خود، از مسلمانان جهان برای تشکیل کنگره ای جهت تعیین حجاز و شهر های مقدسه مکه و مدینه دعوت به عمل آورد (مدرک شماره ۲۲)

یاد آوری می نماید که به هنگام صدور اعلامیه مزبور هنوز جده به عنوان مهمترین بندر شبه جزیره عربستان و نیز بخش های مهمی از سرزمین حجاز و از جمله شهر مدینه در دست ملک علی فرزند شریف حسین قرار داشت و اعلامیه ابن سعود تعیین سرنوشت منطقه ای را از مسلمانان طلب می کرد که مقدرات مهمی از آن در دست حکمرانی دیگر بود.

فتح مکه توسط وهابیون و اقدامات آنان در آنجا و بلافاصله محاصره (از دهم محرم ۱۳۴۴ قمری به بعد) توسط آنها، اعتراضات گسترده مسلمانان را به همراه داشت (لیبی / ۳۷۶) (ر.ک. مدارک ۱-۲۰)

در ایران برای نخستین بار در شهریور ۱۳۰۴ (هفتم صفر ۱۳۴۴ قمری) دو خیر تلگرافی از دوازدهم ژوئیه (آلمانی) و رویتر (انگلیسی) در روزنامه های ایران به چاپ رسید که بر اساس آن و به نقل از بیت المقدس اعلام شد از منابع موثقه اطلاع حاصل شده است که وهابی ها به سمت مدینه حمله ور شده اند

دو روز قبل بمباردمان شروع شده و در نتیجه خرابیهای بسیاری وارد آمد. گنبد مسجد بزرگی که مدفن حضرت رسول (ص) است آسیب دیده و مسجد حمزه ع حضرت پیغمبر خراب شده است (مدرک شماره ۱). روز بعد از انتشار خبر فوق نمایندگان مجلس شورای ملی واکنش جدی از خود شکل دادند. در جلسه ۱۹۲ مجلس (پنجم شهریور) پس از سخنان شوشتری، سید حسن مدرس سخنان مهمی را در برخورد با مسببین واقعه بیان کرد. همچنین او از همراهی و همسویی رئیس الوزرا (سردار سپه) با مجلس یاد کرد. رئیس الوزرا نیز بلافاصله پشت تریبون مجلس رفته و ضمن بازخوانی مجدد متن تلگرافات رویتر و بی سیم برلن، پیشنهاد تشکیل کمیسیونی از سوی نمایندگان مجلس برای رسیدگی به واقعه را نمود. نمایندگان ضمن استقبال از این موضوع، جلسه مجلس را به دلیل توهین به اماکن مشرفه مدینه تعطیل کردند [مدرک شماره ۳] در جلسه مجلس که روز ششم شهریور تشکیل شد سید حسن مدرس نطقی جامعه‌ای در اهمیت واقعه بیان کرد او در فراز آخر سخنان خود گفت: «البته وظیفه شان همین بود که پیشنهاد تقاضای کمیسیون بفرمایند البته مجلس هم مساعدت خواهند نمود. به عقیده بنده تمام فکر را باید صرف این کار کرد و باید یک قدم هایی که مقتضای حفظ دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت خودمان است در این مورد برداریم و هیچ کاری و هیچ چیزی مقدم بر این کار قرار ندهیم و نگذاریم که این مسئله زیادتر از این اسباب خرابی جامعه شود.» بدین ترتیب موضوع تشکیل کمیسیون وارد مراحل جدی تری شد.

همزمان در همان روز تعداد زیادی از علماء و طلاب در مدرسه مروی جمع شده و در این مورد گردهمایی را برگزار کردند. یک روز بعد در عصر روز نهم شهریور نیز اجتماع مشابه دیگری در مسجد جامع تهران برگزار شد. جلسه روز دهم شهریور مجلس شورای ملی به بحث راجع چگونگی انتخاب اعضای کمیسیون گذشت. در این جلسه انتخاب اعضای کمیسیون انجام شده و نتیجه آن دو روز بعد در جلسه دیگری از مجلس اعلام شد [مدرک شماره ۴] بر این اساس اعضای کمیسیون عبارت بودند از: آقای آقا شیخ فرج الله شصت و نه رای، آقای دیبا شصت و شش رای، آقای ذوالقدر شصت و پنج رای، دکتر محمد خان مصدق شصت و پنج رای، آقای مفتی شصت و چهار رای، آقای عراقی شصت و دو رای، آقای مستوفی شصت و یک رای. آقای قمی شصت و یک رای.

همزمان با انتخاب کمیسیون در نقاط مختلف کشور نیز اعتراضات زیادی به اقدامات وهابی ها شد و اخبار و تحلیل های گوناگونی از واقعه انتشار می یافت. در سر مقاله با عنوان مسئله وهابی ها که در شماره روز ۹ شهریور روزنامه شفق سرخ چاپ شده نویسنده [که احتمالاً علی دشتی باید باشد] ضمن تقبیح هر گونه توهین به اماکن مکه و مدینه، و نیز بررسی وقایع عربستان در صحت اخبار واصله تردید نمود. ولی سر مقاله شفق سرخ در هیاهوی شدیدی که در تهران و بسیاری از شهرهای ایران علیه اقدامات وهابی ها شروع شده بود گم گشت. از جمله از کرمانشاهان، حاج میرزا محمد علی واعظ و فردی موسوم به سیدی از طرف عموم تجار طی استفتائی از آیت الله کاشانی خواهان تعیین تکلیف مسلمین شدند در تبریز دو روز تعطیلی عمومی اعلام شد. نمایندگان هیات تجار (حریری) و هیات اصناف (فرشی) خواهان اعلام نتیجه

اقدامات دولت شدند.

در این میان نکته جالب اقدام دولت ایران در برگزاری مراسم های عزاداری در برخی از سفارت خانه ها و کنسولگری های ایران بود^۱ در مسکو در ۵ سپتامبر (۱۵ شهریور) سفیر ایران و ترکیه طی مراسمی شرکت کردند که از سوی (ایرانیان مقیم مسکو برای انزجار از اقوام وهابی ها برگزار شد .

هندوستان از سوی میرزا تقی خان نبوی نماینده دولت علیه ایران اعلامیه ای در خصوص اقدامات ایران و ایرانیان در اعتراض به هتک حرمت اماکن مقدسه خطاب به عموم مسلمین هندوستان صادر شد . در همان سرزمین هنگامی که نمایندگان انجمن انصارالحریمین بمبئی نزد کنسول ایران در آن شهر رفته و زبان به شکایت از وهابیون می گشایند کنسول در جوابشان اظهارات پرطمطراقی کرده و گفت : در ایران حالیه در این خصوص گفتگو و هیجانی عمومی است و دولت ایران به فکر بوده و متحمل ، قشون بزرگی را طرف حجاز روانه بدارد و وهابی ها را از کلیه حجاز و یثرب بیرون کند .

و در مصر میرزا غفارخان جلال السلطنه کسی که مورد اعتماد دو طرف و ثوق ملک علی سلطان حجاز و وزیر خارجه اش بود نیز طی مراسمی در محل سفارت ایران در قاهره سخنان شدید الحنی را علیه وهابیون ایراد کرد.

اما در همین زمان اخبار ضد و نقیضی از مدینه منتشر می شد که در بسیاری از آنها ما برای حمله وهابی ها به اماکن مشرفه مدینه تکذیب شد و انتشار این اخبار را به تبلیغات شریف حسین سلطان مستعفی حجاز ارتباط می دادند نمونه ای از اقدامات وی را می توان در مدرک شماره ۲۴ یافت . این اخبار به ویژه در هندوستان که پیروان تمامی فرقه ها و مذاهب مسلمانان از حمله وهابی ها در آنجا بود بیشتر شایع بود . چنین وضعیتی باعث ایجاد تردید هایی در بین ایرانیان شد در همان اوایل شروع اعتراضات در سر مقاله ای با عنوان مساله وهابی ها که در شماره ۹ شهریور روزنامه شفق سرخ چاپ شد نویسنده [که احتمالاً علی دشتی است ضمن تقبیح هر گونه توهین به اماکن مقدسه مکه و مدینه و نیز بررسی پیشینه فرقه وهابی و رویدادهای سیاسی شبه جزیره عربستان ، در صحت اخبار منتشر در ایران تردید نمود .

مویدالاسلام مدیر هفته نامه حبل المتین کلکته که خود در ابتدای شروع اعتراضات با چاپ مقالات شورانگیزی به استقبال وقایع رفته بود ، پس از مدت کوتاهی با ارسال تلگرافی به مجلس شورا ضمن تأیید اقدامات نمایندگان در تشکیل کمیسیون ایران ، ایرانیان را از برخورد منفرد با واقعه بر حذر داشت . در تحلیل دیگری که مویدالاسلام بر تلگراف خود داشت نکات بدیعی را در رابطه با نحوه برخورد دولت ایران با موضوع بیات داشت ؛ از آن جمله در نقد اظهارات کنسول ایران در بمبئی مبنی بر حمله نظامی ایران به آن سعود وهابی ها که آن گونه از فحواهی کلام مویدالاسلام ظاهر است در هندوستان شایع شده بود، نوشت: حال بیائیم به اصل مطلب یعنی به آقایانی که به کف گرفته و پیش قدم کردند» (مدرک شماره ۲۴) حالا بیائیم به اصل مطلب یعنی به آقایانی که دولت علیه ایران را تهییج و تشجیع می کنند که بر خلاف

۱. در آن زمان میرزا داود خان مفتاح کفالت وزارت امور خارجه را به عهده داشت . دولتها ، ص ۱۳۸

ابن سعود اقدامات عملی گرفته یا به عبارت ساده تر لشکر به نجد یا حجاز فرستاده و ابن سعود را به هوش آرند. ما هفته گذشته نگاشتیم که حمله ایرانیان بر نجد نسبت به سائر دول اسلامیة آسان تر است و در چند ساعت می توان برخی از مقبوضات ابن سعود را قبضه نمود ولی مشکلاتی که برای دولت لازم و ملزوم این اقدام است تصور شده است؟ ما فتح نظامیان رشید ایران را بر نجد و حجاز مسلم می گیریم و همچنان تصور می کنیم یکی از لشکریان ما هم کشته نخواهد شد. در فرستادن آذوقه و قور خانه اسلحه و غیره هم برای دولت هیچ اشکالی پیش نخواهد آمد ولی یک امر که در اول قدم لازم است مصارف این لشکرکشی است آیا هیچ تصور شده است که اقلاً مصارف این لشکرکشی چقدر تواند شد؟ برای اینکه ما بی گذار و آب نزنده باشیم تشریح می دهیم: اقلاً اردوئی را که دولت ایران به حجاز و نجد گسیل دارد از سی هزار کمتر نمی شود و سی هزار لشکر فرستادن در میدان جنگ خارجه، از آذوقه و اسلحه و قور خانه و خرج نواقل و اداره شیر و خورشید احمر و ۰ و ۰ و ۰ روی هم رفته بر هر سر بازی کمتر از یک لیره روزانه خرج وارد نمی گردد. با جزئی کم و بیش، ماهیانه می شود یک میلیون لیره و این اقل عده قشونی است که ما می توانیم برای سرکوبی ابن سعود بفرستیم و کمتر مقدار مصارفی است که می توان در این اردو کشی تصور کرد. معلوم است این اردو که از ایران حرکت کند تا وقتی که با نتیجه مطلوبه باز گردد کمتر از یک سال طول نتواند کشید. در این صورت مصارف این اردو کشی اقلاً دوازده میلیون لیرا یا صد و بیست کرور تومان خواهد شد. خوب است آن آقایانی که دولت را تهییج به فرستادن اردو به نجد و حجاز می نمایند بدوای یک مالیات موقتی که اقلاً عایداتش سالانه یک صد و بیست کرور تومان باشد بر ملت تحمیل نموده و قانونش را از مجلس گذارنده آن وقت دولت را به ترتیب اردو مجبور نمایند چرا که بر همه ظاهر است خزانه خالی ما، بودجه اضافه ندارد و برای یک چنین مصرف فوری، موجوده دولت همان قدر است که امروزه برای انتظامات داخلی در کار داریم.

سپس باید برای این اردوئی که به خارجه فرستاده شود داوطلبان قشون بگیریم. چه شود که بعد از تعیین مصارف این اردو کشی همان آقایانی که مهییج ملت و دولت اند خود و پیروان شان در قشون دولت داخل شده و در راه حفظ بیضه اسلام سرهای خود را به کف گرفته و پیش قدم گردند.

سفر اول عین الملک

به دنبال وقایع فوق و در اوایل مهر ۱۳۰۷ نامه مفصل رئیس حزب حجاز توسط وزیر خارجه آنجا (فواد خطیب) که برای وزیر مختار ایران در مصر (جلال السلطنه) ارسال شد که این نامه نیز گرهی بر بن بست اوضاع بود. در این نامه تهاجم وهابی ها به حجاز محکوم شده و ابن سعود را عامل امتیاز دهی به خارجیان محسوب می شود نویسنده نامه و نیز فواد خطیب از ایران در خواست کمک و دخالت در امور حجاز می نمایند (اسناد ۳۹ - ۳۷)

در نهایت وجود اخبار و تحلیل های متناقض، وضعیت دشواری را برای دولت ایران و نیز کمیسیون منتخب مجلس پنجم به وجود آورده بود. در جهت برون رفت از این بن بست، دولت ایران و کمیسیون



میرزا حبیب‌الله خان پدر هویدا

مجلس تصمیم می‌گیرند هیاتی را جهت بررسی اوضاع مدینه و مکه و صحت حمله وهابی‌ها به مدینه به آنجا اعزام کند. البته همزمان با ایران، هیاتی از سوی دولت مصر و همچنین نمایندگانی از هندوستان نیز به حجاز اعزام می‌شوند و علاوه بر آن هیاتی از انگلستان نیز ظاهراً برای حل مسائل مرزی حکومت و مستمکلات انگلیس در ماورای اردن و بین‌النهرین در نجد حضور داشته است. (مدرک شماره ۲۶) قرائت نوشته طعن آمیز و طنزآلود هفته‌نامه چهره نما در مورد حضور انگلیسی‌ها در حجاز و نجد خالی از لطف نیست:

« دولت انگلیس که تعزیه گردان ما تمکده‌های مشرق زمین از جهالت مشرقیان بوده نیز هیاتی به ریاست (سر جلیبرت کلیتن) به جده فرستاد و اشاعه داد که این هیات اعزامیه برای

تحدید حدود بین خاک نجد و عراق و شرق اردن بوده و ابداً کاری به مخاصمه و مقاتله بین سلطان نجد، ابن سعود امیر وهابی‌ها و امیر علی ابن شریف حسین ملک حجاز ندارد.....! و دولت انگلیس چنانچه عادت شریفه و رویه عادلانه او بوده در این جنگ بی‌طرفی تمام اختیار کرده، خاصه که این جنگ رنگ دینی دارد و برای او مشاکی سیاسی تولید می‌کند.....!

و شاید این هیات انگلیسی با هیات ایرانی در جده تلافی کرده و راهنمایی بنماید ولی ما اطمینان کامل به صحت عمل و بی‌الایشی هیات اعزامیه ایران که آقایان میرزا غفار خان وزیر مختار مصر و میرزا حبیب‌الله خان هویدا جنرال قونسل شام بوده، داریم. »

هیات اعززی ایران شامل عین‌الملک حبیب‌الله هویدا کنسول ایران در دمشق جلال السلطنه غفارخان وزیر مختار در ایران در قاهره، میرزا محمد رضا گلستانه منشی بود عین‌الملک در ۱۵ مهر از دمشق به طرف مصر حرکت کرد و در ۱۹ مهر همراه با هیات ایرانی به سمت جده حرکت نمود. (اسناد / ۴۶) هیات ایرانی در جده با ملک علی ملاقات کرده. او در بین راه رسیدن به مکه با هیات انگلیسی که در حال مذاکره با ابن سعود بود، برخوردی کرده و ملاقاتی هم با ابن سعود داشت. هیات مزبور در اوایل آبان به مکه رسید و شهر را خرابه و اماکن مقدسه را منهدم دیدند. گزارش عین‌الملک در این قسمت تأیید کننده فجایع وهابی‌ها در مکه است. (همان / ۴۶-۴۷)

ولی ماموریت اصلی او عزیمت به مدینه بود هنگامی که عین‌الملک به مدینه رسید شهر در محاصره وهابیون بود و طرفین مشغول جنگ با یکدیگر بودند عین‌الملک با دقت به مشاهده مشرفه مدینه سرکشی نموده و انهدام آنها به وسیله وهابیون را تأیید نکرد (همان / ۴۷) در مسیر بازگشت به جده او با ابن سعود ملاقات‌های متعددی داشت که ابن سعود ضمن قبول خرابی مکه آن را به اتباع متعصبش (اخوان) نسبت داده و قول جبران خرابی را می‌دهد (همان / ۴۸۰) نکته جالب توجه این است که به نظر می‌رسد ابن

سعود و وهابی ها برای مقابله با تبلیغات شریف حسین و حکومت حجاز عامدانه حمله نهایی به مدینه را به تعویق انداخته بودند ، تا هیات های اعزامی مسلمانان (به ویژه ایران) با دیدار از مدینه عدم درستی تبلیغات شریف حسین و حجازی ها را مشاهده کنند.

عین الملک در مسیر بازگشت خود به جدّه رفته (سپس از طریق قاهره به شام عزیمت می کند . عین الملک پس از بازگشت به دمشق گزارش نهایی را تنظیم کرده . آن را در ۱۱ دی ۱۳۰۴ به ایران ارسال کرد (اسناد ۴۶-۵۴) چند روز قبل از آن در ۳ جمادی الثانی ۱۳۴۴ قمری اوایل دی ماه ، ملک علی طی نامه ای به وزیر مختار ایران در قاهره کناره گیری خود از سلطنت حجاز را اعلام کرد. او سپس برکشتی نشسته و به بغداد رفت (اسناد/ ۴۴) و اندکی پس از ارسال گزارش عین الملک و احتمالاً قبل از رسیدن آن گزارش به تهران ابن سعود سلطنت خود را بر سر تا سر نجد و حجاز اعلام کرد (اسناد/ ۵۵-۵۰) با شنیدن خبر اعلام سلطنت ابن سعود عین الملک در نامه ای به تاریخ ۲۵ دی ماه خطاب به وزارت خارجه ضمن تقیح عمل ابن سعود اعلام کرد او با این کار از تعهداتش سرباز زد (اسناد /۵۹-۵۸)

ماموریت دوم عین الملک در سال ۱۳۰۴

هنوز چند روز از ارسال نامه ۲۴ دی عین الملک که در آن از خلف وعده ابن سعود یاد شده بود ، نگذشته بود که نامه ای تاریخ ۲۹ دی از سوی وزارت خارجه عین الملک ارسال می شود . در این نامه وزارت خارجه خبر از دریافت تلگراف تبریک از ابن سعود رضاشاه به مناسبت آغاز سلطنتش داده و اعلام می دارد به دلیل عدم وجود روابط رسمی بین دو کشور، عین الملک به حجاز رفته و پس از دیدار با ابن سعود ، مراتب سپاس متقابل را اعلام کند.

نامه مزبور تنها تاریخ ۲۹ دی را دارد ولی با توجه به اینکه در فرازی از آن به موضوع معرفی نمایندگان ایران برای شرکت در کنفرانس خلافت در مکه اشاره شده است. و کنگره مزبور در خرداد ماه ۱۳۰۵ برگزار شد ، لذا قطعاً نامه مورد بحث مربوط به ۲۹ دی ۱۳۰۴ می باشد.

با توجه به مسیر حرکت و مدت زمان مسافرت ، احتمالاً عین الملک می باید در اواسط بهمن ۱۳۰۴ با ابن سعود ملاقات کرده و پس از دیدار با او به مصر بازگشت و از آنجا به شام رفت. اخباری از سفر او در جراید فارسی زبان مصر منتشر شد(مدارک : ورود عزیمت به حجاز-عودت و عزیمت به شام) بر این اساس عین الملک ”در مکه با سلطان عودت و عزیمت محو کرده“

به نظر می رسد عین الملک پس از بازگشت به مصر ، تصویر کاملاً منفی از اقدامات وهابی ها و ابن سعود ارائه داد.(مدارک محرومان در مکه) این در حالی بود که در همان زمان اعلان های ابن سعود در رابطه با آزادی مناسک حج انتشار یافت .(اسناد/۶۵-۶۴) و این تغایر به منزله شکست مامرین عین الملک بود . اقدامات بعدی دولت و به تلافی آن اقدام دولت سعودی در انهدام مشاهده مقدسه مدینه، را می باید از تبعات این موضوع دانست .هیات دولت ایران در ۱۱ اسفند ۱۳۰۴ (اواسط ۱۳۴۴ قمری)

ممنوعیت سفر حجاج به مکه را اعلام می کند (اسناد /۶۶) و این موضوع را رسماً از طریق نمایندگی

های سیاسی ایران در خارج کشور رسماً به تمام ایرانیان مقیم خارج و دولتهای دیگر اعلام می کند. انتشارخبر اعمال محدودیت ها برای حجاج در مکه و مدینه بار دیگر موج اعتراض نسبت به حکومت آل سعود شروع شد. این بار نیز اعتراض از هندوستان آغاز شد و چند تن از روحانیون هندی طی نامه ای به رفتار شاه ضمن تذکر تخریب اماکن مقدسه مکه به دست وهابیون و ایجاد تحقیقاتی از سوی آنان برای حجاج خواهان اقدام دولت ایران برای رفع محدودیت های مزبور شدند. مراسله حجاج اسلامیه در پاسخ به آنان رفتار شاه وعده داد اقدامات مقتضی را انعام دهد.

تا آن زمان با اینکه وهابیون مدینه را در تصرف داشتند، تخریب گسترده ای را نسبت به اماکن مقدسه آن شهر اعمال نکرده بودند ولی با موضع گیری های دولت ایران از اواسط بهمن ۱۳۰۴ به بعد برگزاری مجلس خلافت در مصر. همراه با بر خورد منفی هیات هندی نمایندگان (جمعیت خدام حرمین شریفین) با حکومت ابن سعود اواخر اسفند ۱۳۰۴ شد

شکست سیاست های وهابی ها و ابن سعود تنها در رابطه آنها با ایران خلاصه نمی شد. موضوع برگزاری کنفرانس خلافت در مکه از سوی سعودی ها که برای خرداد ۱۳۰۵ برنامه ریزی شده بود با برگزاری کنگره خلافت در اردیبهشت ۱۳۰۵ مصر دچار تزلزل شدیدی شد گزارش موجود از کنگره مصر بیانگر وجود اختلافات شدیدی در میان مسلمانان آنجا نسبت به موضوع تعیین خلافت است نه تنها این موضوع بلکه برخی از آداب و رسوم مصریان در هنگام برگزاری مناسک حج نیز وهابی ها را به خشم آورده و منجر به درگیری هایی میان آنها با حجاج مصری شد. اما مهمترین موضوع هدف وهابی ها از سیطره برگزاری کنگره مکه ، تعیین تکلیف موضوع خلافت و نیز تعیین وضعیت اعمال مناسک حج بود. کنگره مزبور به فاصله کوتاهی پس از کنگره مصر و در ۲۷ ذی قعدة ۱۳۴۴ قمری در شهر مکه گشایش یافت و در آن نمایندگانی از مسلمانان هندوستان شوروی ، جاوه (اندونزی) مصر ، سودان، ترکیه و سوریه حضور داشتند و نتیجه خاصی در ارتباط با موضوع مورد بحث این مقاله به همراه نداشت .

اعلام عدم شرکت ایران در کنگره مزبور که در اعتراض به سیاست وهابی در عربستان انجام شد سبب تیره شدن روابط دو طرف گردید و زمینه را برای یک درگیری جدی فراهم کرد.

فاجعه مدینه - تخریب اماکن مقدسه

در واکنش به شکست ماموریت عین الملک برای ایجاد رابطه با عربستان و نیز اعلام دولت ایران در مورد وضع مقررات منع سفر حجاج ایرانی به عربستان و همچنین شکست سیاست نزدیکی ابن سعود با دیگر مسلمانان (از جمله برخی از گروه های مسلمان هندی) وهابی ها در صدد تلافی برآمده و در ۲۵ رمضان ۱۳۴۴ قمری (۳۱ فروردین ۱۳۰۵) فتوای از سوی علمای وهابی مدینه صادر شد که در آن مجوز انهدام قبور ائمه در بقیع صادر شد .

برای روشن شدن هر چه بیشتر عقاید وهابی ها نسبت به شیعیان و ضدیت آنها با اماکن مقدسه در مکه و مدینه ، نمونه ای از نوشته های آنان در ذیل مدارک شماره ۵۳ و ۵۴ ارائه شده است . علاوه برآن

گزارشی از عملکرد حکومت ابن سعود در مکه و جدّه نیز در ذیل مدارک شماره ۵۵ وجود دارد. در چنین اوضاعی بدیهی است پس از صدور فتاوی علمای وهابی در ۲۵ رمضان هر لحظه امکان حمله به قبور و اماکن مقدسه مدینه می رفت.

تا اینک بالاخره در هشتم شوال ۱۳۴۴ قمری (۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۵) تخریب ضرایح ائمه در بقیع توسط وهابی ها شروع شد.^۱ این خبر نخستین بار توسط حاج امام جمعه خوئی در ملاقات با بعضی مدیران جراید در ۵ خرداد اعلام شد. به تعبیری دیگر حدود یک ماه پس از شروع تخریب، خبر آن منتشر گردید. متعاقباً اقدامات گسترده‌ای از سوی مراجع، علماء و روحانیون آغاز شد. علماء کاظمین طی تلگراف‌هایی به ایران، افغانستان، هندوستان و یمن از سلاطین و امرای مسلمانان در خواست ممانعت از اقدام وهابی ها را کردند. در تهران در عصر روز ۱۱ خرداد گردهمایی وسیعی در منزل حاج امام جمعه خوئی از علماء و کلاء مجلس روحانیون تجار انجام شد که در آن سید حسن مدرس نیز سخنرانی داشت. او در نطق مفصل خود به تعیین کمیسیون وهابیت اشاره کرد و الزام دولت و شاه بر اجرای تصمیمات آن کمیسیون را اعلام نمود. طی ماههای بعد نیز علمای شهرهای مختلف ایران و نیز مراجع و مجتهدین عتبات نیز تلگرافات زیادی در پیگیری این موضوع به ایران ارسال کردند. مردم نیز در گوشه کنار کشور با برپایی اجتماعات به اقدامات وهابی ها اعتراض کردند و حتی در برلن عده ای از مسلمانان به تظاهرات پرداختند. رئیس الوزراء وقت حسن مستوفی نیز با حضور صدور اعلامیه ای در اول تیر ۱۳۰۵ (مدرک شماره) اعتراض شدید دولت ایران نسبت به اقدامات وهابی ها در مدینه و حکومت سعودی اعلام کرد.

روزنامه ها و جراید مقالات متعددی در محکومیت حمله به ضرایح مقدسه مدینه نگاشته شد که حاوی تحلیل ها و گزارش های مفصّلی از علل و عوامل این واقعه هستند (مدارک ۷۳ تا ۷۶). در برخی از جراید خارجی نیز مقالاتی در تبیح اعمال وهابی ها و حمایت از موضوع ایرانی ها چاپ شد که از آن جمله دو مقاله از جریده المقطم در ذیل مدارک شماره ۷۷ تا ۷۹ ارائه شده است و بالاخره در همان زمان نیز کتاب تاریخ وهابی از شمس العلماء در عقاید و افکار وهابی ها در تهران چاپ و منتشر شد.

در کشورهای دیگر نیز اقدام وهابی ها در حمله به بقیع انعکاس نامطلوبی یافت از آن جمله در هندوستان گزارش های زیادی در تبیح اعمال وهابی ها و اعتراض به اقدامات آنان وجود دارد (مدارک ۸۲ تا ۸۷)

تشکیل مجدد کمیسیون

قبلاً گفته شد که تشکیل کمیسیونی در رابطه با اقدامات وهابی ها در مجلس پنجم که در شهریور ۱۳۰۴ تشکیل شد بالاخره منجر به اعزام هیاتی از سوی ایران به حجاز گردید (ماموریت اول عین الملک هویدا) و پس از آن دیگر گزارشی از اقدامات خاصی از آن کمیسیون و یا تشکیل جلسه ای از آن منتشر نشد.

۱. البته گزارش از تیراندازی احتمالی در اماکن شریفه دمشق از سوی سربازان فرانسوی و نیز کشته شدن یک حاجی ایرانی در آن روز نیز وجود دارد (ر.ک مدرک حجاج ایران در شام)

در هفتم خرداد ماه علماء تهران در منزل حاج امام جمعه خوئی جمع شدند خبری از محتوای مذاکرات این جلسه منتشر نشد ولی به نظر می رسد شاه به شدت تحت فشار از سوی علماء قرار گرفته بود به این سبب و با توجه به انتشار احتمالی خبر سفر بی نتیجه دوم عین الملک هویدا درباره این سعود از سوی ایران و در یک واکنش به نوعی حیثیتی، رضا شاه به فوریت اقدام کرد و یک روز بعد و در هشتم خرداد ماه ۱۳۰۵ دستور تشکیل کمیسیونی متشکل از روحانیون و رجال سیاسی را می دهد در آن زمان کشور در ایام فترت فقدان مجلس قرار داشته و انتخابات دوره ششم در حال برگزاری بودند تشکیل کمیسیونی به فرمان شاه و با حضور روحانیون عالی رتبه و رجال درجه اول سیاسی کشور انجام گرفت در بین افراد تشکیل دهنده کمیسیون مزبور که نخست به کمیسیون وهابیت معروف شد می توان به سید حسن مدرس، حاج امام جمعه خوئی، مومن الملک، مشیرالدوله، مستوفی الممالک و وثوق الدوله اشاره کرد (مدارک شماره) وزارت دربار هدف از تشکیل کمیسیون را « در موضوع واقعه مولمه مدینه طیبه و اهانت هائی که از طرف وهابی ها نسبت به قبور ائمه اطهار به عمل آمده مذاکره و مطالعاتی نموده و تصمیمات لازمه اخذ و نتیجه را برای اجرا به عرض همایونی برسانند

(مدارک شماره ۸۸-۹۲) در این جا دیگر بحثی از اینکه نمایندگانی برای تشخیص واقعه به مدینه اعزام شوند همانگونه که نه ماه قبل از این این راهکار مطرح شد. در میان نبود و این دیگر تلگرافات مراجع و علماء و نیز گردهمایی هایی که در تهران و شهرستانها انجام شد بیهانه ای برای مباحثات باقی نگذاشت . نخستین جلسه کمیسیون در قصر شاه و در روز سه شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۰۵ و بدون حضور مرحوم مدرس تشکیل شد مهمترین تصمیم این جلسه ادامه جلسات کمیسیونی در محل اتاق رئیس مجلس شورای ملی بود.

دو روز بعد در پنج شنبه ۱۲ خرداد کمیسیون و یا به عبارتی اولین جلسه ای که کمیسیونی در محل مجلس تشکیل شد در این جلسه سید حسن مدرس نیز شرکت داشت در این جلسه از ناظم (محتشم السلطنه) و منشی (احتشام السلطنه) کمیسیون انتخاب شدند در ادامه جلسه ، مربوط به وقایع نه ماه قبل که در دفتر مخصوص شاهنشاهی و وزارت خارجه بود و به کمیسیون منتقل شده بود» و چون خیلی مفصل بودند» به وثوق الدوله سپرده شد و او پرونده ها را تحویل گرفته و قرار شد در خارج از کمیسیون آنها را مطالعه کرده و گزارشی را برای ارائه به کمیسیونی تنظیم کند . تصمیم مهم این جلسه اعلام رسمیت آن به آقایان علماء و حجج اسلام تمام ایالات و ولایات بود کمیسیون از آن آقایان درخواست کرده نظریاتشان را اعلام کنند . روز جمعه ۱۳ خرداد جلسه بعد از کمیسیون تشکیل شد و در نتیجه مذاکرات و مباحث انجام شده قرار شد در برابر اهانت های وارده وهابی ها هر گونه تصمیمی را که کمیسیون در نتیجه مطالعات عمیقانه خود اتخاذ خواهد کرد هیات دولت و طبقات مسلمین لازم است شرکت جست و آن تصمیم را به موقع اجرا بگذارند.

در روز بعد یکشنبه ۱۵ خرداد بار دیگر کمیسیون وهابیت تشکیل جلسه داد بر اساس تصمیمات این جلسه «کمیسیون رسماً به کمیسیون دفاع حرمین شریفین» نامگذاری شد . همچنین قرار شد از مستشار الدوله، مخبر السلطنه، ممتاز الدوله و نصیر الدوله برای حضور در کمیسیون دعوت به عمل آید . علاوه بر آن مقرر

گردید جلسات کمیسیون به صورت منظم و سه روز در هفته یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه تشکیل شود و یکی از روزهای هیجده و یا بیست خرداد جلسه ای با حضور کلیه علمای تهران در منزل حاج امام جمعه خوئی تشکیل شود.

تصمیمی متاخر ناشی از فشار زیاد علماء برای اتخاذ یک تصمیم جدی از سوی دولت و مقامات رسمی بود و این وضعیت به گونه ای بود که تقریباً تمامی مباحث جلسه بعدی کمیسیون (سه شنبه ۱۷ خرداد) به بررسی تلگرافات مراجع عتبات و نیز آیت الله عبدالکریم حائری (از قم) گذشت. در جلسه روز پنجشنبه (۱۹ خرداد) مباحث کلی مطرح شده و پیشنهادی تنظیم گردید که قرار شد به شاه و هیات دولت منعکس شوند. گزارش و یا مدرکی از پیشنهادات کمیسیون در دسترس نیست که بتوان از آن طریق محتوای پیشنهادات و نقطه نظرات کمیسیون را روشن ساخت ولی بنا به خبری که از گزارش جلسه ۲۱ خرداد موجود است مشخص می شود که پیشنهاد کمیسیون به رئیس وزراء ابلاغ شده.

متأسفانه خبری از جلسات تشکیل شده در فاصله ۲۲ خرداد تا اول تیر ماه در دسترس نیست. مذاکرات جلسه دوم تیر نیز تنها این نتیجه را همراه داشت که کمیسیون از دولت تقاضا کرد که برای یمن و بین النهرین نماینده تعیین و اعزام دارند تا در موقع، دستور العمل های لازم به آنها داده شود. این تصمیمات کمیسیون کمی قابل تأمل است تا قبل از آن زمان ایران هم در شام و هم در بین النهرین نمایندگان سیاسی داشته و نیازی به این تأکید نبود مگر آنکه تصور کنیم کمیسیون تصمیمی داشته عین الملک هویدا کنسولی ایران در شام را به دلیل مذاکرات با ابن سعود و به ویژه ماموریت (اسفند ماه ۱۳۰۴) تغییر دهد وگرنه دلیل دیگری برای اتخاذ آن تصمیم وجود نداشت گزارش های جلسات چهار و پانزده تیر کوتاه و فاقد نکته خاصی است. ولی جلسه ۱۹ تیر کمیسیون حاوی تصمیمات مهمی بود. کمیسیون از رئیس الوزراء (مستوفی الممالک) درخواست انجام تحقیقات لازمه از وضعیت حجاز و عملیاتی که وهابی ها در بقاع متبرکه به عمل آورده اند را نمود و قرار شد جلسه ای با حضور اعضا کمیسیون علماء هیات علمیه، و رجال و اعضاء هیات دولت برای بررسی اعمال وهابی ها و اتخاذ تصمیمات لازم تشکیل شود. هر دو تصمیم مزبور عقب گردی بود به قبل، تصمیمی اول در واقع تکرار آن اقدامی بود که در شهریور ۱۳۰۴ دولت و مجلس بر انجام آن صحنه گذارد و تکرار آن اقدام با توجه به شرایط سال ۱۳۰۵ تقریباً غیر ممکن بود.

تصمیم دوم نیز تکرار مکرراتی از جلسه قبل کمیسیون و نظیر اقداماتی بود که در خرداد ماه ۱۳۰۵ انجام شده و هیچ نتیجه عملی (جز منع سفر حج) را در پی نداشت و جالب است که بار دیگر در جلسه اول مرداد کمیسیون نیز بر اراده کمیسیون بر تشکیل جلسه ای با علماء و رجال تأکید شد. جلسه ای که گزارش یا خبری از تشکیل آن در دسترس نیست. از دو جلسه دیگر کمیسیون نیز خبرهایی منتشر شد. جلسه ۳۰ شهریور که در آن به بررسی گزارش ها نمایندگی های سیاسی ایران در مصر و نقاط دیگر سپری شد و جلسه ۱۷ مهر که در آن تصمیم شاه در مورد موضوع اهانت وهابی ها به اماکن مقدسه مدینه در کمیسیون مطرح شد و در نتیجه مذاکرات اعضاء قرار شد در جلسه بعدی تصمیمی قاطعی اتخاذ و رپورت آن به شاه

داده شود. تصمیم قاطعی که گزارشی از جزئیات آن یافت نشده همان گونه که تصمیم شاه نیز به همان دلیل نا معلوم است.

و بالاخره آخرین گزارش موجود و مورد بررسی در نوشتار حاضر، در ۳۰ آذر سال ۱۳۰۵ منتشر شد بر اساس این گزارش روز ۲۹ آذر شعب شش گانه [مجلس] تشکیل و کسری اعضاء کمیسیون حرمین را انتخاب کردند^۱.

نکته قابل تامل در خبر کوتاه فوق این است که کمیسیون وهابیت یا کمیسیون حرمین در آغاز کار خود یک کمیسیون انتخابی بوده که در محل مجلس شورای ملی تشکیل می شد خبر فوق اطلاع بسیار مهمی را به ما می دهد بر این اساس در ماههای بعد کمیسیون از نظر ساختاری نیز به مجلس وابسته شده و اعضاء آن یا حداقل بخشی از اعضاء آن توسط نمایندگان انتخاب می شدند این تغییر می توانست تاثیر مثبتی بر کارکرد کمیسیون داشته باشد ولی باتوجه به اینکه تعیین سیاست خارجی در ایران همیشه یک متولد بسیار پیچیده ای بوده و در نهایت در مراکز خارج از مجلس تعیین و تنظیم می شد لذا به نظر می رسد همین عامل (انتقال کمیسیون از یک نهاد انتصابی عالیرتبه به کمیسویی در حاشیه دیگر کمیسیونهای مجلس) سبب نا کارائی آن کمیسیون و در نهایت انحلال تدریجی آن را فراهم آورد.

منابع مقدمه:

مدارک ارائه شده به علاوه کتاب های زیر:

- ۲- اسناد روابط ایران و عربستان (۱۳۰۴ - ۱۳۵۷)، به کوشش علی محقق. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹،
- ۳- حمید احمدی، روابط ایران و عربستان در سده بیستم. تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶، ص ۴۷
- ۴- دولت های ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میر حسین موسوی، تهران، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی اداره کل آرشیو، اسناد و موزه ریاست جمهوری، ۱۳۷۸
- ۱- آیت الله سید محمد حسن قزوینی، فرقه وهابی و پاسخ شبهات آنها. مقدمه و ترجمه علی دوانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، پائیز ۱۳۶۶
- ۶- محمد علی سعیدی، بریتانیا و ابن سعود، ترجمه: دارالترجمه معاونت فرهنگی اوین. تهران: مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبایغات اسلامی، زمستان ۱۳۶۸
- ۵- رابرت لیس، سرزمین سلاطین، مترجم: فیروزه خلعتبری. تهران: شبانویز، چاپ دوم، ۱۳۶۵

۱. روزنامه ستاره ایران، ش ۱۰۲، ص ۱۲، ۳۰ آذر ۱۳۰۵، ص ۱

[مدرک شماره ۱]

حملات وهابی ها

بیت المقدس ۲۲- از منابع موثقه اطلاع حاصل شده است که وهابی ها به سمت مدینه حمله ور شده اند دو روز قبل بمباردمان شروع شده و در نتیجه خرابیهای بسیاری وارد آمد. گنبد مسجد بزرگی که مدفن حضرت رسول (ص) است آسیب دیده و مسجد حمزه ع حضرت پیغمبر خراب شده است.
روتر^۱

[مدرک شماره ۲]

بمباردمان مدینه

خبر واصله از ژود زالم حاکی است که وهابی ها شروع بمباردمان مدینه نموده و در نتیجه به مسجد بزرگی که مقبره حضرت محمد در آن واقع است، خسارات مهمی وارد آمده است.^۲

[مدرک شماره ۳]

جلسه ۱۰۹۲ مجلس شورای ملی ، دوره پنجم - ۵ شهریور ۱۳۰۴

شوشتری : عرایض بنده خیلی مختصر و لیکن خیلی مهم است هم از نقطه نظر دیانت و هم از نقطه نظر سیاست هریک از آقایان نمایندگان محترم هر یک از افراد مملکت از دولت و غیر دولت همینطور که موظفند اگر موقعی پیدا شود تاثرات قلبیه خودشان را اظهار بکنند. به همین مناسبت بلکه به نحو اکمال اگر ثلمه به عالم دیانت و روحانیت واقع شد هر یک از نمایندگان باید اظهار تاثر بکنند.

دیروز بنده در یکی از روزنامه ها قضیه مدینه منوره و بمبارده مدینه و اسائه ادبی را که به مسقط الرسول و قبر مقدس حضرت ختمی مرتبت شده ، خواندم و خوشوقت شدم که از نقطه نظر اهمیت آن را در صفحه اول و ستون اول قرار داده بودند.

این قضیه ، فوق العاده قلب هر مومنی را جریحه دار می کند و در این موقع تصور می کنم مجلس شورای ملی که نماینده افکار دیانتی و سیاسی عموم ایرانیان و خاصه مسلمان های شیعی مذهب است . گذشته از این که تمام عالم به مقبره الرسول علاقه مخصوص دارند و آقایان نمایندگان تاثرات قلبیه خودشان را اظهار می کنند و تذکر می دهند و باید تذکر داده شود ، چون دیگر اینجا مواد استرحام نیست باید به دولت محترم اسلامی وقت تذکر داده شود که با نظر نمایندگان محترم و مجلس شورای ملی برای جبران این اسائه ادبی که شده اقدام عاجلی بفرمایند

مدرس : بنده صبح خدمت آقای رئیس الوزاره بودم این مسئله را که در روزنامه ها دیده بودم خیلی بدواً

۱. روزنامه شفق سرخ، ش ۳۷۱، ۶ شهریور ۱۳۰۴، ص ۱

۲. روزنامه شفق سرخ، ش ۳۷۱، ۶ شهریور ۱۳۰۴، ص ۳

که بنده خدمتشان رسیدم اهمیت دادند و فرمودند که به فوریت در صدد تحقیق بر می آیم که ببینم واقعیت آن چیست و البته باید خیلی اهمیت داده شود. البته حالا که در صدد تحقیق بر می آید و حقیقت بهتر کشف می شود. محض اطلاع آقایان عرض شد.

رئیس الوزرا: دیروز در بی سیم برلن و امروز در رویتز بعضی از اخبارات رسیده است که فوق العاده اسباب نگرانی است اخبار رویتز این است که عرض می کنم:

« بیت المقدس ۲۲ اوت: از منبع موثقی اطلاع رسیده است که وهابی ها حمله به مدینه کرده اند و دو روز قبل بمباردمان شروع شد و خرابی زیاد وارد شد. گنبد مسجد بزرگ که در آن مقبره پیغمبر علیه السلام بود صدمه خورده و مسجد حمزه عموی پیغمبر علیه السلام به کلی خراب شد. »

اگر چه بنا به امری که شد وزارت خارجه فوراً در صدد تحقیق بر آمد که مدرک صحیحی به دست بیاید ولی از نقطه نظر اهمیت، بنده لازم دانستم به عرض مجلس شورای ملی برسانم تا در این موقع اگر صلاح بدانند از طرف مجلس کمیسیونی تشکیل شود که با موافقت نظر دولت به این کار رسیدگی کنند. (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

آقا میرزا سید احمد بهبهانی: از دیروز که این خبر غیر مترقبه در روزنامه مشاهده شد بنده یک حال تائر و پریشانی در عموم مشاهده کردم امروز صبح هم با یک قلب پر از تائری به مجلس آمدم و در جبهه اغلب از آقایان و کلا و بلکه همه و کلا مشاهده شدت تائر را کردم. (نمایندگان - صحیح است)

و از همین جهت قبل از تشکیل جلسه با آقای مدرس مذاکره کردم که در این زمینه در مجلس صحبتی شود و به واسطه همان صحبتی که خودشان فرمودند که صبح آقای رئیس الوزرا را ملاقات کرده بودند و فرمودند که چون این خبر از جائی تایید نشده لهذا بنا شده است آقای رئیس الوزرا تحقیق بکنند و اطلاع بدهند. در موقع قبل از تنفس که آقای رئیس الوزاره تشریف آوردند این بیانات را فرمودند، حقیقت بنده می بینم که قلوب هیچ یک از آقایان به حال خود باقی نمانده. (جمعی از نمایندگان صحیح است)

و در حال تزلزل است و یک همچو امر مهمی که نسبت به دیانت اسلام واقع شده. چنانچه می بینم و مشاهده می کنیم نمایندگان احق و اولی هستند به تائر در این قضیه و البته همان طور که آقای رئیس الوزرا تقاضای یک کمیسیونی کردند که باید همچو کمیسیونی تشکیل شود و برای تعیین آن کمیسیون هم بایستی یک فکر و رویه بشود و به علاوه در اغلب امور مهمه هم که واقع می شد سابقه این طور بوده است که مجلس تعطیل می شده است.

این است که به واسطه اهمیت موضوع و اینکه در ترتیب و تعیین آقایان نمایندگانی که باید آن کمیسیون را تشکیل بدهند و الان هم پریشانی افکار آقایان را ملاحظه می کنم که الان نمی توانند با یک حواس جمعی مشغول کار بشوند به این جهت از آقایان تقاضا می کنیم که اجازه بدهند این جلسه به همین جهت تعطیل شود و این تقاضا را خدمت آقای رئیس تقدیم می کنم و عرض می کنم که اگر آقایان موافقت بفرمایند در مرتبه اول، دستور جلسه آتی به تائیر راجع به تعیین کمیسیون و تعقیب این کار باشد.

جمعی از نمایندگان - صحیح است
رئیس - خوب می فرمائید جلسه ختم شود.
جمعی از نمایندگان - بلی
رئیس - جلسه آتیه روز یکشنبه^۱

[مدرک شماره ۴]

جلسه ۱۹۳ مجلس شورای ملی - ۸ شهریور ۱۳۰۴

تدین: البته همان طوری که مقام محترم ریاست اظهار فرمودند فوت مرحوم مغفور آقای مساوات همه ماها را متأثر و متالم نموده است ولی یک قضیه مولمه [ای روی داد که] بر حسب اخبار خارجی ها در این اوان حادث شده است. تصور می کنم که آن قضیه همان است که در جلسه گذشته به آن اشاره شده است و البته تمام نمایندگان محترم مخصوصاً و جامعه ملت ایران عموماً از استماع این خبر متالم شده اند. چون قبلاً بنا بود نسبت به این موضوع علاقمندی بیشتری اظهار بشود و آقای مدرس در این جلسه راجع به این موضوع بیاناتی اظهار بکنند و از طرفی تصادف کرده است با فوت مرحوم مغفور آقای مساوات، بنده در اینجا پیشنهاد می کنم که اگر آقایان موافقت بفرمایند اجازه بدهند که آقای مدرس راجع به این موضوع و اسائه ادبی که به مقام اقدس اعلی شده است، شرحی اظهار عقیده بفرمایند و بعد به پاس احترام مرحوم مغفور مساوات جلسه را ختم کنیم.

(نمایندگان - صحیح است)

مدرس: قومیت هر قومی و بقاء هر قومی و شرافت هر قومی و ترقی هر قومی به چیست؟ قومیت قوم عبارت از حفظ جامعه آن قوم، والا هر قومی که افرادی هستند مختلف اگر در تحت یک جامعه ای نباشند و حافظ آن جامعه نباشند، عنوان قومیت از آن افراد منتزع می شود.

بقاء هر قومی به چیست؟ بقاء هر قومی به حفظ جامعه بین افراد آن قوم است. اگر قومی صد میلیون افراد داشته باشد و حفظ جامعه خودشان را نکنند آن قوم کالچرادالمنتشر ارادی هستند منتشر و هیچ اثر و فائده اجتماعی بر آن افراد کثیره مترتب نخواهد بود. ترقی و تعالی هر قومی به این خواهد شد که جمع میان خودشان را نگهداری کنند و به واسطه ترقی آن، جامعه خودش را از دست ندهند. از بابت مثال عرض می کنم مکرر در همین مجلس و مجالس دیگر گفتگوی لغت و لسان شده، بنده موافقم که هر قومی لسان خود حفظ نکرد ضعف به قومیتش وارد می شود. [و باید] لباس خودش را حفظ کند؛ صفات خلقی خودش را حفظ کند و به هر اندازه که جامعه خودش را حفظ کند به همان اندازه قومیتش باقی است. غرض اصلی ما یک جامعه ای است که یک قسمت بزرگ دنیا در آن جامعه شرکت دارد و آن اسلامیت

۱. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی، مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای ملی، دوره پنجم، ص ۱۳۷۱ و ص ۱۳۷۶

است. اسلام در یک مدت کمی در دنیا ترقی کرد و توسعه پیدا کرد و همان مدتی بود که جامعه خودشان را حفظ کردند و بزرگان خودشان را [احترام] کردند. اگر یک مردی از مسلمین در چین بودند اطاعت کرد از آن [مقاماتی] که در مدینه بود. موا سات کردند، برادری کردند و جامعه خودشان را حفظ کردند و بر اکثر دنیا در زمان کمی مسلط شدند. متأسفانه در قرون اخیر از باب اینکه جامعه خودشان را، بزرگان و امراء خوب خودشان را حفظ نکردند، ضعف بر این قوم پیدا شد. این عرایض که عرض می کنم یک مطلبی نیست که محتاج به دلیل و برهانی باشد که وقت آقایان را با آن ادله و براهین فوت کنم. براهین اینها با خود این عرایض است که عرض می کنم.

ما خیلی جامعه خودمان را از دست دادیم. برادرانی داریم در اکثر دنیا که دول اسلامی آن طور که باید و شاید با آنها رفتار نکرده است و بالاخره یک وقت باید بیدار شده و هوشیار شویم و جامعه خودمان را حفظ کنیم. از آقایانی که در تحت لواء این قومند سوال می کنم چه وقت است آن وقت از امروزه بهتر؟ کیست که آن لواء را بردار و بگوید: در این موقع من لواء اسلام را بر می دارم و این قوم را در تحت قومیت و در تحت جامع دیانت اسلامی قومیتشان را ترقی می دهم و حفظ می کنم.

امروز از این واقعه هائله که استماع فرموده اید اگر چه به آن درجه باید اطمینان پیدا شود، هنوز پیدا نشده است که حادثه از چه قبیل است و تا چه مرتبه است. البته دولت مکلف است تحقیقات کامل بکند و به عرض مجلس برساند و لیکن عرض می کنم امروز اهل ایران یک قسمت از قسمت های دول اسلامی است و باید امروز این جامعه در تمام دنیا خودشان را معرفی کنند که ملت ایران و دولت ایران قدم بر می دارند که این جامعه را حفظ کنیم و خودمان را به برکت این جامعه نگاهداری کنیم.

[در این رابطه] دولت تقاضای کمیسیون از مجلس نمود؛ البته وظیفه شان همین بود که پیشنهاد تقاضای کمیسیون بفرمایند البته مجلس هم مساعدت خواهند نمود. به عقیده بنده تمام فکر را باید صرف این کار کرد و باید یک قدم هایی که مقتضای حفظ دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت خودمان است در این مورد برداریم و هیچ کاری و هیچ چیزی مقدم بر این کار قرار ندهیم و نگذاریم که این مسئله زیادتز از این اسباب خرابی جامعه شود که مبادا یک ضرر عظیم تری بر ما مترتب گردد و خدای نخواسته حال ما از این روز که هستیم بدتر شود. زیاد بر این چیزی عرض نمی کنم.

رئیس الوزرا: چون دولت امروز برای نتیجه کمیسیون حاضر شده بود ولی قضیه فوت مرحوم آقا سید محمود رضای مساوات مانع از تشکیل کمیسیون شد و به علاوه آقای مدرس راجع به قومیت و ملیت یک اظهاراتی فرمودند لذا بنده می توانم مطمئنانه عرض کنم که ملت ایران در این عضویتی که امروز در دنیا [دارد] می تواند هر گونه اظهار حیات و عرض خودش را بکند و حق خودش را بخواهد. شخص بنده خیلی ساعی هستم و حاضریم که به تنهایی اگر اجازه داده شود خودم به شخصه یک اقداماتی بکنم. ولی آن چیز دیگری است و همان طوری که تقاضا شده است یک کمیسیونی از طرف مجلس بشود تا با توافق نظر نمایندگان ملت یک اقداماتی بشود بهتر و واضح است.

بعضی از نمایندگان - صحیح است^۱

[مدرک شماره ۵]

در مصر

بعد از نشر خبر اسف انگیز راجع به بمباردمان مدینه طیبه و اهانتی که از طرف وهابی ها به اماکن مقدسه آنجا وارد شده است ، بر حسب یک اطلاع خصوصی ، هیجان نفرت انگیزی در مصر پیدا شده و شدیداً به این عمل اعتراض کرده اند زیرا ملت مزبور در محافظت اماکن مقدسه حجاز و آسایش زوار ، سالیانه مبالغ گزاف مصرف می نمایند و خیال دارند این مسئله را در مجلس عالی خلافت که تا سه ماه دیگر در مصر از نمایندگان ملل اسلامی برای حل مسئله خلافت تشکیل می شود مطرح نموده و وسائلی فراهم کنند که این قبیل حادثات مخالف احساسات مسلمین، روی ندهد.^۲

[مدرک شماره ۶]

دعوت

از قراری که شنیده شده است عصر امروز بعضی از آقایان طلاب و علماء و تجار در مدرسه مروی جمع شده که در اطراف پیش آمد مولمه فجیعه وهابی ها مشورت نمایند لذا از عموم اصناف و طبقات دعوت می شود که به مجلس مزبور تشریف آورده و در مذاکرات شرکت و مساعدت فرمایند.^۳

[مدرک شماره ۷]

(اجتماع در مسجد مروی طهران)

جمعی از آقایان علماء در مسجد مروی حضور به هم رسانیده و عده کثیری از تجار و اصناف و طبقات مختلفه نیز حاضر شده .
آقای مدرس قبلاً به منبر رفته و شرحی از رفتار وهابی ها در حجاز و مدینه طیبه اظهار و ضمناً علاوه نمودند که اطلاعات واصله از وضعیت مزبور بر طبق اخبار واصله از منابع خارجی از قبیل روتر و غیره می باشد و هنوز وزارت خارجه اطلاعات رسمی نداده است و تصمیم شده بود که برای اظهار نفرت از عملیات مزبور روز سه شنبه کلیه تجار و اصناف دست از کار کشیده و تعطیل عمومی نمایند ولی چون اطلاعات رسمی در دست نیست و حقایق هویدا نشده است عجلتاً از این تصمیم صرف نظر شده و منتظر اطلاعات رسمی وزارت خارجه می باشیم و پس از وصول اطلاعات مزبور در سراسر مملکت اعلان تعطیل عمومی

۱. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ، همان ، صص ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷

۲. روزنامه شفق سرخ، ش ۳۷۲، ۸ شهریور ۱۳۰۴، ص ۱

۳. همان، ص ۲.

داده خواهد شد و آقایان علماء جلسات خود را ادامه خواهند داد تا تکلیف قطعی معین شود. مجلس شورای ملی و هیئت دولت هم در این خصوص کمال مساعدت را دارند. پس از اتمام نطق آقای مدرس، آقای آقا شیخ علی اصفهانی که چندی است وارد طهران شده اند به منبر رفته و شرحی از عملیات وهابی ها و اظهار تاسف و تاثر از پیشآمد های اخیر بیان داشتند. و نیز جلسه آقایان علماء در منزل آقای حاج امام جمعه خوئی تشکیل و هر عصر در مسجد جمعه آقایان علماء و تجار و اصناف و طبقات مختله حضور به هم می رسانند.^۱

[مدرک شماره ۸]

مهمترین اخبار : در مجلس ایران

تهران : امروز صبح مجلس ایران به عنوان اظهار تاسف عمیق از خبر بمباردمان مدینه و انهدام ضریح حضرت رسول (ص) تعطیل شد. بعد از [گذشت زمان] تعطیل [تنفس] جلسه، یکی از نمایندگان از دولت تقاضا کرد که به این اقدام وهابی ها که مخالف شریعت است اعتراض و پرتست به نام مسلمین بشود. رئیس الوزرا همین طور وعده داده و از مجلس تقاضا کرد کمیسیونی برای تشریح مساعی با دولت در این قضیه تشکیل شود.^۲

[مدرک شماره ۹]

در مسجد جامع

عصر دیروز اجتماع کثیری از آقایان علماء و تجار و کسبه و طبقات مختلفه در مسجد جامع تشکیل شده آقا حاجی سید علی شوشتری به منبر تشریف برده شرح مفصلی راجع به قضیه مولمه بمباردمان مدینه طیبه اظهار تاسف نموده و ضمناً در موضوع خبر مربوط اظهار تردید کردند که لازم است خبر مستقیمی به دولت برسد و چون تاکنون خبر صحیحی در دست نداریم تصمیمی نمی توانیم اتخاذ نمائیم و وعده دادند که فردا عصر مجدداً آقایان حضور پیدا کرده شاید خبر صحیحی در این موضوع برسد.^۳

[مدرک شماره ۱۰]

جلسه ۱۹۴ مجلس شورای ملی - ۱۰ شهریور ۱۳۰۴

آقا میرزا سید احمد بهبهانی : بنده در تعقیب مذاکرات دو جلسه [قبل] راجع به بمبارده و خسارتی که به مدینه طیبه شده است، می خواستم تقاضا کنم در اول جلسه قبل از اینکه داخل کار دیگری بشویم،

۱. هفته نامه جبل المتین کلکته، ش ۳۴، س ۳۳، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۴ قمری، صص ۲۱ و ۲۲

۲. روزنامه شفق سرخ، ش ۳۷۲، ۸ شهریور ۱۳۰۴، ص ۱

۳. روزنامه شفق سرخ، ش ۳۷۳، ۱۰ شهریور ۱۳۰۴، ص ۲

انتخاب کمیسیونی که آقای رئیس الوزرا تقاضا کرده اند جزء دستور بشود و در اول جلسه [اعضای] آن کمیسیون معین شود.

ثانیا خیلی متشکرم که آقای رئیس الوزرا تشریف دارند و از این موقع بنده می توانم استفاده کنم و از حضور مبارکشان استدعا کنم که اگر در پایان جدیتی که به استخبار مطالب از محل هائی که بوده است، در این قضیه فرموده اند، مزید اطلاعی دارند بفرمایند که آقایان نمایندگان هم مستحضر شوند.

رئیس الوزرا: بلی در تعقیب اقداماتی که دولت به عمل آورده برای کشف این مسئله، دبروز از طرف مامورین شام و مصر این مسئله تا حدی تصدیق شده است ولی در عین حال می گویند هنوز مدینه را وهابی ها نتوانسته اند اشغال کنند ولی بمباردمان به عمل آمده و یک اسائه ادب هائی شده است. بنده تقاضا می کنم همان طور که آقای بهبهانی تقاضا کرده اند، کمیسیون زودتر تشکیل شود و داخل این قضایا بشویم. اخگر: یکی از عرایضی که می خواستم عرض کنم همین بود که آقای بهبهانی فرمودند.

نایب رئیس: البته نسبت به انتخابات کمیسیون مخالفی نخواهد بود.

فاطمی: توضیح بنده راجع به این است که اشخاصی که در این کمیسیون انتخاب می شوند آیا در کمیسیون دیگر عضویت دارند؟ و می توانند انتخاب شوند و یا اینکه این هم به منزله سایر کمیسیون ها خواهد بود؟ چون عقیده شخصی بنده این بود کمیسیون یک کمیسیون خاصی است که از طرف دولت پیشنهاد شده است و برای یک مدت کمی خواهد بود و اشخاصی هم که داخل در دو کمیسیون هستند، می توانند عضویت این کمیسیون را قبول کنند. خواستم نظر مجلس را بدانم که یک آرائی ندهیم که بعد مجبور شویم تجدید انتخاب کنیم. حالا هر طور رای آقایان است، همان طور خواهد شد.

نایب رئیس: بر حسب سابقه ای که در این مجلس گذاشته شده است، اشخاصی که عضو دو کمیسیون هستند در موقع انتخاب این کمیسیون غیر قابل انتخابند، مگر اینکه قبلا استعفاء بدهند.

بیات: بنده راجع به عده اعضای کمیسیون نظر داشتم. حالا بعد از قرائت پیشنهاد عرض می کنم. پیشنهاد آقای مدرس به مضمون ذیل قرائت شد:

« پیشنهاد می کنم که کمیسیونی که دولت تقاضا نموده اند به جهت معیت با دولت در حادثه مدینه طیبه، عدد آن ده نفر باشد و قبل از شروع دستور، انتخاب شوند.»

مدرس: مسئله این است که چون ده نفر را معین کردیم که جزء دو کمیسیون نیستند از این جهت ده نفر پیشنهاد شد. نظر من به ده نفر این بود که اینها جزء دو کمیسیون نیستند و اگر لازم بدانند دیگران را هم دعوت کنند، می توانند.

مرتضی قلی خان بیات: بنده نظرم دوازده نفر بود ولی ده نفر هم عیبی ندارد.

آقا سید یعقوب: بنده از فرمایش آقای مدرس در شبهه افتادم که این ده نفر را که ما نمی دانیم کی ها هستند و در خارج معین کرده اند ده نفر را که در کمیسیون عضو نیستند؟ اگر یک انتخابی است که به طور آزاد از مجلس باید بشود، پس اشخاص معینی ندارد و هر کس را که در دو کمیسیون عضو نیست را می توان انتخاب کرد و اگر یک اشخاصی است معین در نظر خودشان، پس یک کمیسیونی است مخصوص

و مختص به نظر خودشان . یعنی مجلس آزاد نیست والا اگر مجلس آزاد باشد هر ده نفری که در دو کمیسیون باشند را می توان انتخاب کرد.^۱

[مدرک شماره ۱۱]

جلسه ۱۹۵ مجلس شورای ملی - ۱۲ شهریور ۱۳۰۴

نایب رئیس : قبلاً نتیجه استخراج آرا برای انتخاب کمیسیونی که هیات دولت تقاضا کرده بودند که با دولت مشورت و مشارکت کنند در اقداماتی که می بایست در قضیه هائله مدینه طیبه بشود ، چون انتخاب شده اند به عرض مجلس می رسانم :

آقای آقا شیخ فرج الله شصت و نه رای ، آقای دیبا شصت و شش رای ، آقای ذوالقدر شصت و پنج رای ، دکتر محمد خان مصدق شصت و پنج رای ، آقای مفتی شصت و چهار رای . آقای عراقی شصت و دو رای ، آقای مستوفی شصت و یک رای . آقای قمی شصت و یک رای .

تمام آقایان با اکثریت تامه انتخاب شده اند . دو نفر از آقایان که آقای مستوفی و آقای مفتی باشند در کمیسیون عضو بوده اند و باید نسبت به یکی از کمیسیونهای سابق تکلیفشان معین شود .

مفتی : بنده در کمیسیون معارف و کمیسیون محاسبات عضویت دارم و گمان نمی کنم کمیسیون محاسبات مانع باشد.

نایب رئیس : در کمیسیون انتخابات هم عضویت دارید ؟

مفتی : بلی در آنجا هم عضو هستم ولی کار انتخابات تمام شده است .

نایب رئیس : خبر این طور نیست .

مفتی : از کمیسیون انتخابات استعفا می دهم.^۲

[مدرک شماره ۱۲]

(احساسات مسلمانان بمبئی)

چون واقعه گلوله ریزی گروه ناستوده ملت وهابی که به مدینه مطهره جسارت ورزیده و آتش افشانی نموده اند ، عموم مسلمانهای هندوستان از سنی و شیعه و خوچه و بوره و اسماعیلیه غمناک و تاثرات خود را آشکار و دست از خورد و کار کشیده و رؤسای بمبئی از اشراف و اعیان و تجار که بیش از بیست هزار نفس می شود ، از جمیع مسلمانان جمع شده و مجلس مرکزی در بمبئی راه انداخته شد که شعب عالم اسلام را اصدا دهد و فروعاتی به جهت او در تمام نقاط هند دایر شود .

سابق مجلس خلافتی [بود] و چون دیده شد در او اثر و ثمری هویدا نشد برچیدند و بهم زده و به

۱. روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی، همان ، ص ۱۳۸۳.

۲. همان، ص ۱۳۸۴.

جایش (انجمن انصار الحرمین) دایر شد. اعضای این انجمن از روسای واقعی و تجار بزرگ و اعیان و صاحبان مناصب عالی بوده و مجلس باشکوهی بسیار خوب مفتوح شد و اعضای این انجمن نمایندگان تمام طوایف و ملل اسلامی که ارض هستند.

قرار اول مجلس این شد که هیاتی را نزد قنصل ایران در بمبئی فرستادند و اظهار داشتند که باید دولت ایران که امروز بزرگترین و مقتدرترین دول اسلامی است حرمین شریفین مکه و مدینه را از چنگال ابن سعود بیرون آورد و متنی بزرگ به عالم اسلام و مسلمین که ارض بگذارد.

جناب قونسول آنان را به گشاده روئی پذیرفته و گفتند: در ایران حالیه در این خصوص گفتگو و هیجان عمومی است و دولت ایران به فکر بوده و محتمل قشون بزرگی به طرف حجاز روانه بدارد و وهابی ها را از کلیه حجاز و یثرب بیرون کند.

نمایندگان بسیار خوشوقت شدند و تلگراف وارده از تهران هم مؤید اقوال آقای قونسول بود. نیز تلگرافات مفصل به ابن السعود به مکه شد که در آن تلگرافات عموم مسلمانان انزجار و کدورت خود را نسبت به ابن سعود و خلافتکاری او که به مدینه منوره جسارت ورزیده اظهار کردند و امروز انقدر وهابی ها در نظر مسلمانان بمبئی منفور بوده که اگر یک نفر نجدی در بمبئی پیدا شود او را با دندان ریشه ریشه خواهند کرد.^۱

[مدرک شماره ۱۳]

(وهابیه و مدینه منوره و عالم اسلام)

عالم اسلام را مصیبتی تازه و غم زایل نشدنی به تازگی رویداد که یک احساسات سرشار مهیجی در برخی نقاط اسلامی بر اثر این حادثه و یک خمودگی و بیرطی در بعضی ممالک اسلامی دیگر در این گاه امتحان، نمودار شد و آن گلوله ریزی اتباع ابن سعود (وهابی ها) به مدینه منوره و قبه مکرمه حضرت ختمی مرتبت و اماکن مشرفه آن بقعه پاک و خطه تابناک بوده که همه را پریشان حال کرد.

مادر شماره های گذشته چهره نما را عقاید و شریعت وهابی ها کاملاً خوانندگان را مطلع ساختیم که آنان اگر چه به وحدت خدا و نبوت رسول خدا و خلافت خلفا و شریعت مطهره معتقد [هستند] لیکن تجلیل و تکریم نمودن مکه و مدینه و مشاهده مشرفه عتبات عالیات را کفر و بت پرستی می دانند و بنا به عقیده منحوسه شان این اعمال نا شایسته را مکرر کرده و می کنند!

اما بلادی که در این حادثه مکدره به صدا در آمدند نخست مسلمانان بمبئی هندوستان بوده که قصابان یک روز دست از کشتار کشیده و مسلمانان گوشت نخورده و اینان تاسی به (مسترغاندی) نموده که ان هم

همیشه برای رفع مشکلات سیاسی و اخراج انگلیس از هندوستان هفت روز روزه می گیرد!

دوم مسلمانان ایران بوده که یک روز مجلس و بازارها و ادارت دولتی و غیره را بسته و اعمال وهابیان

۱. هفته نامه چهره نما، ش ۲، س ۲۲، مهر ۱۳۰۴، ص ۱۵

را پروتست کردند. سوم مصریان بوده که به کار خود مشغول و فقط اعلیحضرت ملک فواید اول پادشاه مصر تلگرافی به ابن سعود فرموده و او هم جوابی نفی داده و مطلق انکار کرد! اما ترک ها و عراقی ها و مسلمانان فلسطین و شامات و قفقاز و ترکستان و افغانستان و جاوه ای ها و یمن و عدن و غیره به سکوت گذارنیدند.

در این اثنا از طرف وزارت امور خارجه ایران تلگراف ذیل به سفارتخانه ایران در مصر رسید:

سواد تلگراف وزارتخانه ایران به وزیر مختار ایران در مصر

به طوری که می دانید در موقعی که وهابی ها برای طرفیت با امیر حسین به طرف مکه معظمه می رفتند دولت ایران به وسایل مختلفه به ابن سعود نصیحت کرد که از تعرض به بیت الله و خون ریزی مسلمین اجتناب نماید. ابن سعود قول داد که جز تهیه اسایش و راحتی مسلمین زیراین مکه معظمه و احترام اماکن مشرفه مقصودی ندارد. حال موافق اخباری که رسیده وهابی ها خانه وقبر خدیجه را در مکه معظمه به دست خود منهدم و اخیراً در حمله به مدینه [مقبره] مطهر و قبر حضرت پیغمبر و مسجد حمزه را بمباردمان و خراب کرده اند.

این اخبار مؤلم بی اندازه دولت و ملت ایران را عزادار و قلوب همه مسلمین را مجروح داشته. روز وصول این خبر، مجلس شوروی ملی تعطیل و پس از تایید خبر مزبور برای اظهار نفرت (پروتست) روز شنبه ۱۶ صفر تعطیل عمومی در تمام نقاط ایران شد. تمام طبقات مردم با نهایت هیجان، ابراز اندوه خود را از این هتک احترام به مقامات مقدسه اسلام و اظهار تنفر از وهابی ها در مسجد ازدحام [و درخواست] دارند که همدردی و اعتراض ایران را به اطلاع عموم مسلمین حوزه ماموریت خود برسانید.

به محض ورود این تلگراف به مصر آقای وزیر مختار ایران، مقدم، در تمام جراید مهمه یومیه مصر تلگراف را انتشار دادند که واقع احساسات عالیه دولت و ملت ایران در انظار مسلمانان مصر بیش جالب توجه شد. آنگاه عموم ایرانیان [مقیم مصر] را خواسته و تلگراف فوق را به آنان ابلاغ و قرائت فرموده و ضمناً نطق ذیل را ایراد کردند:

نطق آقای میرزا غفار خان وزیر مختار ایران در مصر

برای اظهار همدردی با هموطنان خود در ایران

از اینکه از شنیدن هیجان و تاثرات و تعطیل عامه امروز در تمام ایران برای نمایش و همدردی با هموطنان اصلی، در حفظ شرافت اسلام که عین شرافت ملی مسلمین است بدین جا آمده اید، کمال تشکر را دارم و یقین دارم اطلاع بر این نمایش و یک جهتی شما در چنین موقعی مایه تسلی و قدردانی ملت ایران خواهد شد.

اخباری که مبنی بر هتک احترام مقامات متبرکه که در مطبوعات منتشر است و قراین خارجی و راپورت های واصله به دولت علیه ایران هم مؤید آن است مایه حیرت و تالم فوق العاده است. هیچ کس نمی تواند انکار یا تعبیر دیگر بکند که این رفتار و اقدامات قبیحه وهابی ها نه فقط بر خلاف مسلک و اصول تمام

ملل و طوایف در هر عهد و عصر از متمدن و وحشی می باشد بل یک توهین و ضربه ای است بر حسیات و شرف دوستی مسلمین بدون استثناء .

در هر عهد و عصر حتی در عهد تاریک ملل مختلفه متباین از حیث مذهب و جنسیت ، قبور و معابد مذهبی یکدیگر را محترم و خارج از دایره مخاصمت می دانستند اگر هم بندرت برخلاف این اصل حرکتی از شخصی یا ملتی صادر می شد تمام آنها ننگین و محکوم تاریخ عالم می شدند . با وجود این ، در این حادثه قرن بیستم که کمتر نقطه ای مانده که از نور تمدن روشنائی بدان نرسیده باشد و خصوصت با عقاید و مذاهب جزو خرافات و پست تر از وحشیگری به شمار می رود و اول هم وسیعی تمام ملل و دول عالم ، نمایش احترام به عقاید مذهبی یکدیگر است و از نکات مهمه است که در تمام معاهدات قید می کنند وقوع این قسم وحشیگری و بی احترامی به مقامات مقدسه سیصد میلیون مسلمان از طرف یک طایفه بدون جسارت و وحشیگری ای است که در تصور نمیگنجد . به عقیده من سکوت و بی اعتنائی ملل اسلام نا درجه ای مسئول این جسارت هاست ! زیرا که اگر در این مدت قریب یک سال که این قبیل اخبار در جریان است ابراز حسی و اعتراضی از طرف ملل اسلام که قرابت شان با این طایفه وحشی نزدیک تر است ، می شد ، درجه جسارت آنها بدین جا نمی کشید که حتی گنبد حضرت رسول را اماجگاه گلوله و شرانبیل نمایند ، بدون آنکه ذره ای اعتنا به حس شرف مسلمین داشته باشند .

شاید این بی اعتنائی پاره از ملل اسلام از روی این ملاحظه بوده که در چنین مواقعی مذهبی ، بروز هیجان و تاثرات در انظار ملل اروپا حمل بر (فانائیزم) (تعصب مذهبی) و قصور تمدن و تنور فکر بشود . حال همان دول متمدنه که تاسی بد ان ها و مسالک آنها ، منتهای امال دول اسلام است اگر به یک قبر سرباز گمنام شان اندک بی احترامی از ناحیه ای بشود ، شور نشور در سرتاسر ممالکشان افتاده و تمام قوای بری و بحری و هوایی خود را به جنبش آورده نیار بر می کنند ! تا چه برسد به اینکه آثار عمدۀ مذهبی و مقامات مقدسه عمومی آنها را به این جسارت و بی اعتنائی به حسیات آنها ، منهدم نمایند و حسسیات و شرف دوستی آنها را هیچ بشمارید .

بعضی از مسلمانان هم که احتجاج می کنند تا کاملاً صدق این اخبار واضح نشود هیچ اظهار و حسی و نگرانی صحیح نیست و تقریباً برای بی حسی خود بهانه می خواهند به دست بیاورند .
اولاً این ثبوتی که آنها می خواهند به دوچیز ممکن الحصول است : یا باید خود وهابی ها براین وحشیگری خود اعتراف نمایند یا اینکه فرداً فرد مردم به مکه و مدینه رفته و به چشم خود معاینه کنند !
و هر دو این وسیله غیر ممکن است ،

ثانیاً اگر ده یک این اخبار صحیح باشد (و حال آنکه همه از منابع موثقه است و صحیح است) کافی است که تمام مسلمین را در دفاع بیضه اسلام و شرافت ملی و مذهبی به هیجان آورد .

ثالثاً بعد از مشاهده و معاینه تمام هتک احترام ها و خرابی به مقامات مقدسه ، هر هیجان فداکاری بشود هدر و بی موقع است و بدون هیچ حاصل و ثمر ! و اگر تمام طایفه وهابی را از روی زمین محو کنند رفع توهین و ننگ را که به عالم اسلام شده ، نتواند کرد پس بنا به مثل مشهور (علاج واقعه قبل

از وقوع باید کرد)

در هر حال امیدواریم که برادران مذهبی تا دیر نشده در حفاظت بیضه اسلام و شرافت مذهبی و ملی بیش از این مسامحه و بی حسی نمایند و اتحاد و یک جهتی در عالم اسلام را که اساس قدرت ملل اسلام است ، به عالم نشان بدهند (خاتمه)

(چهره نما)

به عقیده ما این اولین نطق جامع الاطرف کثیر المعانی عالمانه ای بوده که یک روز وزیر سیاسی یک دولت معظمه اسلامی در عاصمه یک دولت اسلامی دیگری در نهایت شهامت و قوت قلب بیان کرده اما مثل شعر معروف (اما هزار حیف که یک دست بی صدا است) به قرار اخبار وارده از شام ، آقای میرزا حبیب الله خان هویدا قونسول جنرال (عین الملک سابق) نیز تلگراف ایران را در جرائد انجا منتشر و خودشان هم از طرف دولت ایران مامور شده اند که به مدینه رفته و تحقیقات عمیقانه کرده و راپورت بدهند و کنون عالم اسلام نگران راپورت ایشان بوده اند.^۱

[مدرک شماره ۱۴]

از کمیته خلافت

تلگرافی از کمیته خلافت هندوسان به امضاء شوکت قائد مسلمین هندوستان به هیات محترم دولت راجع به مسئله بمباردمان مدینه طیبه رسیده است که نظریه سابق ما را تأیید و چون عین تلگراف را ندیده ایم ، نشر مضمون آن را به آتیه وعده می دهیم.^۲

[مدرک شماره ۱۵]

از کرمانشاهان - استفتاء

حضور محترم حضرت آیت الله کاشانی طهران
خبر موخش غیر مترقب یعنی تخریب مرقد مطهر حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله رسیده ،
صحت و سقم آن را فوری ، مستدعی است تکلیف عموم مسلمین را در اقدام جدی تعیین فرمائید .

حاج میرزا محمد علی واعظ

از طرف عموم تجار ، سیدی^۳

۱. هفته نامه چهره نما ، ش ۲ ، س ۲۲ ، مهر ۱۳۰۴ ، صص ۶-۳

۲. روزنامه شفق سرخ ، ش ۳۷۵ ، ۱۷ شهریور ۱۳۰۴ ، ص ۱

۳. روزنامه شفق سرخ ، ش ۳۷۲ ، ۱۰ شهریور ۱۳۰۴ ، ص ۱

[مدرک شماره ۱۶]

تلگراف تبریز

طهران: آقای حاج رحیم افندی قزوینی، روز جمعه و شنبه تعطیل عمومی. حضرات حجج اسلام و تمامی طبقات با حالت موثره نظیر عاشورا به سوگواری اقدام نمودیم. با کمال بی صبری نتیجه اقدامات هیئت معظم دولت را انتظار داریم. هیئت تجار: حاج محمد حریری هیئت اصناف: رضا فرشی^۱

[مدرک شماره ۱۷]

حوادث مهمه - تکذیب بمباردمان مدینه

بر حسب اخبار مختلفه چند روز قبل، نماینده ابن سعود در مصر به کلی مسئله بمباردمان مدینه را تکذیب نموده است و تلگرافی نیز از کمیته خلافت به امضا شوکت علی به هیات دولت رسیده که اشعار داشته اند ما تحقیقات کامله در این باب نموده ایم و شایعه به کلی بی اصل بوده و این دشمنان اسلامند که برای تفرقه کلمه مسلمین و ایجاد نفاق بین آنها این شایعات را منتشر می کنند. ما از تکذیب این قضیه از دو لحاظ مسروریم^۲

[مدرک شماره ۱۸]

بی سیم مسکو مورخه ۱۳ سپتامبر ۱۹۲۵

اظهار نفرت

مسکو: در ۵ سپتامبر سفرای ایران و ترکیه در مسجد مسلمین حاضر شده و پس از اداء مراسم مذهبی و دعا که با حضور جماعت کثیری از مردم و مخصوصاً ایرانیان به عمل آمد، [سخنانی] ایراد نموده و از مساعدت با وهابی ها که اماکن مقدسه مسلمین را خراب می کنند اظهار بیزاری و اعتراض نمود. در همان روز جمع کثیری در مسجد اجتماع نموده و بر علیه عملیات وهابی ها پروتست کردند.^۳

[مدرک شماره ۱۹]

قضیه مدینه

پاریس: تلگراف واصل از بیروت راجع به انتشارات مربوطه به بمباردمان مدینه از طرف وهابی ها مشعر

۱. همان، ش ۳۷۵، ۱۷ شهریور ۱۳۰۴، ص ۱

۲. همان، ش ۳۷۶، ش ۲۲ شهریور ۱۳۰۴، ص ۱

۳. همان، ش ۳۷۶، ۲۲ شهریور ۱۳۰۴، ص ۳

است که حقیقت قضیه آن است که ساخلو هاشمی که در قلعه محصور هستند به سمت اطراف و بیرون شهر که در دست وهابی ها ست ، مشغول شلیک می باشند^۱.

[مدرک شماره ۲۰]

مهمترین اخبار - کنفرانس اسلامی

لندن: جریده دیلی اکسپرس تلگرافی از قاهره درج کرده است مشعر بر این که قریباً در جده بین نمایندگان سلطان حسین و ابن سعود و انگلستان کنفرانسی برای یافتن طریق حل قضیه معضل و لاینحل حجاز تشکیل خواهد شد.^۲

[مدرک شماره ۲۱]

(استغاثه شریف حسین به مسلمانان دنیا)

شریف حسین یعنی پادشاه معزول حجاز که فعلاً در جزیره قبرس به نظر بند است استغاثه نامه به کلیه مسلمانان دنیا فرستاده و در آن استغاثه نامه اعتراض می کند به قبضه انگلستان به بندر عقبه را و می گوید این حرکت برخلاف و عده ای است که انگلیس به حکومت عربی داده بود و ضمناً می گوید نتیجه این خواهد شد که ابن سعود مدینه و ینبوع را قبضه نموده . این خرابی هائی را که در مکه کرده و در مدینه هم جاری دارد از این رو کلیه مسلمانان دنیا را دعوت می نماید برای اینکه نگذارند حق عرب مورد تبانی شده و وهابیان مدینه را خراب نمایند .

چنانچه اخبارات انگلیسی می نویسند ابن سعود متوجه قبضه مدینه و یتنوع است تا بتواند قوت امیر علی را در جده کم نموده سپس او را در هم شکنند . امیر علی نیز در این موضوع شکایت دارد ولی به عقیده ما اگر امیر علی و خاندان شریف حسین راست می گویند که همدردی با اسلام دارند خوب است از ریاست اماکن اسلامی کناره گیرند .

نفرتی که مسلمانان به خاندان شریف حسین حاصل نموده نه چیزی است که بتوان از قنوت عامه خارج نموده ، چه همدردی که مسلمانان تا درجه به ابن سعود پیدا نموده اند تمام به واسطه ضدیتی است که با خاندان شریف حسین دارند ورنه جمیع مسلمانان یک دل و یک زبان متحد شده و به دفع ابن سعود می کوشیدند . حالا می گویند اگر ابن سعود را به جنگ یا خواهش ، خارج ساختیم همان خاندان منفوری که خیانت به اسلام کرده اند به اماکن مقدسه مسلمین باز مسلط خواهند گردید این گونه استغاثه نامه های شریف حسین و امیرعلی جوابی جز لاینفع الندم نمی شوند.^۳

۱. روزنامه شفق سرخ ، ش ۳۷۸ ، ۲۶ شهریور ۱۳۰۴ ، ص ۱

۲. همان ، ش ۳۷۸ ، ۲۶ شهریور ۱۳۰۴ ، ص ۱

۳. هفته نامه جبل المتین کلکته ، ش ۲۹ ، س ۳۲ ، ۲۱ صفر ۱۳۴۴ قمری ، صص ۸-۱

[مدرک شماره ۲۲]

یادداشت (۹ شهریور)

[مقاله] مسئله وهابی ها

این چند روز مسئله وهابی ها و توهینی که نسبت به مسجد حضرت رسول (ص) وارد آمده است در ایران موضوع بحث گردید. در دو جلسه هم از طرف رئیس دولت و هم از طرف بعضی نمایندگان اظهاراتی در این باب شد و حتی برای اتخاذ تصمیمی آقای رئیس الوزرا از مجلس نیز کمیسیونی خواستند. از طرف علماء و تجار و کسبه نیز در این چند روزه خیلی اظهار نگرانیو هیجان شده است و برای جریده نگاران هم موضوع خوبی پیدا شده که به اشکال مختلفه نوحه سرائی کنند.

ما تاکنون در این باب چیزی ننوشتیم و شاید مورد اعتراض هم واقع شده باشیم ولی چه اهمیت دارد. در مقابل تاریخ و وجدان، جریده ای که کار و وظیفه دیگری دارد باید به اخبار وارده با نظر تعمق نگریسته و منبع انتشار و جریان های سیاست هر دو را در نظر بگیرد و آن وقت قضاوت نماید.

۲۵ اوت بی سیم برلن و ۲۶ اوت رویتز خبر بمباردمان مدینه خرابی مسجد حضرت پیغمبر (ص) رانشر دادند ولی از کجا؟ از بیت المقدس.

بیت المقدس در تحت سلطه و نفوذ کیست؟ تحت حمایت دولت انگلیس.

روابط شریف حسین و پسرانش با دولت انگلیس چطور بود؟ در نهایت خوبی.

امیر فیصل کجاست؟ در لندن.

بزرگترین معارض وهابی ها کیست؟ امیر علی.

برادر فیصل مسئله تمدید معاهده عراق مربوط به کیست؟ به موافقت فیصل.

آیا ممکن است گله مندی و دلخوری زمامداران بریتانیای کبیر از خانواه شریف به واسطه فیصل رفع شود؟ بدیهی است خیلی ممکن است.

با این ملاحظات چطور ما می توانیم این خبر را یک خبر قطعی تلقی کنیم. صحیح است وهابی ها عقاید کفر آمیز دارند و اصولاً به مقابر بزرگان دین و مشاهد مشرفه احترامی نمی گذارند ولی مسجد را خیلی اهمیت داده و به همان درجه که در ضدیت با سایر مذاهب اسلام و با خرابی مشاهد مشرفه ائمه متعصب و بی پروا و جسور هستند در تقید به ظواهر مبادی قرآن و احترام کعبه یا مساجد نیز مانند خوارج نهروان متعصب هستند. علاوه بر این کاملاً با احساسات عقاید ملل اسلامی مطلع و می دانند یک همچو توهینی تمام عالم اسلامی را به رعشه هیجان و تنفر خواهد انداخت و لذا بعد از اینکه وارد مکه شدند ابن سعود بیانییه ای تلگرافاً به تمام ممالک اسلامی نشر داده و در طی آن خضوع خود را نسبت به مراسم ملل اسلامی و حفظ شعائر آنها خاطر نشان نموده بود یعنی می خواست به ملل اسلامی بفهماند که ما آن وهابی های خشک و خشن و بی اعتناء به مراسم مذهبی سایر ملل نیستیم و عقائدی که داریم برای خودمان و مانع سایر اقوام اسلامی نخواهیم بود.

بعد از شروع جنگ بین المللی و فتوای جهادی که از مشایخ اسلامی اسلامبول صادر شد؛ ترکها سعی

می کردند به وسیله تبلیغ حکم جهاد و مبدا اتحاد اسلام به ملل اسلامی، جنگ را دینی معرفی نموده و حتی الامکان از حدوث سانحه ای که اتفاق مسلمین را در هم شکند جلوگیری نمایند. سخت ترین لطمه ای که به این مرام ترک ها زده شد از دست خانواده شریف بود زیرا خانواده مزبور به واسطه شرافت نسب و عهده دار بودن حراست حرمین شریفین در نظر مسلمین مقام ارجمندی داشتند و جدا شدن آنها از خلافت عثمانی به انظار اغلب ملل اسلامی نشان می داد که ورود عثمانی به جنگ ابدأ مربوط به دین و مذهب نیست. بدیهی است سیاست دولت انگلیس، حجاز را از سلطنت آل عثمان مجزا کرد و طرفین (شریف حسین و نماینده سیاسی انگلستان) در باغهای سبزی به همدیگر نشان دادند ولی بعد از انقضا جنگ، مواعید انجام نگرفت و شریف حسین بیش از گنجایش خود می خواست بزرگ شود و سیاست انگلستان مقتضی این نبود بلکه بهتر این می دانست حجاز یک دولت کوچک ضعیفی باشد در تحت تاثیر و نفوذ او؛ در نتیجه تصادم این دو سیاست، شریف حسین از مساعدت سیاست بریتانی محروم و تشویق مختصری از وهابی ها که اساساً مابین آنها و خانواده شریف [حساسیت هائی] موجود بود برای درهم شکستن جبروت مالک حسین کافی بود و همین طور هم شد و حتی سیات انگلیس روی مساعدی نیز به هجوم وهابی ها به حجاز نشان داد.

شریف حسین که قضیه را این طور دید از سلطنت استعفا داد و تصور کرد به واسطه روی کار آمدن امیر علی قضایا به خوشی ختم شود و البته ختم شدن قضیه به این سرعت و عجله چندان موافق سیاست نبود. شاید امروز که امیر فیصل به لندن رفته و موقع تحدید معاهده انگلیس و عراق نیز رسیده است آن موقع رسیده باشد. یعنی موقع اینکه دیگر وهابی ها در جای خود بر گردند زیرا خانواده شریف عاقبت و خیم بلند پروازی خود را باز دانسته و متنبه شده اند و مال الصلح هم تمدید معاهده عراق وانگلیس باشد از طرف برادر امیر علی داده شد. برای تمام کردن این بازی، باید علم اسلام بر ضد وهابی به جنبش آید و همین یک خبر که قبر مطهر پیشوا و قائد و پیغمبر خود را در زیر آتش توپ ها ببینند برای تهییج تمام عالم اسلام کافی است.

این یک احتمالی است که ما می دهیم یعنی قضیه را ساده و خالی از ملاحظات سیاسی نمی دانیم لذا قبل از همه چیز، باید صحت و سقم قضیه به توسط وزارت خارجه معلوم نموده و سپس وارد یک اقدام عملی شوند. بدیهی است اگر این خبر صحت داشته باشد یک روز تعطیل در تمام ایران یا تجمع در مدرسه مروی، یا اظهار تاسف در مجلس شوری کافی نیست زیرا این قبر مطهری که خراب شده است تنها قبر یکی از پیشوایان دن نیست، قبر شخص بزرگی است که هزار و سیصد و پنجاه و چهار سال قبل نقشه دنیا را تغییر داد و بزرگترین تطور فکری و روح را در گیتی ایجاد نمود؛ با محکم ترین و ابدی ترین شرایع خود، خط لغو بر احکام سابقین کشید و از آن تاریخ تاکنون هزار ها میلیون افراد بشر در مقابل عظمت و شموخ مقام علوی او، گردن اطاعت خم کرده اند. قومی که احترام مرقد یک همچو وجودی را ندانند البته باید دست آنها از این گونه اماکن کوتاه گردد و نباید به آنها اجازه داد هر روز با مبادی مقدسه اسلامی [بازی] کنند.

ولی از طرف دیگر معتقد هم نیستم که حجاز برای این از دست وهابی ها گرفته شود که به دست خانواده شریف تسلیم گردد زیرا حتمی ترین نتیجه یک همچو سیاست غلطی این است که این کشمکش آلوده به شنايع در اراضی وحی و سرزمین قدسی هر روز تجدید شود . علاوه بر این تصور می کنیم در این صورت دولت ترکیه نیز موافقت نکند زیرا اساساً با سلطه خانواده شریف در حجاز مخالف هستند و ما در این گونه مسائل ، محتاج به موافقت عام ملل اسلامی هستیم مخصوصاً مللی که حیات استقلالی آنها در تحت نفوذ و اوامر بیگانگان نباشد.

و از همین لحاظ هم به کلی مخالفیم با نظریه ای که امروز صبح یکی از آقایان اظهار کرده و می گفت قضیه به مجمع اتفاق مراجعه شود و از مجمع تقاضا شود آنجا را اداره کند . مادر این باب از سابق یک نظریه ای داشتیم که خوشبختانه امروز هم جریده ایران بدان اشاره کرده بود و آن این است که یا تمام حجاز یا اقلاً حرمین شریفین در تحت اختیار و حکومت یک مجمع اسلام که نمایندگان تمام ممالک اسلامی در آن حضور داشته و عضو باشند ، قرار گیرد و مستقیماً آن مجمع مداخله در امور حرمین شریفین نموده ، مالیه و نظام و سایر دوائر آن را اداره کرده وسائل تسهیل مسافرت زوار و حجاج را فراهم نموده و دول اسلامی نیز موظف به حمایت و تقویت و مساعدت این حکومت کوچک بین المسلمین باشند.^۱

[مدرك شماره ۲۳]

[مقاله] السلام عليك يا رسول الله

به مناسبت اشعه خبر انهدام گنبد مطهر رسول صلعم و خراب نمودن مسجد حمزه ، مجلس شورای ایران تعطیل و از دولت خواهش نمود که بر این حرکت ابن سعود سخت اعتراض نموده و جلوگیری از مزید اقدامات نماید . آقای پهلوی وعده فرموده اند که دولت اقدامات جدی خواهد نمود ولی برای کمک و تأیید ، مناسب است که مجلس شورای ملی کمیسیونی تشکیل داده تا دولت را در این موضوع کمک نماید . آقای مدرس که یکی از علمای سیاسی و قائد حزب اقلیت دارلشورای ملی است از دولت خواهش نموده که در این موضوع اقدامات عملی شود نه لفظی . رئیس الوزراء وعده فرموده اند که البته کوتاهی نخواهد شد . آقای رئیس الوزراء به رؤسای نظامی و مامورین کشوری در کلیه ایران اطلاع داده اند که به مناسبت انهدام گنبد مطهر حضرت رسالت پناهی ، شانزدهم صفر که فردا یوم شنبه باشد ، عموماً تعطیل و کلیه دکانین و بازارها و ادارت تجا رتی و غیره دست از کار کشیده و این روز را روز ماتم و غم قرار دهند . وزیر امور خارجه به کلیه نمایندگان خود اطلاع داده که قبل از جنگ ، دولت علیه ایران به ابن سعود تذکر داده بود که از خون ریزی مسلمانان و هتک احترام اماکن مقدسه احتراز نماید . معلوم می شود که ابن سعود به این تذکر عمل ننموده و به قول خویش ایفاء نکرده . از خبر انهدام مرقد مطهر نبوی مجلس دارالشورای تعطیل و کلیه مسلمانان متالم و پنجم سپتامبر یوم ماتم و عزا قرار داده شده و کلیه رعایای ایران را از

۱. روزنامه شفق سرخ ، ش ۳۷۳ ، ۱۰ شهریور ۱۳۴ ، ص ۱

این واقعه اخبار دهند.

رئیس مجلس تجارت طهران به بمبئی تلگراف زده است که " البته آگاه اید از بمباردمان وهابیان شهر مدینه را و خرابی هائی که به مسجد بزرگ و گنبد مطهر رسول صلعم و خراب نمودن مسجد جعفر و قبر خدیجه در مکه نموده اند. ملت و دولت ایران تصفیه نموده که قصاص بگیرند از وهابیان و محافظه کنند عزت اسلام را. ما یقین داریم که مسلمانان همه دنیا در فدیة مال و جان در محافظه بیضه اسلام حاضر خواهند بود. چه اقدام مسلمانان هند در این امر کرده و خواهند کرد، اطلاع دهند. برای ابراز نفرت تمام ادارات ملی و دولتی ایران روز شنبه شانزدهم صفر را تعطیل و غیرت خود را ظاهر می نماید. امید است که مسلمانان دنیا تاسی به ایرانیان بجویند."

تلگرافی که محصورین مدینه به جد [زده و] و از جد به بمبئی رسیده، می گوید: " مسلمانان البته آگاه اند از آن همه خرابی که وهابیان در مکه و طائف نمودند و جزئی از آن خرابی ها همانا کشتن و غارت کردن و بچه زدن مسلمانان را و کنیز و غلام ساختن است و این اقدامات را از آن رو می نمایند که وهابی ها فقط خود را موحد و مسلمانان می گویند و تمام اهالی اماکن مقدسه در نظر آنان کافر و مال شان حلال است. فعلا این جماعت مدینه را محاصره کرده و در اعلانی که رئیس قشون نجد، فیصل الجاوش امضاء نموده می گوید به لشکریان خود که اهالی مدینه همه کافر اند. از این ظاهر می شود که وهابی ها مصمم گردیده اند که اگر اهالی مدینه مذهب آنان را قبول ننمایند تمام را کشته اموال شان را غارت نمایند. دهات مدینه را مانند الوالی قربان و غیر را که گرفته همین سلوک را به آنها روا داشته، مال شان را غارت می کنند، درخت های خرما آنها را قبضه کرده اند. شب و روز مدینه هدف بمباردمان وهابیان است و مرکز بمباردمان خود را گنبد مطهر نبوی قرار داده اند. وهابیان فریاد می زنند و ما را به این کلام دعوت می کنند (ای کافر ها بیرون آئید و به سزای خویش برسید) آیا مسلمانی هست که دلش بر ساکنین شهر پیغمبر متالم نگردد و رضا دهد که ما از قحط بمیریم. ای مسلمانان ما به شما استغاثه میجوئیم؛ ما را نجات داده و قبر نبی را محافظه کنید.

(حبل المتین)

عقیده وهابیان بر احدی پوشیده نبوده و نیست. سرسلسله این فرقه که جد ابن سعود کنونی عبدالوهاب باشد در سال قبل آنچه نموده در کربلا بر همه ظاهر است اگر چه اوضاع سیاست تغییر نموده ولی در صورت صحت این خبر، گویا مسلک وهابیان تبدیل نیافته است. بدون شبهه ابن سعود مردی است فاضل عالم و واقف به مواقف عصر. چنانچه می گویند سالها نیز در فرانسه تحصیل کرده. این حرکت از وی خیلی عجیب است چه او می خواهد در عرب و بلکه در کلیه اسلام سیاست مدار گردد. سیاست مداری با تعصبات مذهبی و حرکاتی که قلب جمیع مسلمانان دنیا را مدکر سازد، دور است. بالجمله می گویند [وهابی ها] بسیاری از تعمیرات مساجد را از قبیل ساختن و غیره ناجائز می دانند، خود را تابعه قرآن و عامل به حدیث و موحد مطلق گفته و در حق انبیاء و اولیا هم قائل به " من مات فمات " اند. شفاعت را قائل

نیستند. " الا باذنه " را به اراده الله تفسیر می کنند. در مسئله جهاد از تمام فرق اسلامی بیشتر مجداند. این فرقه در هندوستان روز افزون در تزايد است و جمعی از فضلا و علمای هند رجحان به این فرقه دارند. می گویند شیعیان قبر پرستند و سنیان هم قبر پرستند و هم پیر پرست و هر دو را منافی با حقیقت اسلام موحدیت می گویند. در بلوای سال ۱۸۵۷ میلادی این فرقه نزد انگلستان متهم آمده و خیلی هم متعجب شدند. سپس که سر سید احمد خان طلوع کرد رفع شبهه از انگلستان نموده و مجدداً این فرقه در هندوستان آزاد گردیدند و از آن زمان تا کنون خیلی ترقی کرده و ما از پیشرفت این فرقه در هندوستان چنان می بینیم که پس از صد سال اکثریت مسلمانان هند را وهابیان تشکیل دهند. فعلا مسلمانان هند دو فرقه اند: وهابیان و یکی پیر پرستان، هر قدر بر وفق مقتضیات زمان از عده پیر پرستان کم می شود بر عده وهابیان افزوده می گردد.

۲۰ سال قبل زمانی که دولت [عثمانی] خویشان را در دامان آلمان انداخت و مسئله تعمیر راه آهن بغداد قوت گرفت برای جلوگیری از سیاست آلمان، انگلستان مصمم آمدند که قوای دولت عثمانی را در عراق به طریق غیر مستقیم در هم شکنند. نتیجه این شد که بدو شیخ مبارک بن صباح شیخ کویت را برخلاف عثمانیان برانگیخته و جدیت کردند تا وقتی که کویت را از عراق مجزی ساخته و تا درجه تحت الحمایه خود در آورد و نیم آزدش قرار دادند تا بتوانند عثمانیان بر او تاخته و راه آهن بغداد را بدان نقطه منتهی سازند. پس از فراغت از امر کویت، با ابن سعود هم همراه گردیده تا بندر قطیف و الاحساء قطر که شامل به عراق بود را قبضه نمایند و به همین مناسبات جنگی که بین ابن صباح و ابن سعود همواره جاری بود به وساطت انگلستان خاتمه یافت. شرح خونین [جنگ های] قطر و الاحساء، قطیف و جزائر و بنادر آن [نواحی] در شماره های ۲۰ سال قبل حبل المتین نگارش یافته. بر شیعیان آن سامان که اکثریت داشتند ظلم و اجحاف شد و با لشکریان عثمانی هم که در آنجا موجود بود خیلی بی رحمانه سلوک نمودند و شیخ خزعل را هم همان لرد کرزن بزرگ ساخت. حبل المتین در آن موقع خیلی فریاد زد و معلوم است دولت مظفری کی به این مطالب توجه می نمود. در سال ۱۹۱۹ بین انگلستان و ابن سعود قرار دادی بسته آمده که شرح آن را هم چندی قبل در حبل المتین نگاشتیم.

غرض از نگارش این مراتب آن است که ملت و دولت محبوب ما از چگونگی حالات واقف گردیده و هر اقدامی که می نمایند از روی بصیرت و اطلاع باشد و کوشش کنند قائم با لذات باشند نه سنگ روی یخ اجانب. مسلم است که پروتست خشک و خالی که عقب آن سر نیزه های نظامی نباشد، نه تنها کار از پیش نمی برد بلکه مورث توهین به خود و جلالت طرف هم تواند گردید. خوب است قبل از اینکه شروع به اصل مقصود شود وضعیت ابن سعود و متصرفات وی را مدنظر گرفته و ببینیم از چه راه می توان وی را به هوش آورد. حرکات ابن سعود از ده ماه [قبل] به این طرف که مکه را گرفته و حجاز را اشغال نموده اگر این شایعات مقرون به صواب ثابت گردد، ظاهر می دارد که [وهابیون] امروز و صد سال قبل که جنش عبدالوهاب بود، هر دو یک روش را دارد و ابداً از تغییر زمان وضعیت عالم متأثر نشده و ملتفت نگردیده اند که این دوره، [دوره] تعصب نیست که به اصول مذهب وهابیه تعمیر مقابر و امثال آن ناجائز

باشد. باید دید که چهار میلیون سائر مسلمین چه عقیده دارند. هرگاه از خود این سعود هم از این ماجرا سؤال بشود بدون شک جواب ملایم خواهد داد ولی اعتراض کنندگان باید غور نمایند که آیا جواب ملایم، جبران حرکات سابقه او تواند شد و یا اطمینان خواهد بخشید که در آتیه مرتکب این گونه اعمال نگردند؟ آیا تسکین قلب برای مسلمانان عالم حاصل خواهد آمد؟ که اماکن مقدسه شان و مراکزی که همه ساله میلیونها نفوس اسلامی باید به زیارت و طواف آن بروند به قبضه این جماعت متعصب باقی ماند. این امر هم مسلم آمده که خاندان شریف حسین نه قابلیت امارات عرب را دارند و نه می توانند این اماکن مقدسه اسلامی را محفوظ دارند. در قلوب عامه مسلمانان عالم جای گیر گردیده که شریف زادگان ملک حسین غلام زادگان فرنگان اند.

(چاره چیست؟)

به عقیده ما قبل از هر اقدامی دولت علیه ایران باید نماینده مخصوص به حجاز فرستاده و تحقیق حال نماید و در پیچ و تاب سیاسی دیگران خود را نیندازد. سیاسیون اروپا خیلی نعل های واژگون می زنند علاوه براینکه می خواهند مسلمانان را به یک دیگر اندازند مقاصد دیگر هم دارند که ما از ذکر و بیانش عاجزیم. دولت ایران خوب است یکی از نمایندگان خود را به فوریت امر کند که باره آهن به مدینه رهسپار آمده و حقیقت واقعه را به دولت اطلاع داده تا دولت ایران به جمیع مسلمانان عالم آگهی بخشد. چه به عقیده جمعی فعال در تاریکی هستند و اخبارات ضد و نقیض خیلی اشاعه می یابد. در هر صورت دولت ایران باید جدا اقدام نماید تا مسئله آینده حجاز تصفیه یابد. بدو باید دول اسلامی بدون فوت وقت بین خودشان تشکیل مجمعی داده و نمایندگان شان در یک نقطه جمع آمده و به فوریت مبادله خیالات نمایند. اینکه ملل اسلامی از هر جمعیت اسلامی به یک نقطه مانند مکه و مصر و غیره جمع شده و تصفیه مسئله خلافت و آتیه حجاز را بنمایند، از جملات بسیار خوش الفاظ بی معنی است. این مطلب از قدرت افراد ملل خارج است بلکه دول اسلامی باید اقدام کنند. ملت اسلام هم باید حامی و تابع دول متوبعه خود باشند. اگر به تشکیل کنفرانس اعظم اسلامی که از بعد خلع خلافت تاکنون در جراید انتشار می باشد، منتظر باشیم هیچ امر صورت نخواهد بست چنانچه تاکنون هم نبسته است ولی اگر به صدرات آقای پهلوی به فوریت در طهران مجلس تشکیل و سفیر کبیر ترکیه، سفیرافغانستان و سفیر مصر و نماینده وزارت خارجه در یک نقطه نشسته و امر را بیابند، به صرفه اسلام و اسلامیان معقول تر است و فوراً به صورت عمل هم می تواند درآمد. مسئله مکه و مدینه حکایت قبله و پیغمبر، اختصاص به شیعی و سنی و وهابی و خارجی ندارد چه در این موضوع خاص، همه شریک و هم عقیده اند.

مسلمانان هندوستان خیلی در هیجان اند و در نقاط عدیده بین وهابیان و سنت و جماعت کار به زد و خورد هم کشیده، شوکت علی که رئیس مجلس خلافت مرکزی بمبئی است به شبهه وهابیکری او را تهدید کرده اند و از بی مدرکی می گویند جماعت خلافیان مورث تجری بن سعود گردیده. حجاج هندی رابه مکه فرستادند و به ان صدمات عظیم دچار ساختند. دوست مامحمد علی معروف، برادر شوکت علی

که تابعه مسلک بی اثر گاندی بود در پنجاب ضمن نطق خود انکار می کند که این واقعات در مدینه پیش نیامده و از خوف مخالفت می گوید اگر راستی چنین واقعاتی پیش آمده باشد حاضر است شخصاً به مدینه رفته و با ابن سعود بجنگد و جان خود را نثار اسلام و مرقد مطهر نبوی سازد .

چه قدر این سخن سخیف و ابله فریبانه است . عزیز من، از تو و صد امثال تو که مدینه بروند چه بر می آید ؟ عوام را نباید فریب داد ؛ آن همه خاک پاشی ها که به چشم مسلمانان در پیروی گاندی شده بس [است . سخیف تر از سخنان دوست ما مستر محمد علی ، بیانات مسلمانانی است که پنجاه هزار نفر [بوده و] به طریقه داوطلبانه می خواهند به حجاز بفرستند به شرط اینکه دولت انگلیس [وسایل] رفتن آنها را هم به حجاز فراهم آرد . افسوس که مسلمانان دنیا قوال شده اند .

حکومت هندوستان بنا به هیجان مسلمانان به قونسول جده تلگراف زده که شما حقیقت امر را معلوم کرده و اعلان نمائید . سلطان فواد مصر از ابن سعود تحقیق واقعات مدینه را نموده و نماینده ابن سعود در مصر تکذیب می کند خرابی مرقد مطهر نبوی و قبر حمزه را و می گوید لشکر ابن سعود چند بمب به دشمنان پرتاب کرده ولی خرابی پیش نیامده و ابلاغیه عمومی هم ابن سعود اشاعه داده است . ارباب دانش و سیاست می گویند اقدام اساسی و با پایه همان است که پارلمان ایران کرده و باید تمام مسلمانان متکی به ان بشوند تا رفع این خطر عظیم را از اسلام بنمایند . چنانچه در پتنه مسلمانان مجتمع و تشکرات خودشان را به مجلس شورای ایران تقدیم کرده و چنان متجلی اند که دولت علیه اقدامی فرماید که نگرانی مسلمانان در معاملات حجاز برای همیشه مرتفع آید.

امروز دولت ایران بزرگترین دول اسلامی و محبوب القلوب عامه مسلمانان دنیاست و فقط دولتی است که امروز می تواند در کمال سهولت ابن سعود را پیش پای خود بنشانند . تا وقتی که ابن سعود در جلو خود مشاهده قوتی ننماید به اقدامات خویش خاتمه نخواهد داد و بعید نیست همان قسمی که صد سال قبل به کربلا نیز هجوم نموده و غارت کردند و ان همه خرابی ها و بی احترامی به جای آوردند اگر جلوگیری نشود مجدداً هم تجدید عهد شود چه حکومت عراق بدون تائید دولت انگلیس قادر نیست که جلوگیری از این سود بنماید . ما و جمیع مسلمانان دنیا حاضر نیستیم که در این اماکن مقدسه اسلامی هیچ گونه دخالت دیگران را به طریق مستقیم یا غیر مستقیم روا داشته و رضا دهیم.

(چه باید کرد)

باید پس از تحقیق کامل حیثیت ابن سعود و وضعیت نجد را مد نظر گرفت . باید دانست که اقدامات حضرت پهلوی شایسته نیست در ردیف اقدامات سایرین قرار گرفته به طرق است صرف نظر از این موضوع اهم کرده شود در صورتی هم که خبر انهدام مرقد مطهر نبوی مقرون به صواب نباشد باید در این جنبش تصفیه آینده حکومت حجاز بشود .

وضعیت نجد

ریاض که مرکز نجد و پایتخت ابن سعود است ۱۷۰۰ فیت از سطح دریا بلند است. نجد تمام ریگستان است و در بین ریگستان ها برخی قطعه ها که قابل حاصل است دارد باران هم می آید. درخت خرما زیاد پیدا می شود. نجد واقع است بین حجاز و یمن و فلسطین و شام و عراق و یک سر حدش نزدیک عقبه است که سرحد خاک مصر گفته می شد و ناجائز به تازگی انگلیسانش جزو فلسطین قرار داده اند. تمام نفوس نجد و قلمرو ابن سعود از ۷۵۰ هزار بالغ نیست. حیثیت مالی او بسیار کم است. در این سنوات اخیر به واسطه مددهای خارجی که برخی ها از فرانسه می گویند و بعضی از ترکیه و بسیاری از تائید انگلیسان می پندارند مدد مالی و اسلحه خیلی به او رسیده و همین نکته سبب گردید که بر حجاز توانست حمله کند و مکه را قبضه نماید.

قبل از هر اقدام باید از دولت انگلیس اطمینان نمود که در معاملات اسلامی رسماً، ظاهراً و باطناً بی طرف ماند و اگر معاهده هم با ابن سعود دارد ظاهر داشته تا تکلیف مسلمانان با وی معلوم گردد. اگر در این معاملات یعنی طرفیت با ابن سعود، دولت انگلیس هم طرف باشد، تکلیف مسلمانان [تکلیف] دیگر است و اگر دولت انگلیس از روی واقع و حقیقت بی طرف قرار گیرد در چند هفته می توان ابن سعود را پیش پای خود نشانید. نقشه دولت پهلوی ایران و سایر حکومت های اسلامی اگر از این قرار بشود، ظاهراً قرین صواب معلوم می شود:

اول: ابن سعود و خاندان شریف حسین یک دفعه ترک حجاز گویند.

دوم: حجاز [تحت] یک حکومت جمهوری اسلامی قرار گیرد که نمایندگان تمام دول اسلامی در جده یا مکه، قوای انتظامیه آن را به دست داشته باشند.

سوم: نمایندگان مجلس شورای جمهوری حجاز، نصفش باید از کلیه ممالک اسلامی از چین، ایران، افغان، هند، جاوه، ترکیه، ترکستان، روسیه، مصر، مراکو، عراق، و غیره انتخاب شود و نصف دیگر از خود حجاز.

چهارم: در صورتی که عایدات حجاز کافی از مصارف انتظامیه آن نگردد تمام ممالک اسلامی از روی یک قانون مساوات، فریضه ذمه خویش قرار دهند.

پنجم: به ضمانت دول اسلامی، یک قرضه مکفی برای حجاز گرفته آید و این قرضه را هم نباید از خارجیان بگیرند چه خود مسلمانان به دادن این قرضه اقتدار دارند.

اصولاً نقشه انتظام حجاز باید این باشد یا قریب به این، ولی در صورتی که ابن سعود به تکلیف دول اسلامی گردن نهد چه باید کرد؟ باید او را به هوش آورد. دول اسلامی که می توانند حمله به نجد کنند و به تنبیه ابن سعود قیام نمایند دو دولت بیش نیست: اول ایران که در ۲۴ ساعت می تواند ابن سعود را به هوش آورد و دوم مصر. اگر چه عراق و فلسطین هم به خوبی می توانند جلوگیری از ابن سعود بنمایند ولی امروز این دو حکومت بالا صاله دارای قدرتی نیستند و هر اقدامی بشود گویا دولت انگلیس کرده است. از این رو باید از حکومت فلسطین و عراق صرف نظر شود. اما جمهوری ترکیه و افغان باید در این مسئله شریک

ایران و مصر باشند و لو راهی برای حمله بر نجد و نجات حجاز ندارند ولی می توانند تأیید مالی و اخلاقی به ایران و مصر نمود تا حل این مشکل اسلامی بشود چه در حل مسئله حجاز، حل مسئله خلافت هم تواند شد و این مسئله نیز در موقع خود موضوع بحث خواهد آمد. این نکته را هم ناگفته نباید گذارد که ما نباید قناعت کنیم که ابن سعود بگوید جلوگیری از این گونه اقدامات خواهد کرد و یا بیان کند که من راضی به این واقعات نبوده ام و این اشاعات کاذبه است حالا که اقدام می شود باید رای همیشه رفع غائله گردد. مسئله حکومت حجاز که یکی از مسائل مهمه سیاسی و مذهبی مسلمانان دنیا است یکی از مذاهب اسلامی نباید بر او حکومت و تسلط داشته باشد، باید نمایندگان جمیع مذاهب اسلامی در انتظام حجاز دخالت داشته باشند. من الجمله نماینده ابن سعود یعنی مذهب وهابی هم در شورای انتظامی حکومت حجاز باشد. باید به ابن سعود اخطار کرد و اتمام حجت نمود مک مصمم ترک حجاز گردد و حاضر شود برای فرستادن نماینده خود در مجلس کنفرانس دول اسلامی که بدون فوت وقت بایستی به ریاست حضرت پهلوی در تهران منعقد گردد و فوراً ترک اقدامات نظامی در حجاز بکند و بگذارد که اهالی مدینه به تعمیرات خرابی های لشکریان او اقدام نمایند. هر گاه ابن سعود رضا داد به فوریت شروع به عملیات کنند و اگر رضا ندهد به مشورت سائر حکومت های اسلام از یک طرف حکومت مصر به طرف عقبه تاخته و به جانب حجاز گراید و از طرف دیگر دولت ایران قشون به لحساء را که مرکز حکومت آن قطیف است، گسیل دارد. از بوشهر تا به لحساء و قطیف ۱۶۰ میل بیش فاصله ندارد و دولت علیه می تواند همین جهازات موجود خود در ۲۴ ساعت قشون به لحساء و قطیف فرستاده و نقطه قطیف را مرکز حمله به ریاض پایتخت سلطان نجد قرار دهد. از قطیف تا ریاض ۲۰۰ و اندی میل بیش نیست و با یک دسته طیارات جنگی دولت علیه می تواند در چند ساعت ریاض را عالیها سافلها سازد. نجدی ها ولو شجاع اند و همواره آزاد بوده اند ولی در مقابل قوای منظم یک دولت ایستادگی زیاد نتوانند نمود. بدوا باید به تمام مسلمانان اطمینان داده شود که غرض از این اقدامات ملک گیری نیست و همین که مقاصد اسلامی بر آمد یعنی رفع دخالت های خانواده شریف حسین و بن سعود از حجاز گردید، لشکریان ایران و مصر هم راه خویش خواهند گرفت. البته به این وضع پروتست موثر تواند گردید و ابن سعود آرام خواهد شد و حل مسئله خلافت و حفاظت حجاز هم تواند گردید ورنه پروتست های خوش و خالی موثر نتوانند گردید.^۱

[مدرک شماره ۲۴]

(قائم با لذات باید بود)

در مسئله ابن سعود و خرابی های حجاز و هیاهوهای عوالم اسلامی و اشاعه اخبارات ضد و نقیض از نقاط مختلفه بدهتاً ما را متنبه می سازد که قائم با لذات باید شد نه سنگ روی یخ این و آن، عجب این است که در این عصر کشف که کسی نمی تواند سرائر سیاسی را نیز مستور دارد، دیده می شود که یک

۱. هفته نامه جبل المتین کلکته، ش ۲۸، س ۳۳، ۱۴ صفر ۱۳۴۴ قمری، صص ۱-۴ و صص ۲۳ و ۲۴

مسئله اهم که باید برای مسلمانان بین المللی اش گفت ، یک عالم تاریک و ظلمانی را جلو همه گذارده است و حال آنکه حجاز مرکز اسلام واقع گردیده ، یک طرفش مصر و فلسطین و طرف دیگرش شام و عراق است که فی الحقیقه یک در و دیوار و هرگاه اهالی اش به یکدیگر آواز دهند جواب توانند شنید . باز هم دیده می شود حقیقت واقعات به آنها هم مکشوف نیست . ما روی سخن را به حضرت پهلوی آقای رئیس الوزرای محبوب خودمان نموده عرض می کنیم: " قائم با لذات باید بود یعنی چه " ؟

بدین معنی که دولت علیه باید قبل از هر اقدامات عملی ، کمیسیونی مرکب از نمایندگان دول اسلامی به حجاز گسیل داشته تا مکه و مدینه را ملاحظه فرموده ، دعاوی طرفین را هم امضا کرده و آن وقت هر اقدامی که شایسته بدانند بنمایند ؛ چه ابن سعود و پیروانش می گویند تمام این هیاهوهای بی اساس را شریف و شریفیان در عوالم اسلامی انداخته تا مسلمانان را بر خلاف ما بر انگیزند و نیز مدعی اند که امیر علی و پیروانش به دست خود برخی خرابی ها را نموده و بر ما می بندند.

ابن سعود هم می سراید که من برای نجات حجاز از چنگال خاندان شریف حسین که (آلت دست فرنگان اند) می کوشم ؛ چه نباید در حجاز و اماکن مقدسه اسلام به طریق مستقیم یا غیر مستقیم نفوذ اجنبیان حکمفرما باشد و نیز می گوید من به هیچ وجه نمی خواهم بر حجاز حکومت نمایم و [برای] تصفیه حکومت حجاز پس از آنی که از خاندان شریف حسین پاک گردید ، به اکثریت آرای مسلمین مراجعه خواهم نمود . ابن سعود می گوید که در اتکال شریف حسین و خانواده او به خارجه همین بس که خارجیان یکی را در عراق امارت بخشید سپس به عراقش امیر ساخت (یعنی فیصل) دیگری را به ماورای فلسطین حکومت بخشید (یعنی عبدالله) سومی را نیز برای آنکه بتواند من غیر مستقیم تقویت بخشد پس از خلع اجباری پدرش شریف حسین به جده کشانید (یعنی امیر علی) حالا که می بینند ابواب چاره به روی امیر علی از هر طرف بسته گردیده این هیاهوها را در عالم اسلامی انداخته اند ؛ چه اگر قضیه مدینه هم مثل مکه مسلم آید راه برای حجاج و زوار باز می کرد و موقع اشتباه کاری برای احدی باقی نمی ماند و از آن به بعد نیز حکومت حجاز بلکه کلیه عرب ، یک اصول صحیحی را اتخاذ می کند که در آن نفوذ خارجه نباشد . معلوم است که خارجیان صد سال کوشش کردند تا مرکزیت اسلام را از میان بردند و به آسانی رضا نتوانند داد که مجدداً برای مسلمانان دنیا مرکزی که قائم بالذات باشد پیدا شود.

بنا بر همین بیانات ابلاغیه ابن سعود به زبان عربی اشاعه داده و نص آن را ما ذیلاً نقل می نمایم:

(ابلاغ عام)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

من عبدا العزیز بن عبدالرحمن الفیصل السعود الی اخواننا المسلمین فی مشارق الارض و مغاربها الحمد لله الذی لاله الا هو و الصلاه و السلام علی رسوله محمد الشفیح الشفع یوم الحشر (و بعد) فقد تفاوضت انا والوفد الهندی الموفد من جمعیه الخلافه الهندیه و جمیعہ العلماء فی المسائل التی بهم المسلمین الاطلاع علیها و الوقوف علی حقیقه افکارنا نجاهها و کان رائد الجمیع الاخلاص و فی العمل و الصراحه فی القول

و النصح لله و لرسوله و للمسلمين و انى احمدالله على ان انتهى البحث على اتفاق فى جميع المسائل التى دارت المفاوضه فيها ،

و انى محض لما يفتر به الحق و نصرا الباطل ممن يستبغون التفرقه بين المسلمين و يحاولون ان يطفئوا نورالله بسعيهم الباطل للتمويه على قلوب الذج من المسلمين الذين يجهلون حقيقه ما نحن عليه اعلن ماياتى يهلك من هلك عن بينه و يحى من حى عن بينه

۱- اشكر الشعوب التى وقفت نجاها موقف الدافع عن الحق و اشكر الشعب الهندى خصوصاً على موقفه نجاء العرب و قضيتهم فى الوقت الذى اشتغل العرب بالمشاحناتو المخاصمات ونسوا واجبههم نحو دينهم ووطنهم و انى اشكر اهل الهند لانهم كانوا اول بين لى الدعوه فجزا هم الله عنا و عن الاسلام خير الجزاء
۲- انى لا ازال عند قولى فيما دعوت العالم الاسلامى اليه من وجوب عقد موتمر عام ينظر فى الامور التى لهم و توفير وسائل الراحة لكل وافدو تسهيل الواصالات بقدر مايمكن و بذلك نتحمل نحن و اياهم مسئوليه اداره الحجاز و ستجددالدعوه لهذا الموتر الاسلامى متى نهمدت وسائل المواصالات

۳- اننا نحافظ على استقلال الحجاز الاستقلال التام محافظتنا على ارواحنا و ابنا لا نسمح ان يكن لغير المسلمين اى نفوذ فيه محافظ على ديننا و شرفنا

۴- ان الشريعه الاسلاميه هى القانون العام الذى يجرى العمل على وقفه فى البلاد المقدسه و ان العلف الصالح و ائمه المذاهب الاربعه هم قذوتا فى السير على الطريق القويم و سيكون العلماء المحققون من جميع الامصار هم المرجع لكل المسائل التى تحتاج الى تمحيص و نظر ثاقب

۵- انى او كدلكم القول ان المدينه المنوره لا تزال حراماً آمناً لا يصح ان يحدث فيه حدث من قتل اوسلب او نهب و صونا لشرفها اكتفيت بحصارها على ما فى ذلك من طول وقت و خائر ماليه و انى استطيع بحول الله و قوته ان افتحها فى ساعه واحده ولكنى حريص على سلامه البلاد و العباد و انى تشدد الاوامر على الجنود الايها جموا حرم المدينه باى صوره و الا يدخلو ها حتى يستسلم المدو ان ما فيها من المباني و المائر يكون العمل فيه على ما تقدم فى الماده السابقه

ان اعدءنا يشيعون اننا اذا استولينا على المدينه نهدم روضه الرسول صلى الله عليه و سلم و حاشا آن تحدث نفس مسلم بذلك انى افتديها بنفسى و ولدى و مالى و رجائى و انى لا اجد فرقا بين ما حرم الله و رسوله من حرم مكه و المدينه فانه صلى الله عليه و سلم حرم ما بين لايتيها كما حرم سيدنا ابراهيم عليه السلام حرم مكه و اسال الله ان يوفقنا لما يحبه و يرضاء [۲۸ ذى الحجه سنه ۱۳۴۳]

هفته گذشته اشاره شده بود که اعليحضرت فواد اول سلطان کنونی مصر از ابن سعود تلگرافاً از واقعه مدينه و بمباردمان گنبد مطهر استفسار نموده اند . ابن سعود پس از تکذيب آن اشاعات بدين مضمون جواب داده است که وهابى ها احترام حرمين شريفين را كاملاً مراعات مى نمايند. امير على نيز به اعليحضرت سلطان فواد تلگرافاً استغاثه برده است که او را کمک نمايند در حفظ اماکن مقدسه اسلامى برخلاف وهابى ها .

مستر شوکت رئيس کمیته مرکزی خلافت بمبئی و چند نفر از اعضای حزب خود مختار تلگرافى به حضرت پهلوى رئيس الوزرا ايران نمودند مضمونش چنانچه در اخبارات اشاعه يافته از اين قرار است : خداى

را شکر که تلگراف بیت المقدس تکذیب می نماید خرابی مدینه و بمباردمان گنبد مطهر را . به جواب تحقیق ، تلگراف کمیته خلافت از بیت المقدس تکذیب می شود بمباردمان مدینه . اداره خارجه حکومت هند تلگراف به نماینده خود در جده و بیت المقدس نموده و جواب مصدق نیافته است . از این ظاهر می شود که این خبر مجعول و بی اساس [بوده و] اینها همه اقدامات کسانی است که می خواهند در امر مسلمین خلل اندخته و اختلاف بین مسلمانان تولید کرده و دخالت خارجه را در اماکن مقدسه پیش آورند . هیاتی که از طرف کمیته خلافت بمبئی به مکه رفته بود از ابن سعود خواهش نموده بودند که در مکه مساجدی که خراب شده را تعمیر و مزار بزرگان اسلام را که خراب شده چاره بگذارد و آنچه در بین جنگ خراب شده را بسازد و فقط گنبد هائی را که خراب شده بگذارد وقتی که کنفرانس عموم مسلمانان منعقد آمده آنچه اکثریت مسلمانان حکم کند ، رفتار نماید .

ابن سعود به جواب تحقیقات انجمن خلافت بمبئی چنین تلگراف نموده : "تلگراف شما رسید . قشون ما هنوز مدینه را متصرف [نشده] ما فقط محاصره کرده ایم مدینه را تا [قشون امیر علی] مجبور به تسلیم گردد . خبری که دشمنان ما اشاعه داده اند غلط است و قشون ما از این رو توپخانه استعمال نمی کنند که مبادا در عمارات خرابی پیش آید و به اهالی مدینه صدمه برسد ما از روی دیانت همان قسم که خانه خدا را در مکه احرام کرده ایم مسجد مدینه را هم محترم می داریم و هیچ وقت کاری نخواهیم نمود که خدا از ما ناراضی شود و طولی نکشد که حقیقت بر عالمیان ظاهر گردد امیدواریم ابلاغیه های دشمنان بر برادران اسلامی ما موثر واقع نگردد . ما در راه حفاظت مدینه و سائر اماکن مقدسه حاضریم جان های خود را قربان سازیم . قلب خود را آرام گذارید و مردم را اطمینان بخشید تا جعلیات های دشمنان امر را به آنها مشتبه نسازد. ابن سعود "

از مستر قدوی رئیس مجلس شوری مسلمانان در بیت المقدس در خصوص بمباردمان مدینه و خرابی گنبد مطهر نبوی استفساراً تلگراف نموده جواب چنین رسیده است : "نجدی ها از دهم محرم بر مدینه حمله بردند و گنبد های مسجد سیدنا حمزه که به فاصله ۳ کیلومتر از شهر واقع است خراب نمودند . گلوله هائی هم که نجدی ها انداخته بودند به گنبد مقدس رسول صلعم تصادم نموده از دو هفته به این طرف هیچ خبر تازه نیافته ایم."

بامزه تر اینکه تلگرافی را که مستر شوکت علی از بیت المقدس اشاعه داده با این تلگراف از یک مرکز ولی در مضمون خیلی فرق دارد.

ایرانیان بمبئی و سایر مسلمانان تاسی به ملت و دولت ایران جسته یوم شنبه ۱۶ صفر را به هیات اجتماع روز ماتم و غم گرفته و نماز خواندند و دعا کردند که خداوند اماکن مقدسه اسلام را از شر اعداء نجات بخشد و به دولت علیه ایران مخصوصاً به آقای پهلوی دعای خیر نمودند که قد مردانگی علم نموده و به گرفتن قصاص از دشمنان اسلام و به حفاظت اماکن مقدسه مسلمانان حاضر گردیده اند و چنین اظهار شد که بزرگترین دلیل آنکه وهابی ها مرتکب شنايع در مدینه و مکه گردیده اند همانا جنبش پارلمان ایران می باشد ؛ چه ممکن نیست یک ملت و دولت بزرگ آزاد بدون تحقیق کافی حصه در چنین امر مهمی گرفته

باشند و امید ظاهر نموده اند که حضرت پهلوی اجتناب خواهند فرمود از هر گونه دخالت اجنبیان و قائم بالذات خواهند بود نه متحرک به اراده دیگران .

مولانا مولوی عبدالباری که اول عالم سنت و جماعت در هندوستان است با سائر علما و فائدين اسلام اجتماع نموده و تصدیق نموده اند خرابی های مکه در مدینه را از وهابیان . می گویند تمام کوشش مسلمانان باید این باشد که خارجیان هیچ گونه دخالتی در اماکن مقدسه اسلامی به طریق مستقیم و غیر مستقیم نداشته باشند و نیز مسلمانان نباید رضا دهند که نجدیان با آن تعصبات مذهبی که ابراز داده و می دهند بر اماکن مقدسه اسلامی استیلا جویند و همین قسم نیاستی بگذارند خاندان شریف حسین به حکومت حجاز منتخب آیند و و

دکتر انصاری که او نیز یکی از فائدين اسلامی به شمار است با نماینده [جریده] اخبار بمبئی کرانیکل ملاقاتی آمده و اظهار داشته است که بسیار از اهالی (بالکان) ، شرق قریب و سائر نقاط اروپ که با وی ملاقاتی آمده چنین عقیده داشتند که بمبارمان مدینه و گنبد مطهر نبوی مقرون به صوب نتواند بود و همین عقیده را مفتی بیت المقدس هم داشت . اهالی مصر را عقیده این است که بیشتر این اشاعات از ابلاغیه های ساختگی است .

یکی از فضالای اسلامی کلکته که خویشتن را وهابی نمی گوید ولی مقلد ائمه اربعه هم نمی شناسد بیان نموده که " واقعات مکه و مدینه چیزی است که دشمنان اسلام اشاعه داده و می خواهند مجاهد طریق حریت اسلام این سعود را که منصور من الله است و می خواهد دخالت خارجیان را از حرمین شریفین مرتفع دارد از این خدمت مهم باز دارند و چون نمی خواهند شخصاً خودشان با وی طرف شوند از یک طرف امیر علی را سرّاً تقویت بخشید در جلو وی نگاه داری می نمایند و از طرف دیگر مسلمانان فلسطین مصر را به قسمی در چنگال خویش گرفته که آنچه بگویند تسلیم می شوند . هند هم که دست خود شان است و به هر نوائی که بنوازند می رقصانند . همچو می شنویم که در ایران هم نفوذ کامله به شخص شخیص حضرت پهلوی دارند ولی تا این درجه تصور نمی کردیم که به چشم وکلای مجلس شورای و کلیه ملت ایران هم بتوانند خاک بپاشند . این مسئله خیلی اهم است مسلمانان راست که هر اقدامی را که می نماید از روی علم و اطلاع صحیح باشد .

خارجیان صد سال خارجیان کوشش کردند تا عاقبت با دست های اسلامی مرکز خلافت را هم شکسته و بر کلیه اماکن مقدسه اسلام استعلا جسته آیا می توان گفت که در ایام حکومت شریف حسین و شریف علی خارجیان در مکه و مدینه دخالت نداشتند ؟ آیا قبول می شود که شریف فیصل به شخصه بر اماکن مقدسه عراقی بلا واسطه غیر حکومت نماید ؟ استقلال شریف فیصل و شریف عبدالله و شریف علی با شریف حسین برای نام بوده و خواهد بود اینها سخنانی است که ما بچه گان سیاست را گول توانند زد . همین بس به مجرد اندک انکار شریف حسین از قبول قرارداد به انگلستان ، گوشش را گرفته و از تختش پائین کشیدند و فرزندان ابله او شریف علی که چون موم در کف شان بود را به جای او برگزیده که فوراً خود را به لندن فرستادند که ما برای قبول هر قرار داد با انگلستان حاضر ایم . همین قسم است شریف

فیصل ابدأً شخصیت ندارند مانند سایه اند. اماکن مقدسه اسلامی باید در کف مسلمانان آزادانه باقی ماند. ما بدون مداهنه می‌گوییم اگر مستقیماً اماکن مقدسه اسلام به قبضه خارجیان باشد به صرفه مسلمانان نزدیک تر است نسبت بر اینکه غلام بچه گان فرنگان یعنی شاهزادگان را به ظاهر حکمران گردانیده و در باطن آنچه بخواهند خودشان بنمایند (در این جا طعن به دولت ایران زده و می‌گوید)

حضرت پهلوی و پارلمان و ملت ایران اگر اسلام خواه و درد دین و مذهب دارند و حیات مسلمانانی شان حرکت کرده خوب است کربلا و نجف را بدو از حکومت خارجیان خارج ساخته سپس به مکه و مدینه پردازند. "

در این موقع خیلی مطالب دیگر هم ذکر نموده ما از بیانش صرف نظر می‌نمائیم.

یکی از نکته سنجان از روی تلگراف مستر شوکت علی به دو دلیل ثابت نموده است که خرابی قبور و قیاب را وهابی‌ها در مکه و مدینه نموده اند. می‌گویند هیاتی که از کمیته مرکزی خلافت به ملاقات ابن سعود آمده چنین تصفیه کرده است که اماکن متبرکه و قبور را احترام کند یعنی چارچوبه دور او بگذارند ولی تعمیر قبور مخروبه را ملت وی به آراء کنفرانس مسلمانان دنیا بگذارند. از این بیان اولاً ثابت می‌شود که مساجد و قبور را خراب کرده اند دوم اینکه ثابت می‌کند این خرابی از تصادف و بمباردمان غیر عمدی نشده چه اگر چنین بود وقتی که ابن سعود حاضر به تعمیر خرابی‌ها گردیده چرا نباید هم گنبدهای را که برداشته اند تعمیر کنند. معلوم است که به مذهب وهابی تعمیر گنبد بر مساجد و مقابر جائز نیست و این گنبدهای را که برداشته اند همه از روی عمد و اصول مذهب بوده و حالا هم از روی تعصب مذهبی حاضر به تعمیر آن نمی‌شوند و حواله می‌دهند به مجلس کنفرانس اسلامی که هیچ‌گاه از روی صحت، صورت نتواند. واقعات به اندازه پیچیده است که انسان به حقیقت آن نمی‌تواند رسید چه از یک طرف دیده می‌شود دولت انگلیس علناً طرفداری از اولاد شریف حسین می‌نماید و کوشا است که حکومت عربی را در این خانواده برقرار گذارد اما به طریق تجزیه زیر اثر خود؛ چه مسلک دیرینه سیاسیون است در تجزیه و تقسیم یعنی ملوک الطوایفی خوب می‌توان حکومت کرد. یعنی اگر حکومت عرب جزء جزء شود هیچ‌گاه عرب سر بلند نتواند کرد و دارای قوتی نخواهد شد و همیشه در اثر دیگران زندگی غیر مستقلانه خواهد داشت ولی اگر یک حکومت شد یعنی نجد، یمن حجاز، فلسطین، شام، عراق، عمانات که فعلاً گفته می‌شوند و عربی زبان هم هستند اگر دارای حکومت بشود، هم اوضاع مالی او ترقی می‌کند و هم قوای او تکمیل می‌پذیرد و هم می‌تواند قائم بالذات گردد. امروز دولتی که دست به روی عرب انداخته همانا انگلستان است که با هزار زبان و بیان می‌فرماید من دخالت در امور عرب نمی‌کنم و اماکن متبرکه مسلمانان باید به اختیار خودشان باشد. بیانات پلتیکی غیر از عملیات سیاسی است.

از طرف دیگر می‌بینم مکه و مدینه را به شریف حسین و جانشین اش سپرد و همه گونه هم دخالت و تأییدات سری در کار داشته و دارند و فلسطین که یکی از مقامات مقدسه اسلام او را هم در قبضه غیر مستقیم خود گذارده، کربلا و نجف و غیره نیز معلوم است که در قبضه کیست؛ امیر فیصل عبدالله و شریف حسین و شریف علی همه آلت اند. به این مناسبات همچو تصور می‌شود که دولت بریتانیا حامی شریف

زادگان است و مسلم است همین که حامی آنان شناخته آمد موافق با مخالفین آنان نتوانند ولی باز می بینیم که با ابن سعود هم قرارداد بسته و در کار بستن هم هستند چنانچه روز نامه الف با منطبعه شام مواد قرار داد جدیدی را بین دولت انگلیس و ابن سعود اشاعه می دهد . از روی این قرار داد گویا قبل از وقت با ابن سعود قرار داد شده است که هر قوت مشار الیه مکه و مدینه را قبضه کند دولت انگلیس پادشاهی وی را بر عرب تسلیم نماید. از این رو حالا که بر حجاز استعلا جسته همان خواهش را تجدید می نماید . در هر حال باید تسلیم نمود که اقدامات سیاسیون یک رخه نیست و نیز نباید اطمینان به مواعید سیاسی کرد ؛ چه به قول سیاسیون در هر عمل استقامت ممدوح جز در سیاست که باید ابن الوقت بود . پس می توانیم گفت هر حکومتی که بر حجاز استیلا جوید خواه ابن سعود باشد یا امیر علی ، دولت انگلیس با وی دوست خواهد بود . مسلمانان نباید اقدامات شان از روی سیاست دیگران باشد باید خودشان پشت و روی کار را دیده و راهی که نافع برای آنهاست اختیار نمایند . این امر را باید مسلم دانست با تجزیه کنونی عربستان حکومت حجاز خواه با ابن سعود شود یا امیر علی یا غیر ، هیچ یک از اینها مستقیماً نمی توانند حقوق مسلمانان دنیا را بر مکه و مدینه محافظه کنند ؛ به عبارت ساده تر مملکت نجد و حجاز از روی عمران و آبادی قابل آن نیست که بتواند به روی پای خود بایستد . از این بیان ظاهر شد که برای مسلمانان ابداً فرق نخواهد کرد که حکومت حجاز دست ابن سعود باشد یا دست امیر علی ، خواه مخواه هر یک که به روی کار آیند تابع دولت خارجی که آن هم انگلستان است ، خواهند ماند . هزار بگویند ابن سعود مطیع انگلستان نیست و یا نخواهد بود این سخن لفاظی و غلط است نجد و حجاز را هم که به روی هم بریزند قابل و مستعد آن نیست که قائم بالذات گردد و این مسئله ای است که نزد ارباب حل و عقد تصفیه شده و محتاج به مباحثه و مذاکره نیست .

ترجمه جریده الف با منطبعه دمشق

مراسله ابن سعود به دولت انگلیس

ابن سعود سلطان نجد مراسله ای به دولت انگلیس فرستاده و به فوریت رد یا قبول آن را خواسته است :
(۱) دولت انگلیس در اولین مهلت و وقت باید در معاملات امیر علی و سلطان بی طرف مانده تا تصفیه امر بندر جدّه نیز به فوریت بشود .

(۲) دولت انگلیس حکومت ابن سعود را بر حجاز رسماً تسلیم نماید و او را یک حکومت مستقل بشناسد زائد بر آن قراردادی که در سال ۱۹۱۵ میلادی دولت انگلیس ، استقلال سلطان را در نجد تسلیم نموده است .

(۳) پس از اینکه ابن سعود بر امیر علی فاتح آمد بدون چون و چرا حکومت و استقلال او را بر حجاز تسلیم نماید پس از آن ابن سعود تشکیل هر حکومتی را در حجاز داده دولت انگلیس آن حکومت را هم مستقل بشناسد ولی ابن سعود کاملاً باسط الید و صاحب اختیار خواهد بود که هر که را بخواهد به حکومت حجاز معین نماید و ابن سعود انتظامات امور مذهبی حجاز را کاملاً به اختیار دولت اسلامی خواهد سپرد . دول اسلامی هر کس را می خواهند نماینده برای امور مذهبی حجاز مقرر کنند ، او فقط نگران خواهد بود

بر اوضاع دیانتی و انتظامی حجاز بر طبق قانون و دستور معینه .

(۴) دولت انگلیس باید همان قسمی که لقب اعلیحضرتی را در موضوع امیر افغانستان و امیر فیصل منظور نموده درباره ابن سعود هم منظور دارد .

(۵) دولت انگلیس باید تبلیغاتی که بر خلاف وهابیت در هند و عراق و سائر مستملکات او می شود و وهابیها را به زنداقه تعبیر می کند ، جلوگیری نماید .
(مطالبات دولت انگلیس در جواب مراسله فوق)

اول : وضعیت جزیره نمای عرب به قسمی که فعلاً موجود است باید باقی ماند و دولت انگلیس کوشش خود را در بقای وضعیت کنونی عربستان به کار خواهد برد ما سوای پیشآمدی که بین نجد و حجاز رو نما گردیده است .

دوم : ابن سعود باید اقرار نماید که کوشش نخواهد کرد که عرب را در دو حصه تقسیم نموده، شمال را به قبضه خود گرفته و حصه دیگر را به دوست خود امام یحیی یمانی بسپارد بلکه بر خلاف او ، ابن سعود باید رقیب امام یحیی سعید [باشد .] ابن سعود [با] ابن علی ادریسی موافقت نماید و در موقع ضرورت او را تأیید و کمک کند . ابن سعود باید اقرار کند که هیچ وقت بر اردن و ماورای فلسطین و عقبه و عمانات حمله نخواهد نمود . ابن سعود علاقه جاتی را که در خلیج فارس و عمانات که تحت اقتدار و نفوذ دولت انگلیس است ، محترم خواهد داشت .

چهارم: آن حصه راه آهنی که از ماورای فلسطین به مدینه می رود باید ابن سعود محافظه نماید تا حجاج به سهولت و آرامی بتوانند عبور و مرور کنند .

پنجم : به حدود جنوبی عراق هیچ گاه ابن سعود نباید تجاوز نماید.

ششم : مسائلی که راجع به معاملات خلیج فارس است خصوصاً در بحرین و کویت کاملاً باید ابن سعود بی طرف ماند .

حقیقت غیر معلوم است ما این قرار داد را تکذیب یا تصدیق نتوانیم نمود ولی همین قدر می بینیم که قریب به این مضامین در سائر جرائد دیده می شود در موضوع ابن سعود چنانچه نگاشتیم [مضامین] مختلف اند برخی او را با فرانسه معاهده می گویند بعضی با ترک ، اما فرانس و ابن سعود هر دو چندی قبل اشاعه قرارداد بین فرانسه و سلطان نجد را تکذیب کرده اند ولی تکذیب و تصدیق سیاسیون من غیر رسم محل اعتماد واقع نگردد اما سازش وی با ترکیه چندان مستبعد نیست اما ترکیه امروزه خیلی کم می تواند فائده به اورساند از این رو ابن سعود دوستی انگلستان را که فائده از او حاصل تواند شد ، البته ترجیح خواهد داد . چیزی که مورت شبهه انگلستان در موضوع سازش ابن سعود با ترکیه شده همانا معیت شیخ سنوسی است به وی . سید احمد سنوسی در افریقا دارای عظمت و وقار و پیروان بسیار است و اروپائیان از نام وی وحشت می کنند بعد از قبضه ایتالیا بر طرابلس غرب و آن لواح ، ترکان سید احمد سنوسی را دعوت کرده و به طرف خود بردند . در این موقع که ابن سعود بر حجاز حمله برد سید احمد موصوف از ترکیه به حجاز آمده و به ابن سعود ملحق گردید و فعلاً می گویند از طرف ابن سعود حاکم مکه است . به این مناسبت ابن

سعود را می گویند طرفدار مسالک جمهوری ترک است . چنانچه هفته گذشته نگاشتیم تخمیناً از بیست سال به این طرف ابن سعود رسماً و من غیر رسماً با ترکیه مخالف و با دولت انگلیس داخل قرار داد بود و این امری است که قابل انکار نیست ؛ چه صورت آن قرارداد در روزنامه طمس لندن اشاعه یافته است .

اعلامیه از طرف میرزا تقی خان نبوی نماینده دولت علیه ایران در هندوستان خطاب به عموم مسلمین هندوستان

برادران اسلامی به اقتضای جهت جامعیت اسلامیت لازم می دانم اطلاعاتی را که از وزارت خارجه دولت متبوعه در موضوع فاجعه عظمی عالم اسلام یعنی بمباردمان اماکن مشرفه مسلمین به وسیله وهابی ها تحصیل کرده ام ، به استحضار شما برسانم . در موقعی که وهابی ها برای طرفیت با امیرحسین به طرف مکه معظمه می رفتند دولت علیه ایران به وسایل مختلفه به ابن سعود توصیه نمود که از تهدید به بیت الله و سفک دمای مسلمین اجتناب کند . ابن سعود اطمینان داد که جز تهیه وسایل آسایش و امنیت مسلمین و زائرین مکه معظمه و احترام اماکن مشرفه مقصودی ندارد . حال موافق اخباری که رسیده وهابی ها خانه و قبر حضرت خدیجه کبری را در مکه معظمه به دست خود منهدم نموده و اخیراً در حمله به مدینه منوره به گنبد مطهر مرقد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و مسجد ، بمباردمان و خرابی کرده اند . این اخبار مولم بی اندازه دولت و ملت ایران را متاثر و عزار و قلوب عامه مسلمین را جریحه دار نموده . روز وصول این خبر مجلس شورای ملی تعطیل و پس از تأیید خبر مزبور ، روز شنبه شانزدهم صفر در تمام نقاط ایران نیز برای اظهار تقویت و پروتست ، تعطیل عمومی معمول و تمام طبقات مردم با نهایت هیجان جهت ابراز اندوه خود از این هتک احترام مقامات مقدس اسلام و اظهار تنفر از وهابی ها در مساجد اجتماعات دارند . وزارت امور خارجه مرا مامور نموده است که همدردی و اعتراض ملت ایران را به اطلاع عموم برادران اسلامی خود در هندوستان برساند .

از آقایان مدیران جراید اردو زبان تمنا دارد شرح فوق را به زبان اردو ترجمه کرده و در جراید خود برای فهم عموم مسلمین هند درج و منتشر نمایند .

تلگراف مدیر جبل المتین به درالشورای ملی ایران

تهران ، ریاست مجلس شورای ملی ، کپیبه رئیس الوزرا ، قائم مقام الملک ، ضیاء ، تقی زاده ، مدرس ، وکیل جبل المتین ، ایران ، ستاره ، میهن ، شفق سرخ ، کوشش ، تجدد

واقع حجاز و جنبش ملت و دولت ایران اهم و وظیفه جمیع مسلمانان . هر اقدام شود رسماً باید به اتفاق ترکیه ، افغان و مصر باشد به تلگرافات مشوقانه هندوستان و غیره مغرور نباید شد که جز به زبان کمکی دیگر نتوانند کرد . ابن سعود رسماً اشاعات را تکذیب وعده به احترام می کند و قبل از هر اقدام کمیسیونی مرکب از نمایندگان ایران ، ترک ، افغان و مصر به حجاز رفته و حقیقت معلوم کنند سپس هم اقدامات باید دیپلوماسی باشد و موقع لزوم عمل هم ، هر اقدام باید به هیات اجتماعیه دول اسلامیة شود . اقدام انفرادی

مولد خطرات و مولد بزرگ اعظم آن، اختلاف مذهب و نژاد در مسلمانان است. محرک حقیقی خارجیانند، سقا خانه را فراموش نباید کرد. نقشه پلٹیکی است. به آسانی قدم نباید برداشت.

تشریح

ما می دانیم برخی از آقایان از این تلگراف ما عصبانی خواهند شد. از این [لحاظ] تشریح ما بر این تلگراف لازم آمده. قبل از هر اقدام باید تصور شود که آیا آنچه نسبت به ابن سعود در هتک احترام حرمین شریفین اشاعه یافته راست است یا دروغ؛ چه اخبارات متضاد رسیده و می رسد. چیزی که بیشتر تصدیق می کند حرکات نجدیان را در حرمین همانا رفتار و سلوک آنها در صد سال قبل، از طرف دیگر آنچه تکذیب می کند این واقعات را همانا خیال سیادت عرب و سیاست مدارانی تمام مسلمانان است که ابن سعود در کنه خود پخته و می پزد. از این رو کمتر گمان می رود مرتکب حرکاتی شود که کلیه مسلمانان را از خود متنفر سازد. در هر صورت دو نکته هم نیز در این جا هست که باید غور و تامل کنم اول اینکه خاندان شریف حسین و طرفداران آنها که تا درجه مخذول و منکوب ابن سعود گردیده ممکن نیست این اقدامات را به کذب یا اغراق اشاعه داده باشند. دوم اینکه ابن سعود دارد قوت می گیرد و ممکن است روزی جزیره العرب را کاملاً در تصرف خود در آورد در این صورت کسانی که قوه قویه را در جزیره العرب برای پیشرفت سیاست آینده خود مانع تصور کرده اند، ممکن نیست این اخبارات را با آب و تاب اشاعه داده باشند؟ علاوه بر این وقتی که ابن سعود رسماً تکذیب کرده و می گوید (ما حرم نبی را مانند حرم خدا از روی عقیدت محترم می شماریم) و مدعی است که تمام این مجعولات را خاندان شریف حسین برای نفرت مسلمانان از وی در عالم منتشر ساخته اند، در این صورت تکلیف ملت و دولت ایران که می خواهند عملاً برخلاف ابن سعود قیام کنند، تحقیق امر نیست؟

از این رو چنانچه در هفته گذشته هم نگاشته ایم باز هم می نگاریم ایران باید قائم بالذات باشد و به سخنان این و آن اعتنا ننموده و سنگ روی یخ نگردد. از این صغری کبری، نتیجه این بیرون می آید که دولت و ملت ایران نبایستی قبل از تحقیقات به هیچ اقدامی قیام نمایند. اینجا برخی از آقایان عجول اعتراض خواهند کرد که صبر تا موقع تحقیق، ملت را سرد می سازد. به عقیده ما این اعتراض غلط است. ما مخالف اثرات احساسات ملی و جنش و نمایش آنان نیستیم ولی از روی حقیقت باشد. هر اقدامی که از روی لا علمی و عجله شود عاقبت ندامت بار آرد. اگر ابن سعود هتک احترامات کرده، اقدام ما فقط برای جبران آن و قصاص ابن سعود خواهد بود. اگر این عملیات چند روزی به طول انجامد و تحقیق شود و از روی صحت اقدام کنیم، بهتر نیست؟ دیگر اینکه ما مخالف هر اقدام انفرادی هستیم، به چند جهت: اول: رقابت نژادی که بین عرب و عجم تاریخی است ممکن است تولید یک اختلاف بزرگی بین عرب و عجم نماید.

دوم: تبلیغات مذهبی است و یقین نداریم که هیچ یک ارباب مذاهب از اسلامیه رضا دهد ایرانیان که شیعی المذاهب اند اقتدار خود را ولو موقتی هم باشد بر حرمین شریفین مسلم دارند. این نیز تولید یک

اختلاف بزرگی در مسلمانان تواند کرد.

سوم: سایر دول اسلام هم حرکت انفرادی ایران را به چشم استحسان نخواهند دید و ممکن است ولو سری هم باشد تولید یک رقابت سیاسی بکند ولی در صورتی که ایران با سایر دول اسلامیة متفقاً اقدامی بنمایند علاوه بر اینکه رفع این اشکالات منصوره تواند شد اهمیت و اثر اقدام شان به اندازه قوت خواهد گرفت که ابن سعود ولو سرلجاج هم باشد به فوریت تسلیم خواهد گردید .

برویم بر تلگرافات تشویقیه ملل سائره که به ملت و دولت ایران نموده یا می نمایند آیا نتیجه و اثر این تلگرافات چیست ؟ بزرگترین جمعیت مسلمانان در هندوستان است . از اینها چه بر می آید و چه کمک و تائید به ایران تواند کرد ؟ اینها خود محتاج به تائید و کمک خارجی هستند . خیلی که بتوانند کار کنند دفتر اعانه باز نموده چند صد هزار روپیه جمع و پس از حیف و میل زیاد یک مبلغ جزئی آن را هم به اداره شیر و خورشید سرخ ایران بفرستند ؛ چنانچه در موضوع ترکیه کردند . آیا همین قدر کمک برای ایرانیان کافی است و حل مشکلات بزرگ دولت را در این اقدام تواند کرد / تجربه چهل ساله به ما نشان می دهد که هر قوم و ملتی که تشویقات زبانی دیگران [را مورد توجه قرار داد] خویشان را به مشکلات انداخت و جز ندامت چیزی نیافت . از همه گذشته گره ای که به دست باز شود به دندان باز کردن خلاف عقل است . اگر اقدامات دیپلوماسی از طرف چهار دولت اسلامی ایران ، ترکیه ، و مصر بشود خواه میخواه ابن سعود تسلیم شده و احترام زمین هم به جای مانده و تکلیف حکومت حجاز هم برای آتیه معین گردید چرا که ابن سعود علی الظاهر می گوید (من برخلاف عقاید و میل مسلمین حرکت نخواهم کرد و حکومت حجاز را هم نمی خواهم و فقط کوشش من آن است که رفع مظالم و شرخاندان شریفیان را از حجاز نموده باشم) پس چه ضرر دارد که این گره را به اصول دیپلوماسی گشاد و رفع این غائله بزرگ را بدون خونریزی از مسلمانان بنمائیم و بر فرض هم که ابن سعود یا همراهان وی مرتکب برخی هتک احترامات شده باشند به همین اصول جبران تواند شد و برای همیشه از این دغدغه همه راحت توان گردند .

عقیده ما همان است که هفته گذشته نگاشتیم حکومت حجاز نباید پیروان یک مذهب باشند . حجاز باید جمهوری و یک نفر از اهالی حجاز غیر از خاندان شریف حسین ، رئیس جمهوری قرار گیرد و کابینه آن معین شود از جانب دول اسلامیة ؛ یعنی انتظامات آن را دول اسلامیة بنمایند و ضامن حفاظت حرمین تمام دول و ملل اسلامیة قرار گیرند . در این صورت هیچ دولت خارجی را هم جرأت دخالت در امور حجاز پیدا نخواهد شد . به این اصول چهار صد میلیون نفوس اسلامیة ، حافظ حرمین شریفین قرار خواهند گرفت . اگر چه ما خود تسلیم داریم که انجام این امر هم آسان نیست ولی نسبت به سائراطرقی که اختیار شود این آسان تر و سهل العمل تر است .

حالا بیائیم به اصل مطلب یعنی به آقایانی که دولت علیه ایران را تهییج و تشجیع می کنند که بر خلاف ابن سعود اقدامات عملی گرفته یا به عبارت ساده تر لشکر به نجد یا حجاز فرستاده و ابن سعود را به هوش آرند . ما هفته گذشته نگاشتیم که حمله ایرانیان بر نجد نسبت به سائر دول اسلامیة آسان تر است و در چند ساعت می توان برخی از مقبوضات ابن سعود را قبضه نمود ولی مشکلاتی که برای دولت لازم و ملزوم

این اقدام است تصور شده است؟ ما فتح نظامیان رشید ایران را بر نجد و حجاز مسلم می‌گیریم و همچون تصور می‌کنیم یکی از لشکریان ما هم کشته نخواهد شد. در فرستادن آذوقه و قور خانه اسلحه و غیره هم برای دولت هیچ اشکالی پیش نخواهد آمد ولی یک امر که در اول قدم لازم است مصارف این لشکرکشی است آیا هیچ تصور شده است که اقلاً مصارف این لشکرکشی چقدر تواند شد؟ برای اینکه ما بی‌گدار و آب نزنه باشیم تشریح می‌دهیم: اقلاً اردوئی را که دولت ایران به حجاز و نجد گسیل دارد از سی هزار کمتر نمی‌شود و سی هزار لشکر فرستادن در میدان جنگ خارجه، از آذوقه و اسلحه و قور خانه و خرج نواقل و اداره شیر و خورشید احمر و... و... روی هم رفته بر هر سر بازی کمتر از یک لیره روزانه خرج وارد نمی‌گردد. با جزئی کم و بیش، ماهیانه می‌شود یک میلیون لیره و این اقل عده قشونی است که ما می‌توانیم برای سرکوبی ابن سعود بفرستیم و کمتر مقدار مصارفی است که می‌توان در این اردو کشی تصور کرد. معلوم است این اردو که از ایران حرکت کند تا وقتی که با نتیجه مطلوبه باز گردد کمتر از یک سال طول نتواند کشید. در این صورت مصارف این اردو کشی اقلاً دوازده میلیون لیرا یا صد و بیست کرور تومان خواهد شد. خوب است آن آقایانی که دولت را تهییج به فرستادن اردو به نجد و حجاز می‌نمایند بدو یک مالیات موقتی که اقلاً عایداتش سالانه یک صد و بیست کرور تومان باشد بر ملت تحمیل نموده و قانونش را از مجلس گذارنده آن وقت دولت را به ترتیب اردو مجبور نمایند چرا که بر همه ظاهر است خزانه خالی ما، بودجه اضافه ندارد و برای یک چنین مصرف فوری، موجوده دولت همان قدر است که امروزه برای انتظامات داخلی در کار داریم.

سپس باید برای این اردوئی که به خارجه فرستاده شود داوطلبان قشون بگیریم. چه شود که بعد از تعیین مصارف این اردو کشی همان آقایانی که مهیج ملت و دولت اند خود و پیروان شان در قشون دولت داخل شده و در راه حفظ بیضه اسلام سرهای خود را به کف گرفته و پیش قدم کردند. کسانی که قبل از تهیه آنچه ما گفتیم دولت را تشجیح و ملت را تهییج نمایند یا مانند سال گذشته در سقاخانه بازی و معجز تراشی قالب هرج و مرج یا پشت و روی مسئله را ندیده و می‌خواهند با لقلقه زبان اوضاع را دگرگون سازند و وجود فعال را به این هیاهو از کار بیاندازند. ما از همه بیشتر سائل و جاهدیم به حفظ امنیت حرمین شریفین و احترام متبرکات اسلامی ولی مهممل گوئی را نمی‌پسندیم؛ ملت و دولت را گول نمی‌زنیم؛ پشت و روی هر مسئله را می‌سنجیم. هیجان امروزه ایران اساسش همان هیجان سال گذشته به مسئله سقاخانه است؛ غرض دیانت نیست. گر واقع درد دین داریم باید از راهش پیش آمده و اصلاح کنیم و ما این نکته را هم ناگفته نمی‌گذاریم که بر فرض اگر ابن سعود و تابعین وی هم آنچه شهرت یافته مرتکب نشده اند، همین که مانع مرتفع شد و استیلائی آنها بر حجاز مسلم آمد از اینها بالاتر را ممکن است مرتکب گردند و ما اول مخالفت حکومت ابن سعود بر حجاز هستیم ولی می‌خواهیم هر اقدامی که می‌کنیم اساسی باشد. حیل‌المتین لفاظی و قوالی ندارد و مخالف هر لفاظ و هر قوال است چون تلگرافات عدیده در این موضوع به ما رسیده را خطرناک یافته ناچار آنچه در دل داشتیم به زبان قلم آوردیم. تو خواه از سخنم بند گیر و خواه ملال

اما طریق حصول یک صد و بیست کرور تومان مالیات جدید با اوضاع اقتصادی کنونی ایران دشوار می نماید ولی ما هرگز مایوس نمی شویم. اولین عایداتی را که باید صرف این جهاد اکبر نمود، عایدات کلیه موقوفات ایران است؛ عایدات حضرت رضا علیه السلام. کدام راه برای مصارف موقوفات از حفظ بیضه اسلام بالاتر است؟ شاید برخی آقایان اشکال فرمایند که بر خلاف منشاء واقف خواهد شد، جوابش این است که اجتهاد برای کدام روز است؟ آیه الله شیرازی در موضوع رژی شرب دخانیات را حرام کرد. آیا در این وقت اهمیت مسئله مدینه بالاتر نیست؟ با این همه گمان نداریم که عایدات کلیه موقوفات ایران هم یک صد و بیست کرور تومان بالغ آید از این رو باید مجلس شورای ملی مالیاتی هنگفت بر برنج و روغن و امثال آن که بیشتر محل استعمال متمولین داخلی است، ببندد در این صورت ممکن است که ما بتوانیم مصارف این اردو کشی را تهیه کنیم. شاید بگویند وصول این مالیات ها در طول زمان در کار دارد، جواب این است چاره چیست؟ آیا نظامیان ایران حواصیل اند که باد بخورند؟ خاک نباید به چشم عوام پاشید و مردم را نباید بی جا به هیجان آورد. آنکه منار دزد اول باید چاه بکند. بدون تهیه مصارف مقبول نیست که به دولت تکلیف چنین اردو کشی بزرگ بشود؟

هرگاه ما تهیه مصارف را دیدیم و راه عایدات را پیدا کردیم می توان به اعتبار همان عایدات، قرض گرفت و شروع به کار نمود. به عقیده ما اگر همت کنند و ملت و دولت و علماء متحد گردند می توانند این قانون را از مجلس شورای ملی سریعاً گذارنده و شروع به کار کنند. اگر جدیت نمایند و به جای قوالی، فعالی اختیار شود در مدت دو ماه به همه این تدارکات نائل شوند آمد و نظامیان رشید ایران به طرف حجاز و نجد رهسپار شوند گردید.

اینجا موقعی است که غش از ثمین و حق از باطل جدا شود، یعنی اشخاصی که درد دین دارند و از روی حقیقت خواهانند که حرمین شریفین محترم مانده و از لوٹ وجود وهابی ها پاک گردد، سه ماده ذیل را که به طریق خلاصه می نویسیم جداً پایبند شده و مجلس شورای ملی و دولت را مجبور به اجرای آن بنمایند: اول: متفقاً و متحداً رای دهند دولت کلیه عایدات موقوفات را قبضه نموده و صدی ۱۰ برای صرف همان موقوفه سپرده و در صدی ۹۰ را قبضه کند.

دوم: مالیات هنگفتی بر برنج و روغن و امثال که در داخله خرج می شود ببندد.

سوم: علماء اعلام و طلاب علوم دینی قبل از هر کس داوطلبان شریک این جهاد اکبر گردند و به هیچ شرط تسلیم نشوند [وگرنه] به دست خود قیر خویش و حامیان خود را کنده اند.

آری از اثر این گونه مظالم است که چند سال قبل یک مرتبه شمشیر انتقام خدائی در میانه این قوم کناره آمده و میلیون ها نفوس تمدن نمای اروپا را به خاک هلاک انداخت. اگر چه می دانیم به جواب ما خواهند گفت که این سخنان همه از روی ناچاری یا بخار تعصب است و ما خود هم تصدیق می کنیم که ابواب چاره برای ما مسدود است و فقط به این کلمات به آتش درونی خویش آب افشانی می کنیم ولی همین قدر می گوئیم که ظلم پایان ندارد و ظالم همیشه سر سبز نیست و عقیده داریم بر اینکه دست خدای

بالای همه دست ها [است] اگر دیر گیر است سخت گیر است.^۱

[مدرک شماره ۲۵]

(بن سعود و اماکن متبرکه حجاز)

چنانچه از تلگرافات مستفاد می شود دولت علیه ایران کمیسیون مختلفیه با دولت مصریه به ریاست آقای غفارخان وزیر مختار دولت علیه در مصر به جده فرستاده اند که واقعات حجاز را معاینه نموده و حقیقت را اظهار دارند. مسلم که این کمیسیون که به ریاست وزیر مختار دولت علیه به حجاز رفته، اهمیت فوق العاده دارد و یقیناً با ابن سعود و امیر علی هم خیلی صحبت خواهد داشت و مسلم است که قبل از وقت با دولت مصریه هم در این موضوع مذاکرات لازمه شده و بین خودشان یک تصفیه قطعی نموده اند. چنانچه دولت مصریه هم کمیسیون مخصوصی به حجاز گسیل داشته تا وضعیت ابن سعود و امیر علی را ملاحظه نموده و با طرفین گفتگو کرده که شاید بتوانند این خونریزی را مرتفع دارند. معلوم نموده اند که جده در حالت سختی و بدی است و سپاهیان امیر علی به واسطه نیافتن مواجب، فرار می کنند و اهالی جده به واسطه قحطی و سختی حکومت به هر طرف هجرت می نمایند.

نفوس جده از ۶۰ هزار به ۱۲ هزار رسیده است همین قسم است حال مکه، اهالی اش پراکنده و پریشان و عده نفوس از ۲۰۰ هزار به ۶۰ هزار تنزل نموده. اهالی هم از دست امیر علی و هم از دست ابن سعود به جان رسیده اند. نماینده مصر از ابن سعود و گویا از امیر علی پرسش نموده که اگر عذری ندارند در مصر کنفرانس اسلامی منعقد و کلیه ممالک اسلامی دعوت تا تصفیه آینده حکومت حجاز را بنمایند. هنوز معلوم نیست که ابن سعود و امیر علی این تجویز را قبول کرده اند یا نه.

طرفداران ابن سعود در هند که من جمله اعضای کمیته خلافت اند خواهش شان این است که این کنفرانس در مکه منعقد گردد تا تحت فشار ابن سعود مانده و شاید مقصود به چنگ آید. در صدی ۹۵ مسلمانان هند را عقیده این است که حکومت حجاز نباید به قبضه ابن سعود ماند و نه در خاندان شریف حسین حجاز، باید جمهوری و یک مذهب بر او حکومت نداشته باشد چه وضعیت جزیره نمای عربستان قسمی است که حجاز خواه به قبضه ابن سعود ماند یا خاندان شریف حسین تنها مقتدر به محافظه خود نیست. عراق شامات فلسطین را از وی مجزی داشته و باقی مانده است نجد و حجاز و یمن؛ یمن را هم دو حصه کرده اند و سواحل جزیره نمای عربستان را نیز تمام به قبضه دیگران و شیوخ خود سر است مانند همانات کویت، عقبه، معان جدید و امروز هم مسلمانان دارای آن قدرت نیستند که بتوانند جزیره العرب را که بین چند دولت منقسم آمده یک حکومت مستقلی قرار دهند و به عقیده مبصرین در آن صورت هم عربستان بدون سرپرستی سائر دول اسلامیة استقلالش محفوظ نتواند ماند پس برای محافظه اماکن متبرکه چاره جز این نیست که یک حکومت جمهوری مختصری در حجاز دائر نموده و سرپرستی آن را

۱. هفته نامه جبل المتین کلکته، ش ۲۹، س ۳۲، ۲۱ صفر ۱۳۴۴ قمری، صص ۸-۱.

دول اربعه اسلام و جمیع ملل اسلامیة شرق و غرب هم مؤید دول اسلامیة گردیده و یک پستی قوی برای حجاز گردد .

باید به طرفداران ابن سعود گفت اگر ابن سعود و همراهان وی یعنی نجدی ها به مذهب وهابی باقی اند البته اقدامی که نسبت به آنها داده شده در خرابی مقابر و انداختن گنبدها که رکن اعظم مذهب آنها است ، باید عمل کنند و بر فرض هم اگر تا امروز نکرده باشند پس از استیلا خواهند کرد و نمی توان هم مذهباً آنها الزم وارد آورد چه اصول مذهب آنها است . می گویند باید جبراً و عنیفاً مسلمانان را به این طریقه حدیث کشانید و اگر نشود که ابن سعود پیروی جد خودو همراهان نجدی وی معتقد به عقائد عبدالواهب نیستند پس آنها را باید لا مذهب دانست .

در هر صورت حکومت ابن سعود را مسلمانان عالم نمی توانند بر حجاز تسلیم کنند . خاندان شریف حسین خائن به اسلام و با کفر ساختند و شمشیر بر روی خلیفه اسلام کشیدند و از این جهت که مسلمانان با آن خاندان به نفرت اند و پیروان ابن سعود هم همین مسئله را بر عدم لیاقت خاندان شریف حسین دلیل می آورند و ما هم آنان را تصدیق می کنیم ، خوب است از آنها پرسش شود آیا عبدالعزیز بن سعود برخلاف عثمانی با انگلستان سازش نموده و در سال ۱۹۰۶ بر لخصاء و قطیف که جز حکومت عراق بود ، حمله نکرد ؟ و یا مبارک بن صباح برخلاف آل عثمان به وساطت انگلیسیان آشتی نکرد و در کویت نیامد و با خز عل خان شیخ محمره اتحاد مثلی نمودند ؟ آفتاب را با گل نتوان اندود . عکس ابن سعود و ابن صباح و خز عل که در قصر فیلیه گرفته شده نزد بسیاری موجود است . غرض این است که همان خیانت هایی که نسبت به خاندان شریف حسین داده می شود عین آن را ابن سعود و ابن صباح مرتکب بوده و هستند . از این رو باید کلیه مسلمانان چشم از خاندان شریف حسین و ابن سعود پوشیده و برای حجاز حکومتی غیر از اینها برقرار دارند .

علمای بزرگ اسلام از شیعه و سنی تمام برخلاف حکومت ابن سعود اند فقط یک جماعتی که به نام کمیته خلافت در هند هستند هائل حکومت ابن سعود بر حجاز می باشند . آنچه در جرائد انتشار یافته ابن سعود سه معاهده با انگلیسان کرده و خاندان شریف حسین فقط یک معاهده داشتند . [نکته] لطیف اینجاست که به مناسبت جمعیت مسلمانان در هند ، هم ابن سعود و هم امیر علی به شبهه افتاده که شاید از طرفداری مسلمانان هند فائده بتواند برد و حال اینکه از مسلمانان هند هیچ بر نیاید جز اینکه وقتی که کار بر آنها سخت گردد دولت انگلیس را دعوت کنند . چنانچه در مسئله حاج مستر شوکت علی که صدر کمیته مرکزی خلافت بمبئی است برای حاجی که به زور فرستادند تائید و کمک از انگلیسان خواستند . فعلاً هم و فد بن سعود و هم وفد امیر علی در هند موجود است و طرفداران ابن سعود هم تلگراف به مصر و ایران و غیره می نمایند که شاید کنفرانس اعظم اسلامی در مکه قرار گیرد و تحت نفوذ ابن سعود ماند . انگلیسی ها نیز هم طرفداران ابن سعود وهم طرفداران امیر علی را آزاد گذارده و منتظر فرصت اند تا در موقع مناسب از هر طرف که مقتضی باشد فائده گرفته و به اسم حفظ حقوق مسلمانان هند هر اقدامی بخواهند در حکومت حجاز بنمایند .

هزار نقش بریزد زمانه و نبود یکی از آنچه در آئینه تصور ماست^۱

[مدرک شماره ۲۶]

(عالم اسلام و مدینه منوره)

ایران و احساسات شرافتمندانه او ، جدیت ایران در مسوله مدینه تلگرافات او ، هیات اعزامیه ایران در حجاز و مدینه ، هیات اعزامیه حکومت مصر و تقریر او ، هیات اعزامیه دولت انگلیس ، نماینده نجد و سایر دول ملل اسلامی و مدینه منوره^۲ رجال بی همان انگلیس .

مسئله اشتها مهاجمه وهابی ها به مدینه منوره و تعدیات نابکارانه سپاهیان ابن سعود به ان بقعه پاک و مدفن مخاطب لولاک لما خلقت الافلاک ، در تمام ایران و ایرانیان یک احساسات سرشار و تحمسات قابل تقدیر تولید نموده که عالم اسلام و اسلامیان را تا ابد مرهون خود ساخته . ما نه از نقطه نظر هموطنی و تعصبات جاهلانه می نویسیم بلکه از ثبوت عقیده و دیانت و اتقه اسلامی هموطنان که از صدر اسلام تا کنون در هر موقع و مقام ، در ترویج شریعت مطهره و تمسک به دیانت حقه اسلامی و حفظ عقاید و مراسم مذهبی از تمام فرق مختلفه اسلامی پیشقدم بوده اند، آنان را تقدیر می نمائیم . چنانچه پس از وقوع مهاجمه وهابی ها به مدینه منوره (با تزلزل بودن این اخبار) مجلس شورای ایران و آقای پهلوی رئیس الوزرا بنا به وظیفه مقدسه اسلام خواهی و دیانت شعاری ، اقدامات خدا و خلق پستدانه نموده و روح مطهر صاحب شریعت زاده را از خود خوشنود کرده اند در حالتی که سایر ملل اسلامی مانند ملت ترک که قسم اعظم عالم اسلام را تشکیل می دهد و علاقه اسلامی انان نسبت به مدافع خلفای را شدین مانند خلیفه اول ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن الخطاب رضی الله تعالی عنها که در جوار مضجع پاک و تربت تابناک حضرت ختمی مرتبت در مدینه واقع هستند ، بیش از ایرانیان بوده و تا کنون به یک سکوت عبرت آوری باقی مانده اند!

تشبشات اسلام خواهانه دولت ایران و زمامدار وقت آقای پهلوی ، مقدم استفسار تلگرافی از مقامات لازمه امر به تحقیقات کافیه از وزیر مختارهای خود در عواصم قریبه به به بلاد حجاز و یثرب بوده و علاوه از دولتیان - ملتیان نیز در اقدامات جدی تلگرافی کوتاهی ننموده و به هندوستان و مصر و نقاط دیگر تلگرافات مهمه کرده و در همه جا ، آوازه اسلام خواهی را در انداخته اند . دولت ایران چون از تلگرافات وارده قناعت حاصل نکرد در صدد فرستادن هیاتی به طرف حجاز و یثرب برآمد که نمایندگان او رفته و با تحقیقات عمیقانه ، دولت و ملت ایران را آگهی دهند .

چنانچه در هفته گذشته آقای میرزا غفارخان وزیر مختار تازه رسیده به مصر ، به اتفاق میرزا حبیب الله خان هویدا جنرال قونسول شام و میرزا محمد رضا گلستانه منشی و یک تن قواص از مصر عازم جده

۱. همان ، ش ۳۴ ، س ۳۳ ، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۴ قمری ، صص ۲۱ و ۲۲

۲. در اصل نقطه چین

شدند که پس از مقابله با ملک علی امیر حجاز متوطن در جده ، به مکه نزد ابن سعود امیر وهابی ها رفته و او را دیده و مواقع مهمه را بازدید و آقای وزیر مختار عودت به مصر نموده راپورت کافی به دربار ایران بفرستند و آقای جنرال قوانسول از مکه به مدینه رفته و آن مواقع را باز دیدی بسزا نموده و ایشان هم مشاهدات خود را به دربار ایران بفرستند که اگر لازم شود دولت ایران از بنادر خلیج فارس ، لشکر به جده اعزام دارد . اگر چه مسئله لشکر کشی ایران را به طرف حجاز نمی توان سرسری و سطحی گرفت و جهات عدیده او را با نظر دور بینانه ندیده و داخل در عمل شد زیرا مسئولیت بزرگی شامل حال محرکین ، در عاقبت امر خواهد شد .

صحیح است بطون اوراق تاریخ ضخیمه دنیا مملو است از خدمات معنوی و ادبی و اجتماعی و سیاسی و مادی ملت نجبیه ایران نسبت به ملت عرب که در پاداش آنها ، سوختن در تنور و پارچه شدن و دو پارچه گشتن و به دار اوخته شدن ایرانیان مانند (عبدالله ابن المقنع) و ابومسلم خراسانی و جعفر بن یحیی برمکی و ابن مقله و امثال او از دست اعراب بوده که همه ایرانیان برای گنج دین شریعت مطهره حضرت ختم المرسلین از جان خریده و باز می خرنند ولی امروزه عالم اسلام و سیاسی پیچاپیچ دول استعماری خاصه دولت انگلیس ، به ما گویا فقط اجازه می دهد که دورا دور احساسات عالییه خود را مشهود عالمیان نمائیم ! (سخن سر بسته گفتم با حریفان) !

دولت مصر چنانچه در شماره [گذشته] اشاره کردیم از طرف اعلیحضرت ملک فواد، اول تلگرافی به ابن سعود نمود و او جواب فرستاد که مشاهده مشرفه و مقامات متبرکه مکه معظمه و مدینه منوره مضمون بوده و جسارتی به آنها نشده و نخواهد شد . پس از آن هیاتی حکومت مصر بریاست شیخ مراغی که از اجلاء علماء مصر بوده ، به جده و مکه فرستاد و آنان پس از ملاقات با امیر علی و ابن سعود و تفحصات عمیق و مشاهدات دقیقه ، عودت کرده و پس از تشریف به حضور اعلیحضرت فواد راپورتی کامل دادند که جراید محلی انتشار دادند که اجمالش این است:

" [با توجه به] نبودن اذوقه و قحطی عمومی در جده و نبودن قوه دفاعیه در جده و ضعف مالیه امیر علی در جده و حاضر شدن ابن سعود دائر تسلیم حجاز به غیرال شریف حسین و خواهش ابن سعود که نمایندگان از تمام ملل اسلامییه در مکه خضره شده و حکمرانی برای حجازه انتخاب کنند ، برخی خرابی ها در مکه [روی داده که] از روی تصادف و نه تعامد [بوده] که هنگام جنگ این گونه خرابی ها واقع می شود "

این بود که پس از رسیدن تلگراف ابن سعود به اعلیحضرت ملک فواد اول و آمدن هیئت اعزامیه از حجاز و تقریر آنها ، ملت مصر قانع گشتند . از غرایب بلکه اغراب غرایب آنکه در جراید ایران دیده شده که مجهولانه (از خود داری) از هیجان مصری ها به واسطه هجوم وهابی ها به مدینه ، بسط کلام بی اساس نموده در حالتی که در شماره قبل نگاشتیم خبر تعدیات نابکارانه وهابی ها فقط در بمبئی ، هندوستان

۱. در اصل نقطه چین

و ایران سوء اثر بخشید و در سایر دولتیان و ملتیان عالم یک سطر تلگراف به ابن سعود نمودند و فقط اعلیحضرت ملک فواد اول پادشاه مصر تلگرافی فرمودند. به قراین همان دست‌هایی که تا سیسات مشروعه مفیده ایران را همیشه واژگون می نموده و به واسطه وکلای عاری از سیاسی و ما جور مستعمرین ، می خواهد این مختصر قوه نظامی ایران را نیز متلاشی کند^۱!

دولت انگلیس که تعزیه گردان ما تمکده های مشرق زمین از جهالت مشرقیان بوده نیز هیاتی به ریاست (سر جلیرت کلیتن) به جدّه فرستاد و اشاعه داد که این هیات اعزامیه برای تحدید حدود بین خاک نجد و عراق و شرق اردن بوده و ابدأً کاری به مخاصمه و مقاتله بین سلطان نجد ، ابن سعود امیر وهابی ها و امیر علی ابن شریف حسین ملک حجاز ندارد ! (۱) و دولت انگلیس چنانچه عادت شریفه و رویه عادلّه او بوده در این جنگ بی طرفی تمام اختیار کرده ، خاصه که این جنگ رنگ دینی دارد و برای او مشاکل سیاسی تولید می کند^۲!

و شاید این هیات انگلیسی با هیات ایرانی در جدّه تلافی کرده و راهنمائی بنماید ولی ما اطمینان کامل به صحت عمل و بی الایشی هیات اعزامیه ایران که آقایان میرزا غفار خان وزیر مختار مصر و میرزا حبیب الله خان هویدا جنرال قونسل شام بوده ، داریم . در حالتی که حدود ثغور ، وقتی معین می شود که صاحب ملک معین باشد^۳!

نماینده نجد در مصر نیز تکذیب اشاعات حجازی ها درباره گلوله ریزی به مدینه منوره نمود و توضیح کرد که این اشاعات کاذبه حجازی ها محض تشنت کردن افکار مسلمانان عالم و بیزاری آنان از ابن سعود بوده و وهابی ها جسارتی نکرده بلکه خود مدافعین و محاصرین مدینه این کار را کرده اند تا دول و ملل اسلام را از وهابی ها منزجر سازند . پس از این خیر هیچ یک از دول و ملل اسلامیه در صدد برنیامدند و خبری نیافتند که تایید یا تردید این خبر را بنماید لیکن تعزیه گردان این معارک خونین و این مصائب ننگین مشرق زمین عموماً و اسلام خصوصاً که انگلیس باشد در کار استفاده بوده و معنی شعر عربی (مصائب قوم عند قوم فوائد) را فهمیده ، چنانچه آتش جنگ را بین امام یحیی امیر یمن و سید ادریس امیر صنعا در انداخته و عجلتاً تمام قطعات عربستان از آتش جهالت یکدیگر می سوزند و خود نمی دانند روشن کننده آتش کیست.

ما رجال بی همان انگلیس که در خدمت به دولت و ملت خود صمیمانه خدمت می کنند را تقدیر و تقدیس می نمائیم و آرزومندیم که از سجایای آنان قدری نصیب زمامداران شرق گردد .^۴

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. هفته نامه چهره نما ، ش ۳ ، س ۲۲ ، آبان ۱۳۰۴ ، صص ۲ - ۵

[مدرک شماره ۲۷]

عودت هیئت اعزامیه ایران از مکه

در شماره گذشته شرح عزیمت هیات اعزامیه دولت ایران را به ریاست فائقه نماینده دانای توانای ایران آقای میرزا غفارخان (جلال السلطنه سابق) وزیر مختار ایران در مصر و آقای میرزا حبیب الله خان هویدا (عین الملک سابق) جنرال قونسول شام به طرف حجاز منفرت طراز نگاشتیم .

معظم له به طرف مقصد رهسپار چون گشتند و به لنگرگاه جده رسیدند از طرف امیر علی هیاتی تا کشتی ایشان را استقبال کرده و با احترامات لایقه به جده شان ورود دادند . هنگام نزول ساکرامیر علی با موزیک حجازی و تماشائی یک منظره عالی تشکیل داده و صداهاى ترحیب و خیره مقدم با ترانه موزیک سلام طظه انداز گردید و به جایگاه خصوصی که قبلا تدارک شده بود ورود شان دادند و پس از استراحتی از رنج راه ، امیر علی ایشان را از استقبالی شایان نموده و باب مصاحبت و مفاوضت گشود و آنچه در خور مقام و منزلت چنین مهمانان محترمی که از جانب اولین دولت امپراتوری عظیمه ایران بوده ، به جای آورده و پس از کسب تحقیقات لازمه میکنونه و رسیدن خبر از جانب ابن مسعود امیر وهابی ها از مکه، انگاه سوا بر اتوموبیل ها تا بیرون جده حرکت می نمایند تا موقع سرحدی حاضره که اتوموبیل ها ابن مسعود با چند تن از گارد مخصوص او حاضر بوده ، پیاده شده و سوار اتوموبیل های ابن مسعود گشته و عازم مکه می شوند . هنگام ورود به مکه نیز استقبالی شایان تقدیس از طرف حجازیان و وهابی ها و ابن مسعود به عمل آمده و غریو ترحیب فضا را مملو ساخته و مجاور و مسافر ، زبان به او از خیر مقدم گشوده و مهمانان محترم را در آغوش تجلیل و توقیر بی اندازه جای داده اند و از طرف ابن مسعود همه گونه احترامات لازمه و تجلیلات فائقه به عمل آمده .

در اینجا نیز پس از راحتی و مقابلات مفصله و بازدید مواقع متبرکه و مشاهده مشرفه و برداشتن عکس های لازمه و موفق گردیدن به تحقیقات دقیقه بدین ماموریت بزرگ که نه تنها ایران و ایرانیان را مرهون این ماموریت شرافتمندانه نموده بلکه عالم اسلام و اسلامیان را ممنون این مسافرت تاریخی خود ساخته ، کامیاب به مقصود مقدس خود گردیده و مفصل با ابن مسعود مکالمه نموده و ذخایر ذی قیمت در این دوره ماموریت پر زحمت جمع و بهجده عودت فرموده اند و جناب آقا میرزا حیب الله خان هویدا جنرال قونسول شام ، به جهت کسب تحقیقات لازمه و دیدن مواقع مشرف مدینه منوره ، عازم مدینه شده اند که پس از انجام این ماموریت پر زحمت و مشقت ، راپورت جامع کاملی به دربار ایران بفرستند و پس از استیذان از دولت علیه ایران ، آقای وزیر مختار معلومات دقیقه و مشاهدات کامله خود را از آنجا در عالم اسلام انتشار دهند .

الحق آقای وزیر مختار محبوب در این ماموریت پر مخاطرات خدمتی بزرگ به عالم اسلام و اسلامیان فرموده و نام خود را در دفتر صحایف ایام به بهترین تقدیسی بیرون از زوال ، مخلد و مؤید داشتند .

هنگام عودت [میرزا غفارخان (جلال السلطنه سابق)] چون ایرانیان مصر خبر یافتند با شوقی سرشار به ایستگاه مصر [رفته] و ذات محترمشان را استقبالی شایان نموده و تشکرات قلبیه صادق خود را در

مقتضی المرام گشتن ایشان از این مسافرت، تقدیم داشتند. آقای وزیر مختار خود بیش از حاضرین اظهار مسرت فرموده که به حمد الله در این مسافرت پر زحمت کامیاب شده و ماموریت خود را موافق دلخواه به عمل آورده اند و از پرتو نیات مقدسه ناجی ایران و افتخار مشرقیان و اسلامیان عموماً و خصوصاً والا حضرت اقدس آقای رضا خان پهلوی کامروا به مقر ماموریت خود مصر عودت کرده اند.^۱

[مدرک شماره ۲۸]

عودت آقای میرزا حبیب الله خان هویدا از مدینه منوره

در شماره های گذشته - ۴ و ۵ چهره نما از عزیمت و عودت هیئت اعزامیه دولت ایران که به جهت سرکشی و تحقیقات دقیقه مکه معظمه و مدینه منوره مامور شده بودند، شرحی جامع نگاشتیم و از عودت و تفصیل مصاحبه آقای میرزا غفارخان وزیر مختار ایران در مصر با سلطان ابن سعود سلطان نجد و وهابی ها و ملک علی پسر ملک حسین حجاز را با سه طغرا عکس به نظر خوانندگان چهره نما رسانیدیم. اینک که آقای میرزا حبیب الله خان هویدا قونسول جنرال شام از مدینه پس از مشاهدات و تحقیقات عودت به مصر فرموده اند، ما نظریات ایشان را انتشار می دهیم.

ایشان پس از اینکه با آقای وزیر مختار ایران در مصر، عازم جده شده اند و آنجا آنچه لازمه احترامات چنین مهمانان بوده، دیده، به مکه مشرف گشته اند و در مکه قبور آمنه و خدیجه و بیشتر قبرها را خراب می بینند و چون با ابن سعود در این خصوص گفتگو می کنند [او] می گوید عقاید دینی ما اجازه به ساختن و مجلل داشتن قبور نمی دهد و با این حال عذر می خواهیم و این کارها قبل از ورود من به مکه واقع شده و کتباً و شفاهاً به شما قول می دهم که بعد ها از این گونه جسارت ها واقع نخواهد شد و نمایندگان مسامانان که در مکه اجتماع خواهند کرد، هر چه مقرر دارند اجرا خواهد شد.

و چون وزیر مختار ایران به مصر عودت کردند و ایشان [میرزا حبیب الله خان هویدا] به مدینه از راه رابع مشرف شدند و همه جا را مامون دیده و پس از رسیدن به مدینه سه روز مهمان نواب ملک حجاز بوده و سه روز در عیون که دو ساعت مسافت تا مدینه بوده، مهمان امیر محمد علی، پسر سلطان ابن سعود بوده اند و ایشان در مدینه به نفسه با صعود به قبه مبارکه حضرت ختمی مرتبت که محض معاینه نموده اند. در آنجا پنج خراش گلوله تفنگ یافته اند و دیگر چیزی به نظر شان نرسیده و این اصابت گلوله تفنگ در زمان حمله اولی که به سر داری فیصل درویش بوده واقع شده و چون این خبر را ابن سعود شنیده فیصل درویش را [خلع] و به جایش امیر محمد فرزند خود را گماشته تا مدینه را محاصره کرده و به شدتش بیفزاید و دیگر قبر حمزه که در دست وهابی ها بوده هر چه از اسباب زینت و نذورتی که مردم به آنجا وقف کرده بوده اند، یغما شده و قبر و برده سبز او موجود و سالم بود. این بود مختصر و موجز از مشاهدات صحیحه دقیقه نماینده ایران که مشقت و زحمات طاقت فرسا تحصیل و عالم اسلام عموماً و

۱. همان، ش ۴ و ۵، س ۲۲، آذر ۱۳۰۴، صص ۱۰-۱۲

ایرانیان خصوصاً از خود ممنون نموده اند^۱

[مدرک شماره ۲۹]

ورود و عزیمت [میرزا حبیب الله هویدا] به حجاز

چند روز قبل جناب آقا میرزا حبیب الله خان هویدا (ال رضا) جنرال قونسول غیور شامات بنا به اوامر دولتی از شام به مصر ورود و به طرف جدّه و مکه روانه شدند که در آنجا مجدداً با ابن سعود ملک حجاز و سلطان نجد باب مذاکرات بگشایند . در حقیقت دولت ایران به وظایف مقدسه اسلامیّه مافوق نگرانی ، عمل فرموده و با این همه مخاطرات شورشیان و جنگ داخله سوریه و تعدی شدن به حجاج ایرانی که در همین شماره نگاشته شده ، اتصالاً مامورین ایران برای قضیه مکه و ابن سعود در ایاب و ذهاب بوده . البته برادران اسلامی ما در هندوستان این اخبار را خوانده و بدانند که دولت شاهنشاهی ایران و اعلیحضرت پهلوی اقداماتی فرموده که هیچ یک از دول و ملل اسلامی نکرده . امید است نتایج مطلوبه [حاصل] و آقای هویدا مقتضی المرام به سلامتی عودت بفرمایند . به قراین ، ایشان اوامر دولتی را در خصوص گفتگوی با ابن سعود ملک حجاز در جدّه دریافت خواهد فرمود ، البته در عودت معلوم خواهد شد .^۲

[مدرک شماره ۳۰]

عودت و عزیمت به شام

در شماره گذشته از ورود و عزیمت آقای میرزا حبیب الله خان هویدا (آل رضا) قونسول جنرال شامات اشاره کردیم . ایشان پس از طی طریق جدّه ، در مکه با سلطان عبدالعزیز بن سعود ، ملک حجاز و رئیس مذهبی وهابی ها ملاقات مفصل نموده اند و اوامری که از طرف دولت متبوعه خود ایران داشته ، مجری نموده و عودت به مصر کردند و عازم به مقر ماموریت خود به شام شدند . به قراین ، امور مذهبی حجاز چندان امید بخش نبوده و وهابی ها به طریق مذهبی رفتار کرده ، حتی قبر حضرت حوا را در جدّه خراب و اثر او را از زمین محو کرده .

در اینجا از نقطه نظر سیاست ایران و سایر دول معظمه عالم ناچاریم بگوئیم که اگر رئیس الوزرای انگلیس یا فرانسه در ساعت نه شب بر سر سفره شام [خبری] بیان کنند قبل از طلوع ، خبر در تمام روی زمین و ان مطلب اشتها می یابد لیکن مامورین دولت ایران اگر مامور مفارسات مهمه ای که راجع به عالم اسلام عموماً و ایران و خصوصاً بوده و مجری دارند ، ماذون به اظهار کردن نیستند که باید مقدم به دولت متبوعه خود بیان کنند ؛ دولت هم معلوم نیست چه وقت مصلحت بداند اشاعه بدهد . چنانچه در ماموریت مهمه اولی که آقای میرزا غفارخان جلال السلطنه وزیر مختار ایران به اتفاق آقای

۱. همان ، ش ۸ ، س ۲۲ ، بهمن ۱۳۰۴ ، صص ۱۲ و ۱۳

۲. همان ، ش ۱۴ ، س ۲۲ ، اردیبهشت ۱۳۰۵ ، ص ۲۳

هویدا میرزا حبیب الله خان ، با [طی] مقامات طاقت فرسا به جا آوردند ما از مجاری مفاوضات ایشان مطلع نگشتیم مگر به طریق اختصار و موکول به اشاعه دولت ایران شد که هنوز به ما نرسیده و از طرف هند و بنادر و جزایر از ما مستفسرند.^۱

[مدرک شماره ۳۱]

(محرومات در مکه)

پس از عودت آقا میرزا حبیب الله خان هویدا ال رضا قونسول جنرال ایران از مکه ، جراید برخی اشهرات نقل از ایشان داده و میدان تازه و تاخت اعتراضات را وسیع نمودند و حکومت مصر ناچار شده بیاناتی که از ایشان مشهور گردیده بود را تلگرافاً از حکومت حجاز استفسار کرد . معلوم شد تحقیقات آقای هویدا صحیح و مقرون به صحت بوده و ابن السعود ملک حجاز به حکومت مصر ابلاغ نمود که با شرایط سه گانه ذیل حجاج و محمل مصری باید به مکه بیایند :

- (۱) کلیه حجاج باید از استعمال دخانیات (قلیان و سیگار و چاق و وافور کشیدن) ممنوع و نباید بکشند .
- (۲) کلیه حجاج نباید تکریم و تعظیم از قبل بوسیدن و دست کشیدن به مواضع مخصوصه (مانند پرده حرم و سنگ حجرا لاسود و سایر مجلات محترمه دینی) بنمایند و قطعاً این قبیل کارها ممنوع است .
- (۳) سوم موسیقی و موزیک که همه ساله با محمل مصری به مکه می رفت و به مواقع مخصوصه می نواخت در این وقت به کلی ممنوع است .

حکومت مصر سه گانه را نزد مفتی دیار مصر و شیخ الاسلام فرستاد و آنان فتوی در صحت مواد فوق داده و حجاج مصر و محمل مصر عازم حجاز شدند و با به جا آوردن شرایط سه گانه فوق . حالیه هموطنان ما این شرایط را به دقت بخوانند و اگر زمانی دولت ایران اجازه شان در مکه رفتن بدهد این شرایط و شرایط دیگری که متدرجاً خواهد شد در نظر بگیرند و عازم شوند .^۲

[مدرک شماره ۳۲]

منع حجاج ایرانی به مکه رفتن

در شماره دهم چهره نما بنا به اخبار وارده به جراید مصر از شام ، از ورود چندتن حجاج ایرانی به شام نگاشتیم ، اینک به قرار اخبار تلگرافی ، دولت علیه به سفارت ایران در مصر ، آقای میرزا غفارخان جلال وزیر مختار در جراید محلی مصر انتشار دادند که دولت ایران حجاج را از رفتن به مکه منع کرده و به نمایندگان خود در حدود و ثغور اطلاع داده که اگر کسی به مقصد مکه بوده او را به ایران باز گردانند و ایران تغییری در مسلک خود در خصوص سیاست با حجاز نداده

۱. همان ، ش ۱۵ ، س ۲۲ ، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۵ ، صص ۹ و ۱۰

۲. همان ، ش ۱۶ ، س ۲۲ ، اول خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۲۲

چهره نما:

ما اولیای دولت ایران را از این عزم وجدانه تهنیت می گوئیم و امیدواریم برادران وطنی ما قدری به مسلمانان هندوستان تاسی کرده و جان و مال خود را بی باکانه محض اشتهار حاجی شدن در کف دشمنان اسلام و مسلمانان نیندازند و از هم قلمان خود خواهش داریم که در قلم فرسائی رویه خدا و خلق پسندانه مدیر تحریر اخبار کهربار (سرفراز) هندوستان یگانه فاضل دانشمند امجد (خواجه امین الله) را در خصوص منع حجاج و ضربات و لطماتی که گروه وهابی ها در مکه و مدینه به اماکن مقدسه وارد آورده اند ، گرفته و ایرانیان را از مکنونات وهابی ها بیگانهانند و بدانند که ابداً خدا و رسول خدا به رفتن آنها به مکه و فایده رسانیدن به سکنه حجاز راضی نخواهند بود و ما عنقریب بقیه اخبار خرابی مکه و مدینه را انتشار خواهیم داد .^۱

[مدرک شماره ۳۳]

مراسله حجج اسلامیه هند کثرالله امثالهم

به پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاه ایران خلدالله ملکه

اعلیحضرت! شیعیان هند در خصوص معاملات ارض حجاز چند امور ضرور به عرض رسانیده و امیدوار توجهات ملوکانه می باشیم و از اسلام پروری و دین پناهی بندگان عالی ، فریادرسی و نصرت و دستگیری را امیدواریم.

اول اینکه ارض حجاز خصوصاً مکه معظمه که دارای مسجدالحرام و کعبه الله و دیگر آثار متبرکه محترمه است و مدینه طیبه که در آنجا مسجد نبوی و قبر مطهر آن حضرت و جنه البقیع و دیگر مقامات مقدسه است که در عقیده جمهور اهل اسلام مقدس و محترم و از شعائر الهیه می باشد . جمیع مسلمانان چه شیعیان و چه سنیان در آنجا مشترکاً حق اتباع دارند که هر فرقه و طائفه اسلامیه موافق احکام مذهب خود به جا آوری عبادات بکنند.

دوم مشاهد مقدسه معصومین و قبور ذری طاهره حضرت سیدالمرسلین خصوصیت خاصی به شیعیان دارد که شرف زیارت حاصل می کنند و در آنجا نماز می گذارند و دعاء می کنند و تعظیم و احترام آنها را وظیفه دینی می شمارند و از سنت عدیده نماز جماعت هم در حرمین دست گشاده به جا می آورند و با امن و امان در آسودگی از تقیه ، مناسک حج را به عنوان اختیار به جا می آورند و هیچ مزاحمتی در به جاآوری اعمال روا نمی داد و شیعیان هند و عراق و ایران را مانعی و مزاحمتی نبوده است.

سوم عقائد سلطان نجد ابن سعود بر تمام عالم واضح و روشن گردیده که عمارات و گنبدها را بر قبور محترمه جائز می داند و در عقیده اش انهدام آنها بهترین فرائض مذهبی می باشد . تعظیم و احترام مشاهد را حرام و بدعت می داند و تمام فرق اسلامیه را سوای فرقه خودش ، مشرک می گوید و بالخصوص با شیعیان

۱. همان، ش ۱۳، س ۲۳، اسفند ۱۳۰۵، ص ۱۴

دشمنی مخصوص دارد. زیارت قبور و نماز کردن در مقامات مقدسه و دعاء و استعانت و استشفاء را بدعت می گوید و به همین جهت از زمانی که بر حجاز استیلا و تسلط یافته ظلم ها از او به ظهور رسیده؛ چنانچه قتل عام طائف و شکستن قبه های محترمه و هدم مساجد و تذلیل و هتک زائرین و ممانعت از بوسه دادن سنگ اسود و ممانعت از صلوات فرستادن بر حضرت پیغمبر و آل او و امثال اینها، از شواهد صادقه می باشد. **چهارم** این سعود وعده کرده بود که بعد از طرد شریف، موتمر اسلامی را عنان حکومت حجاز تفویض خواهد کرد حالا خلف وعده نمود و خودش اعلان حکومت خود نموده و بیعت گرفته است. وعده کرده بود که مقامات منهدمه را تعمیر خواهد کرد حالا ملتفت نشده و آینده هم امید نیست که حکومت را به اهل حجاز تفویض کند و یا اصلاح مشاهد به عمل آورد.

پنجم آنچه از اسلاف او موافق عقیده های خودشان در عراق و حجاز به ظهور رسیده بود که یادآوری آن مظالم شدیده [بوده که] تا به حال چشم ها را گریبان و دلها را بریان می کند. خودش و اتباعش بر همین روش راسخ القدم می باشند و برای آینده خطرات عظیمه در پیش [است] که اگر چند روز به مصالح سیاسی سکوت هم کند بعد تسلط تام بالضرور به عمل خواهد آورد و لازم مذهب خود را هرگز ترک نخواهد کرد.

ششم در کتاب هدیه سنیه که در مطبعه المنار مصر به حکم سلطان ابن سعود در سنه ۱۳۴۲ هجری شائع شد در صفحه ۴۴ مرقوم است و لاتفکر علی من تلد احد الاثمه الاربعه دون غیرهم لعدم ضبط مذاهب الغیر کالرأضه و الزیدیه و الامامیه و نحو هم لا فقرهم علی شیئی من مذاهبهم الفاسده بل فجر هم علی تقلید احد الاثمه الاربعه

و در صفحه ۶۸ نوشته من قال لاله الاالله محمد رسول الله و هو مقیم علی شرکه یدعو الموتی ویکم قضا الحاجات و تفریح الکربات فهذا کافر مشرک حلال الدم و المال و ان قال لاله الاالله محمد رسول الله و صلی و صام و زعم انه مسلم

هفتم ارکان جمیعہ خلافت و ارکان جمیعہ العلماء که در هند می باشند، اکثرشان وهابی مذهب اند [ولی] باوجودی که در حمایتش هرچه توانستند جد و جهد کرده اند از اعلان مسئولیت و اخذ بیعت، مضطرب و پریشان شده اند.

هشتم زمانه حج به گاه قریب رسیده و مردم در این مسئله خیلی سراسیمه و حیران اند که با وجود امور مذکوره، در به جاآوری فریضه حج چه سلک اختیار کنند؟ اگر نمی روند از فریضه مذهبی محروم می مانند و اگر روند خطرات عظیمه در پیش دارند.

نهم دولت بریطانیه عظمی تا به حال اعلان می کند که ما هیچ مداخلتی در معامله حجاز و ابن سعود ندارم ولی مشکل است دولت مذکوره درین خصوص فریادرسی ماها بکند و آبی بر روی کار آرد که سرمایه اطمینان بوده باشد.

دهم حالا تمامی چشم امید ماها وابسته به دامن اسلام پروری دولت علیه ایران است که خلفا عن سلف همیشه پشت و پناه اسلام و سامی و ناصر دین حضرت خیرالانام و محافظ مذهب و شریعت غرا و حامل

لواى اعلاء كلمه ملت بيضا بوده است و درين خصوص امتياز خاص براى او حاصل و بلکه فخر و مباحات برين مقصد اعظم جائر و سزاوار مى باشد . حالا وقت است که یک قوت قاهره برانگیخته شود و اسلام را از خطرات وارهاوند و حسب وعده هاى ابن سعود ، او را برترک حجاز مجبور نمايد تا عنوان سلطنت را بر راي اهل حجاز واگذارد. اندکى قبل وفد ايران حجاز رفته و مراجعت هم نموده ولى حالا یک قلم عالم سکوت به نظر مى آيد و احتمال مى رود که شايد وهابى هاى هند و جميعه الخلافه و غيره گول زده و اطمینان داده اند غلط کارى و تدليس و تلبیس کرده اند و چنان تدابیر کرده اند که از اقدامات دست کشیده و معامله را سبک فهمیده و ساکت گردیده اند که از هيچ جا صدایى برنمی خيزد و جنبشى به عمل نمی آيد.

اعلیحضرتا بعد تمهید مذکور به کمال ادب به خدمت بندگان سلطانی که در علو همت و حسن تدبیر و عزم راسخ و اصابت راي و کمال سیاست ، فرد فرید و وحید عصر مى باشند عرض داريم که راهى برای استخلاص حرمین از تسلط اهل نجد پیدا فرمایید و از راه نصرت دین و از راه حمایت اسلام و از راه محافظت شریعت مقدسه ، ترحمی بر ما مسلمانان عموما و بر حال شیعیان خصوصا فرموده ، فعلا انتظامی به دست آرند که هر کسى موافق احکام مذهب خود ، مناسک حج و اعمال زیارت را آزادانه به جا آوردن بتواند و از تعدی هاى اهل نجد نجات یابد .

اعلیحضرتا! چاره کارى نداريم و از ماها هيچ نمی بندد و نمی گشاید . حقوق ماها پایمال و عبادات ماها معطل. مشاهد مقدسه در بيم و راه خاطر بلکه جان و مال و دین و مذهب همه در خطرات عظیمه افتاده . تمام اميدهاى ماها وابسته به سلطنت ايران و بعد از آن سلطنت کابل است . ديگر چه عرض شود . آفتاب عظمت و اقبال شاهانه دائم الطلوع باد به حق محمد و آل محمد و آله سید نجم الحسن عفی عنه ، حسین عفی عنه، محمد باقر الرضوى عفی عنه

[هفته نامه] جبل المتین

مراسله فوق را حضرات حجج اسلاميه هند به ذریعه آقای بهنام قونسل جنرال بمبئی به پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاهی تقدیم نموده اند . آقایان حجج اسلاميه هند علاوه بر نفوذ کلمه که بر کلیه شیعیان دارند نزد تمام فرق اسلاميه هند محترم و دولت انگلیس نیز با نظر خیلی معززانه به ایشان مى نگرد . مسلم است که اعلیحضرت شاهنشاهی هم باید به مطالب ایشان که در حقیقت نماینده بیست میلیون نفوس شیعه اند ، توجه مخصوص مبذول دارند .

این نکته را نیز ناگفته نمی گذاريم که حجج اسلاميه هند بر خلاف روحانیان ايران ، ابدا در سیاسیات دخالت ندارند و هم شان مصروف است ترویج احکام شرعیه [است] و خدمتی که این آقایان به اسلام و اسلامیان نموده و مى نمایند مافوق آن است که در این مختصر بگنجد و در حقیقت این اقدامی را هم که فرموده اند از روی وظایف مذهبيه بوده است . باید دانست که علقه مذهبی مربوط به سیاسیات نیست و روحانیین هر مذهب علاقه تام به اجرای احکام مذهبی خود داشته و باید هم داشته باشند و از این است که اگر اندک دخالتی در امور مذهبی یک نفر مسیحی بشود تمام عوالم مسیحیت به جنبش آمده و در حفظ

حقوق آن می کوشند. اعلیحضرت شاهنشاهی، امروز قائد بر چهار صد ملیون نفوس اسلامیة عالمند و نظر عموم مسلمانان چنانچه حجج هندوستان نگارش فرموده به دو دولت اسلامی ایران و افغان متوجه است البته ریاست و قانندی اسلام هم مقتضی است که در حفظ حقوق اسلامیان بکوشند.

در موضوع ابن سعود آنچه باید حبل المتین بنویسد نوشته و شاید چندان محتاج به تکرار نباشد. ابن سعود پیرو مذهب آبائی خویش است و قطعاً پس از استیلای کامل همان خواهد نمود که آبا و اجدادش نمودند. تمام مواعید وی عرقوبی بوده و هست. اگر چه دولت انگلیس می گوید که در معاملات مسلمین و مقامات مقدسه اسلامیة دخالت نمی نماید ولی بر هیچکس پوشیده نیست که امید و اعتماد ابن سعود به دولت انگلیس است. عقیده ما در موضوع حکومت حجاز همان است که نگاشته ایم ولی فعلاً برای رفع تکلیف از حجاج بیت الله اعم از شیعه و سنی لازم است که در تهران به فوریت مجلسی تشکیل دهند از نمایندگان افغانستان و مصر و نماینده وزارت خارجه ایران و یک تصفیه قطعی در استراحت و آزادی حجاج نموده رسماً به ابن سعود اطلاع بخشند. امروزه موقع آن رسیده است که دول ایران و افغان و مصر بیرق حفاظت حقوقی مسلمانان عالم را بلند نموده و ملجأ و پناهی برای اسلامیان دنیا ظاهر سازند.

خوب است علمای اسلام اعم از شیعه و سنی متحد آمده نیز تلگرافی مبنی بر استدعای خودشان به اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی و اعلیحضرتین امیر امان الله خان و سلطان فواد اول بدهند. ظاهر است که امروزه اقدامات انفرادی دارای چندان اهمیت نتواند بود ولی به هیات اجتماع خیلی کار از پیش تواند رفت. خوب است که حجج اسلامیة شیعه و علمای جلیله سنت و جماعت در لکهنو یا نقطه دیگر در همین موضوع اجتماع نموده و عاجلاً به تهران و کابل و مصر تلگراف فرمایند تا قبل از موسم حج شاید بتوان یک تصفیه موقتی با ابن سعود نموده و تاسیس در موضوع تشکیل حکومت دائمی حجاز تصفیه قطعی بنمایند. چون جمهوری ترک در این گونه معاملات دخالت نمی نماید از اینرو اسمی از وی نبردیم و اگر ترکیه نیز شامل گردد نور علی نور. نماینده دولت ثلاثه اسلام یعنی افغان و ترک و مصر در تهران موجود و به سرعت می توان یک گونه تصفیه موقتی برای حجاج نمود و این اقدام منافی با مصالح حکومت هند نیز نمی باشد. چه حکومت هندوستان رسماً بی طرفی خود را اظهار داشته و مسلمانان لاملجا گردیده ناچار به دول اسلامیة مراجعه نموده اند. در آن موقع دول اربعه اسلام اگر صلاح دیدند از نماینده انگلیس در تهران هم نیز در این موضوع اطمینان در عدم مداخلت بنمایند.

این اقدام علمای اسلام نه چندان دشوار است و نه مصارف فوق العاده به وی مترتب می شود و این اصول عملی و دارای بسی اهمیت است و مقدمه حل مشکلات حکومت حجاز در آینده تواند گردید. هر اقدامی که علمای اعلام در این موضوع بنمایند حبل المتین و کلیه جراید اسلامیة ایران و افغان و مصر موید ایشان خواهند بود. این نکته نیز مخفی نماند که چنانچه به طریق رسمی اطلاع حاصل شده دولت علیه ایران به مامورین داخلی و خارجی خود جدا امر فرموده که نه تذکره برای حج بدهند و نه به هیچ تذکره ویژه کشند و این امر برای آن است که بدواً یک تصفیه قطعی برای استراحت و آزادی حجاج با ابن سعود بنمایند و از آن بعد حجاج را اجازه سفر مکه بخشند. اینک که حجج اسلامیة به نمایندگی شیعیان

هندوستان در این موضوع متوجه به دولت علیه شده اند ، لازم است پیروی از مسلک دولت ایران نموده و تا وقتی که رسماً اجازه به رفتن حج ندهند آنها نیز تامل کنند و ما ذمه داریم که به مجرد تلگراف رسیدن اجازه سفر حج به نماینده اول ایران آقای نبوی ، تلگرافاً حجج اسلامیه را اطلاع بخشیم و در حبل المتین هم اشاعه دهیم اگر حجج اسلامیه هند و علمای سنت و جماعت هم اتفاقی نموده و موقتا تا تصفیه قطعی دولت علیه ، آنها را هم از رفتن حج باز دارند مزید بیش رفت امر تواند گردید.^۱

[مدرک شماره ۳۴]

مجلس خلافت در مصر

در هفته گذشته مجلس خلافت که عبارت از شیخ ابوالفضل مقتی دیار مصر و سایر علماء اعلام و مشایخ و قضات گرام بود ، تشکیل و بحث از خلافت و تعیین خلیفه شد و موکول به مجالس بعد گردید.^۲

[مدرک شماره ۳۵]

هندی ها و سیاست ابن سعود در حجاز

در اوایل این هفته نمایندگان (جمعیت خدام حرمین شریفین) از حجاز مراجعت کرده و وارد مصر گردیدند . این نمایندگان برای رسیدگی به انتشاراتی که جراید راجع به رفتار وهابی ها در حجاز می دهند از بمبئی حرکت کرده و ضمناً برای مساعدت به اهالی ، اعانه هائی هم همراه داشته اند ولی چیزی که موجب تعجب عموم مسلمین گردید این بود که چند روز بعد از وصول وفد ، تلگرافی از جانب حکومت حجاز در عالم منتشر گردید که نمایندگان (خدام حرمین) از حدود خود تجاوز کرده و در حجاز مشغول القاء فتنه بودند و به این واسطه حکومت جدید حجاز مجبور به تبعید ایشان گردید .

دو روز بعد از این تلگراف دیگری منتشر شده و هیات نمایندگان را به بدترین صفاتی معرفی می نمود . وقتی که نمایندگان وارد مصر شدند هیچ از این دو تلگراف خبر نداشته و چقدر تعجب کردند که ابن سعود چگونه نکات جهانگیری را یاد گرفته است .

نمایندگان روز دوم ورود خود به مصر بیانیه انتشار داده و غرض اصلی خود را از مسافرت به حجاز و کیفیت رفتار حکومت جدید را با ایشان بیان نمودند . گویا جمعیت با سلطان (ابن سعود) در خصوص عاقبت حجاز و آزادی مذاهب مذاکره کرده و چون سلطان از راه دلیل و برهان عاجز شده است به قوت متوسل شده و امر به تبعید ایشان داده است .

به عقیده این نمایندگان حجاز باید از دست ابن سعود بیرون رفته و اداره آن به خود اهالی واگذار شود و

۱. هفته نامه حبل المتین کلکته، ش ۱۰، س ۳۴، ۲ فروردین ۱۳۰۵، صص ۸-۶

۲. هفته نامه چهره نما، ش ۱۰، س ۲۲، اسفند ۱۳۰۴، ص ۲۱.

ملک علی را برای پادشاهی حجاز سزاوار می دانند . (نداء الشعب) ^۱

[مدرک شماره ۳۶]

کنگره خلافت

از مطبوعات ترک [به نقل از جریده وقت چاپ مصر] امروز کنگره خلافت که می خواهد در قاهره منعقد شود فکر اغلب ممالک اسلامی را به خود متوجه کرده و کمتر جریده اسلامی مخصوصا جراید مصر و سوریا دیده می شود که یکی دو ستون آن ، راجع به خلافت نباشد .

جراید ترکیه هم در این قضیه از جراید مصر و سوریا عقب نمانده و راجع به هر خبری که در این موضوع به ایشان می رسد مفصلا اظهار عقیده می نمایند و اینک ما خلاصه مقاله ای که جریده (وقت) در تحت عنوان (مشایخ مصر کار می کنند) نگاشته است را نشر می دهیم :

" شیخ جامع الازهر با این دعوت نامه که به اطراف می فرستد ، توانسته است شهرت خوبی تحصیل نماید . در حینی که شیخ (الازهر) مردم را به عقد کنگره خلافت در قاهره دعوت می نماید جمعیت خلافت دیگری با یک جدیت و همت فوق العاده ، مسلمانان را به تشکیل کنگره در مکه دعوت می نماید . مقصود این جمعیت این است که عملیات کنگره خلافت مصر را خنثی نماید .

وقتی روش این دو جمعیت را با نظر دقت بنگریم می بینیم علمای مصر به دو موج مختلف خدمت می کنند که معلوم نیست چه دستی آن دو موج را ایجاد نموده است .

یک موج دیگری نیز موجود است و آن عبارت است از طرفداران (سید عبدالرزاق) قاضی [شهر] منصوره که با دلایل علمی و براهین منطقی ثابت نموده است که مسئله خلافت مستند به آیات قرآنی نیست و در نتیجه مشایخ الازهر او را از سلک علماء اخراج کرده اند .

روزنامه (السباسب) منطبعه مصر نیز انعقاد شدید الحنی در این موضوع نگاشته و می گوید : علمای مصر حق دخالت در این موضوع ندارند و کاری که تا کنون کرده اند فضولی بوده است و نظر در یک چنین مسئله مهمی از وظایف مجلس شورای ملی است .

به عقیده ما (جرید وقت) علمای مصر از پیش خود این فکر را نکرده و قربه الی الله خود را برای یک چنین کاری حاضر نموده اند . بلکه یک دست^۲ که می خواهد آمل میلیون مصر را پایمال نماید ، ایشان را بر این اقدام واداشته است .

اما جوابی که علمای مصر به جریده السباسب داده اند « که مسئله خلافت یک مسئله مذهبی است و وظیفه علمای دین است که در آن دخالت نمایند . »

۱. روزنامه اقدام، ش ۵، س ۵، ۱۷ فروردین ۱۳۰۵، ص ۴.

۲. در اصل نقطه چین.

جوابی منطقی به نظر نمی رسد زیرا ما می بینیم از روزی که اعلان الغای خلافت داده شده است تا کنون مسلمانان امت توانسته اند با کمال آزادی وظایف مذهبی خود را ادا کرده و احساس هیچ احتیاجی به خلیفه ننموده اند.^۱

[مدرک شماره ۳۷]

کنگره خلافت اسلامی

گراور فوق عکس اولین جلسه کنگره خلافت اسلامی است که در مصر تحت ریاست شیخ جامع الازهر بزرگترین علماء مصر در ۱۳ ماه مه ۱۹۲۶ مطابق ۳۰ شهر شوال ۱۳۴۴ تشکیل گردید و نمایندگان اسلامی نه مملکت از قبیل تونس ، فلسطین ، روسیه ، موصل ، هندوستان و غیره حضور داشتند و چندین جلسه دائر نموده و هر چند موفق به اخذ نتیجه مثبتی نگردیدند ولی از این نقطه نظر قابل اهمیت است که قدم اول را در موضوع مهم خلافت اسلامی برداشته و توانستند عده زیادی از مسلمانان ممالک مختلفه را در یک مجلس جمع آوری نموده و وسیله شناسائی و نزدیکی اقوام مسلمان به یکدیگر گردند و نیز شالوده اجتماعات آینده را در هر سال ریخته و ممکن است در آتیه نتیجه مطلوبی تحصیل کنند ؛ مخصوصا در مقابل کنگره ای که وهابی ها در مکه معظمه دائر نمودند ، وجود کنگره مصر لازم بود . شرح مذاکرات و جریانات جلسات مزبوره مفصل است ما خلاصه آن را بدون تنقید و تمجید و اظهار عقیده ، برای اطلاع مسلمانان ایران درج می نمائیم.^۲

[مدرک شماره ۳۸]

نتیجه کنگره خلافت مصر



کنگره خلافت اسلامی

رئیس جامع الازهر در اولین جلسه کنگره که در تاریخ ۱۳ مه منعقد گردیده پس از اجرای مراسم معموله از اهمیت خلافت بحث نموده و اظهار داشته که خلافت موجب ترقی اسلامیت بوده و در اتحاد مسلمین اثرات مهمی خواهد داشت بنابراین لازم است مسلمین مسئله خلافت را موافق احکام دین و شکل دولتی که تشکیلات آن را قبول نموده اند حل کنند .

بعد از نطق رئیس جامع الازهر ، مدعوین را مصرف غذا دعوت می نمایند .

۱. روزنامه اقدام ، ش ۱۷ ، ص ۵ ، ۲ اردیبهشت ۱۳۰۵ ، ص ۱
۲. روزنامه ایران ، ش ۲۱۶۱ ، ۳ مرداد ۱۳۰۵ ، ص ۱

جلسه دوم کنگره خلافت در ۱۶ مه منعقد گردید. در این جلسه مراد افندی مفتی شهر حیفاً از اینکه نمایندگان جراید را به کنگره دعوت ننموده بودند، اعتراض نموده و اظهار داشته: بایستی جراید، افکار عموم مسلمین را از وضعیات کنگره مستحضر بنمایند و دعوت شوند و در ضمن علت این عدم دعوت را سؤال نموده است.

در جواب مشار الیه اظهار شده که چون میان ارباب جراید هم مسلم و هم مسیحی هستند و استثناء در این دعوت خوب نبوده لذا فقط به ارسال تبلیغ به آنها اکتفا شده است.

شیخ ثعالی نماینده تونس این بیان را رد کرده و گفته است که مسائل موضوع بحث کنگره چیز مخفی نمی باشد.

بیانات او را سید خطیب نماینده عراق تایید نموده ولی علماء الازهر اعتراض کرده و در خواست نموده اند که این مسئله به کمیسیون ۱۳ نفری کنگره محول شود.

بعد دو هیئت برای مذاکره در خصوص تعیین ماهیت خلافت و وجوب و شرائط آن و اینکه ممکن است خلافتی مطابق این شرایط به وجود آورد و اگر ممکن نیست چه بایستی کرد و در صورت انتخاب شخصی به خلافت از طرف کنگره، این تصمیم به چه شکلی اجرا خواهد شد، انتخاب و تعیین شده و جلسه دوم خاتمه یافت.

در ۱۷ مه کمیسیون ۱۳ نفری تشکیل یافته و مسائل علمی و اداری را تحت تدقیق در آورده و سر هر مسئله مناقشات طولانی رخ داده و درباره مسئله انتخاب وکیل برای ریاست کنگره مذاکرات زیادی شده و بالاخره چنین قرار شد که رئیس کنگره هر کسی را بخواهد می تواند به وکالت انتخاب نماید. سپس مسئله علنی بودن جلسه مطرح شد. در حین این مذاکره شیخ حسین والی از نمایندگان مصر و عنایت الله خان نماینده هند به شدت به علنی بودن جلسه اعتراض کرده و چون شیخ «ثعالی» تنها مانده بود لذا مخفی بودن جلسه به اکثریت تصویب می شود.

جریان مهم این جلسه نطق مفصلی است که عنایت الله خان هندی ایراد نموده و یک ساعت طول کشید. مشار الیه در نطق خود پیشنهاد نموده که مسئله خلافت به تاخیر افتاده ولی یک هیات دائمی خلافت تشکیل شود و برای ادامه فعالیت این هیئت یک مؤسسه مالی به وجود بیاید. بعد چنین بیان نمود که نص صریحی در اسلام برای تفویض خلافت به یک فردی وجود نداشته بلکه خلافت، خلافت اقوام می باشد و در خاتمه نطق خود در خواست نموده که مذاهب حنفی، شافعی، حنبلی و مالکی و همچنین طریقت هائی مانند قادری و نقشبندی کاملاً لغو گردد.

قبل از اینکه هیات علمی «یازده نفری» شروع به تدقیقات علمی نماید شیخ عبیدی مفتی موصل سؤالات ذیل را نموده است: «آیا تدقیقات علمی تقلیدی و یا اجتهادی بوده؟ یعنی آیا فقط به مراجعه به آثار متقدمین اکتفا شده یا اینکه هر کسی پس از تدقیق و استقراء قناعت حاصله خود را اظهار خواهد کرد؟»

در جواب این سؤالات، از طرف اعضاء هیات اظهار شد که تدقیقات از روی تقلید خواهد بود بنابراین

شیخ عبیدی نیز در خواست نمود که در آن صورت بایستی نصوص عیناً تثبیت گردیده و ماخذها ارائه شود. بالاخره شریط ذیل در حق خلیفه تثبیت گردید: خلیفه باید مسلمان بوده. عدالت را اجرا نموده. صاحب علم و دارای حواس و اعضاء سالم و جسور بوده. دین را حمایت کرده و با کفار جهاد کند. دو هیات که مسئله امکان و عدم امکان به وجود آوردن خلافتی که دارای چنین شرائط بوده باشد و در صورت عدم امکان آن چه بایستی کرد را مطرح می نمود و چون به عدم امکان آن، معتقد گردیدند قرار شد که هر سالی در یکی از ممالک اسلامی کنگره ای منعقد کرده و مجدداً این مسئله را مطرح و افکار عموم مسلمین را تحت دقت در آورند. این بود خلاصه فعالیت کنگره خلافت مصر که بدین ترتیب منحل گردید.^۱

[مدرک شماره ۳۹]

عودت محمل و سایرین از حجاز و معلومات مهمه

خدای شکر که مسافرت های آقای میرزا غفارخان جلال وزیر مختار ایران و آقای میرزا حبیب الله خان هویدا جنرال قونسول ایران به مکه و مدینه و راپورت های محققانه آنان به دربار ایران و امتناع آقای میرزا فرج الله خان مستنصر السلطنه [از رفتن] به حجاز و علت نرفتن آن به دلیل منطقی، بر عالمیان ثابت و محقق کرد که سلطان عبدالعزیز ابن سعود رئیس وهابی ها ابداً پایبند هیچ گونه معاهده و قول دادن نبوده، چنانچه پس از رسیدن محمل به مکه، اتباع او فریاد برآوردند که (هیل) یعنی بت رسید و بنای سنگ و کلوخ اندازی را گذارند که منجر به دفاع از امیر حج شد و ثابت شد که وهابی ها هیچ به بقعه و ضریح و محجر و علامت از بقاع شریفه و اماکنه متبرکه در مکه و مدینه باقی نگذاشته و تمامی را خراب و با زمین پست کرده اند و اکنون چیزی که در مکه و مدینه باقی مانده حرم محترم کعبه و بقعه پاک سید لولاک حضرت ختمی مرتبت در مدینه که در جوار آن حضرت قبور شیخین خلیفه اول و خلیفه دوم رضی الله تعالی عنهما بوده و وهابی ها پس از اتمام فرایض حجاج در مدینه در فکر خراب کردن بقعه و گنبد و بارگاه حضرت پیغمبر و شیخین بوده اند و مسلماً بدین کار شنیع اقدام نیز خواهند کرد. متأسفانه به جز دولت ایران، هیچ یک از دول اسلامی به تجاوزات متجاسرانه وهابی ها پرتست ننموده که آن هم نتیجه ای حاصل نکرد و نخواهد نمود زیرا گفته اند (جواب نا خدا با نا خدا توپ است در دریا)^۲

[مدرک شماره ۴۰]

اهانت وهابی ها

از قرار اطلاع واصله محمل مقدس در مراجعت از مکه به واسطه خوف و خطر در راه مدینه، از مسافرت

۱. همان، ش ۲۱۶۱، ۳ مرداد ۱۳۰۵، ص ۳

۲. هفته نامه چهره نما، ش ۳، س ۲۳، مهر ۱۳۰۵، ص ۶

به آن شهر مقدس منصرف و در ۱۷ ژوئیه با مراسم معموله و پذیرائی و احترامات زیاد محمل را به مصر وارد کردند. به علاوه محمل در مکه معظمه دچار اهانت شده و علی‌الرسم بعد از مراجعت از مناء محمل را در حرم گذاشته و مردم برای تبرک و میمنت در اطراف آن اجتماع می‌کردند. وهابی‌ها این امر را بدعت فرض کرده و به هیجان آمده، ابن سعود پسر خود را با مشاور خود «حافظ وهبه» نزد امیرالحاج فرستاده و اظهار داشته که لازم است محمل را در یکی از حجرات گذاشته درب را ببندند که کسی نتواند دسترسی داشته باشد.

در نتیجه مذاکرات و مباحثات قرار می‌شود که پرده روی محمل کشیده و آن را پنهان نمایند. گرچه بدو قبول نکرده ولی بالاخره پذیرفتند. در مسئله تقسیم وجه خیریه، بین رؤسا حجاج مصر و ابن سعود اختلافاتی واقع شده و از ۴۲ هزار لیره که برای تقسیم بین فقراء برده بودند فقط چهار صد لیره تقسیم نمودند و بقیه وجه را برگردانیده زیرا ابن سعود تقاضا کرده تمام وجه را به ایشان بدهند که توسط خود او تقسیم گردد.

ادیب بیگ نماینده ترکیه و ژنرال غلام جیلانی نماینده افغان از مکه معظمه مراجعت و ورود به مصر نمودند و پس از چند روز توقف به طرف اسلامبول حرکت کردند.

در موقع عبور محمل از مکه به مصر وهابی‌ها در صدد اهانت به محمل برآمده و بعضی اظهارات سوئی نموده و بنای حمله را به محمل گذارند. ابتداء خاک و سنگ به محمل پرتاب می‌کرده و چون عده حجاج که قریب شصت هزار جمعیت بوده در مقام جلوگیری بر آمده جنگ بین آنها شروع می‌شود و بدو تیر از طرف وهابی‌ها به سمت حجاج خالی شده و در نتیجه جنگ، قریب ۲۵ نفر از وهابی‌ها یا چهل مقتول گردیده و نیز تلفات زیادی [از سوی اتباع] ابن سعود به محمل در محاربه آمده، شاید جلوگیری کند ولی وهابی‌ها اعتنائی نکرده و مشغول تهاجم بودند. بالاخره ابن سعود شخصا با شمشیر برهنه به میدان آمده ما بین طرفین ایستاده و مانع از جنگ شده است از عده وهابی‌ها که مقتول گردیده پنج نفر از شیوخ بوده که یکی از آنها همان شخصی است که مامور تخریب بقاع و قبور متبرکه و جسارت به مقبره حضرت رسول صل الله علیه و آله بوده است.

[مدرک شماره ۴۱]

جمعیت خلافت مکه بعد از کنگره مصر

امروزها کمتر روزنامه اسلامی است که یکی دو ستون خود را صرف موضوع خلافت نکرده باشد. قبل از این، اراء و نظریات علاقه مندان به موضوع خلافت فقط در اطراف کنگره مصر دور می‌زد ولی امروز بیشتر انظار متوجه مؤتمر (کنگره) مکه گردیده و آنچه قلم فرسائی شده و حدس زده می‌شود در اطراف این مجمع است. البته جراید عربی بیش از سایرین به این مسئله اهمیت می‌دهند زیرا موضوع خلافت گذشته

۱. روزنامه ایران، ش ۲۱۹۲، ۱۱ شهریور ۱۳۰۵، ص ۱

از اینکه یک قضیه ای است مذهبی تماس تامی به قومیت عرب دارد ولی بدبختانه به واسطه تشعب و انقسامی که در بین عربها موجود است، لهجات جراید هم مختلف است و کمتر می توان از خلال سطور آنها به حقیقت پی برد.

قاعدتا باید مطبوعات مصر بیش از دیگران طرف اعتماد باشند ولی آنها هم بدبختانه به واسطه تشکیل کنگره خلافت در مصر، نمی توانند از احساسات دور شده و فقط حقیقت را رعایت کنند. این است که به جراید مصر هم نمی شود تا آن اندازه در این موضوع اعتماد نمود. زیرا خود آنها هم به واسطه اختلافات سیاسی که بینشان موجود است در این قضیه کاملا بر ضد همدیگرند. مثلا جریده السیاسه که از مهمترین جراید مصر است به واسطه فتوائی که یکی از اعضاء حزبی او داده است و خلافت را یک مسئله سیاسی و دیانت را از آن مبرا می داند اصلا موضوع خلافت را طرف تمسخر قرار داده و هر جمعیتی که راجع به این موضوع تشکیل شود را انتقاد می نماید.

سایرین نیز آنکه موافقینش در این مجمع شرکت دارند این موضوع را رکن مهم دین دانسته و کنگره مکه را (شق عصای مسلمین) نام می دهد. جراید بین النهرین هم که اگر با کنگره مکه اظهار موافقت نمایند در همان روز توقیف خواهند شد.

چیزی که تاکنون دستگیر ما شده این است که جمعیت قاهره پیشرفتی نکرده و اغلب ملل اسلامی از عضویت آن امتناع ورزیده اند و به این واسطه بیشتر انظار متوجه جمعیت مکه گردیده است. کنگره مکه نیز هنوز تشکیل نگردیده و گویا انعقاد آن به تاخیر افتاده است از عللی که برای این تاخیر ذکر می شود یکی این است که نمایندگان که برای شرکت در آن اعزام شده بودند، قبل از ماه عید نتوانسته اند به محل مقصود برسند و اکنون هم باید به ادای فریضه حج بپردازند.

از مللی که شرکت در این کنگره نکرده اند به علاوه دولت ایران، مصر و شام و یمن و بین النهرین می باشند. علت عدم شرکت شام را هنوز نتوانسته ایم بفهمیم ولی مصر به این واسطه شرکت نکرده است که این سعود سلطان حجاز از اعزام نماینده به کنگره قاهره امتناع نموده است. یمن هم به واسطه اختلافی است که امام یحیی با ابن سعود دارد. بین النهرین که به طریق اولی نباید این کار را بکند زیرا خانواده شریف حکومت حجاز را حق شرعی خود می دانند.

چیزی را که باید متذکر شویم این است که ابن سعود اعلان کرده است که او حرف خلافت را ندارد و در صورتی که کلیه مسلمین به اتفاق آراء او را انتخاب کنند هم حاضر نیست این بار سنگین را به دوش بگیرد. این حرف تا چه اندازه راست باشد، معلوم نیست ولی اشخاصی که به روحیات ابن سعود و درجه زیرکی او پی برده اند می توانند به خوبی این حرف را باور کنند و بلکه غیر از این، از او انتظار ندارند. مگر آنکه حب ذات و جاه طلبی چشم او را بسته و به این امر وادارش کند.

خلاصه همان اختلافاتی که سابق به نام دیگری بین مسلمین موجود بود، هنوز هم موجود است و سودی که مخالفین اسلام تا کنون از این اختلافات برده اند، هنوز هم می برند.

این را فراموش کردیم که بعضی از نمایندگان کنگره مصر بی میل نبودند در جمعیت مکه حضور به هم

رسانند ولی از ترس اینکه شاید عقاید و آراء ایشان را محترم نشمارند و بلکه طرف توهین واقع شوند، از عزیمت به اراضی مشرفه صرف نظر نمودند.^۱

[مدرک شماره ۴۲]

مطالعات و افکار

تشکیل مجمع مهم اسلامی در حجاز، خودداری ابن السعود از قبول خلافت، اشتراک مسلمین هندوستان در مجمع اسلامی، علاقه اهالی عراق به سلطان حسین و بیعت به خلافت، خودداری حکومت مصر از مسئله خلافت، اعزام نماینده از طرف جمهوری ترکیه، آتیه حجاز و ...

در حینی که اهالی ایران برای مذاکره در مسئله هدم قبور ائمه (ع) مشغول تجمع هستند، اهالی مصر و یمن و شام و هند و عراق به مانند این امر مهم که عبارت از تشکیل مجمع اسلامی و انجام امر خلافت است گرفتار می باشند. اگر وهابیون مدافن مقدسه ما را ویران نموده و ما برای علاج این واقعه در تکاپو هستیم، دشمنان اسلام یک بنیاد عظیمی را که شاید از تخریب بهترین معابد، مهم تر است خراب و بی اثر کرده اند و آن عبارت از جامعه اسلام است. قبل از این مسلمین تحت یک لواء، که عبارت از خلافت بود، زیست می کردند و به همین واسطه مسلمان هندی با مسلمان عراقی و مصری و شامی و افغانی و قفقازی و جزائری یک رابطه اسلامی داشت و امروز آن رابطه مقطوع شده. مسلمین در همه جا متشتت و حرمین تحت تسلط بیگانگان و ریف تسلیم شده و جنگ مسلمین در سوریه بدون هیچ کمک و یاری در اشتعال است.

در قرون وسطی جنگ مهمی مابین مسلمین واقع شد و مسیحیان موقع را مغتنم شمرده و می خواستند به ممالک اسلامی حمله کنند. پس از شور در این امر یکی از پیران مجرب برخاست و دو سگ وحشی حاضر کرد و به جان یکدیگر انداخت. سپس گرگی آورد و نزدیک آن دو سگ رها کرد آن دو حیوان متفق شده به گرگ حمله بردند. آن پیرمرد گفت: همین طور که این دو حیوان در قبال حیوان بیگانه متفق شده اند مسلمین در قبال ما متفق خواهند شد.

هر چند که این مثل برای مسلمین شایسته نیست ولی حاکی از اتحاد و عظمت و ایمان و قدرت دیرین آنهاست. افسوس که آن عظمت امروز به ذلت و آن اتحاد و ایمان به تفرقه و نفاق مبدل گردیده زیرا اخلاق مسلمین فاسد شده. آن روز که هیچ است روزی بود که عده مسلمین بالغ بر سیصد و سیزده مجاهد بود و شاید بیشتر از سه شمشیر نداشتند ولی با قوه ایمان و با نیروی عزم فتح نمودند و رفته رفته نور اسلام سراسر گیتی را فراگرفت و تخت و تاج قیاسره و اکاسره را در هم شکست.

مسلمین با نعره الله اکبر ممالک عالم را مسخر نمودند و هیچ قوی در قبال ایمان و شجاعت آنها تاب نیاورد و شرق و غرب تسلیم آنان گردید. امروز عده مسلمین عالم متجاوز از سیصد ملیون است و با وجود

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۳۱، ۲۵ خرداد ۱۳۰۵، ص ۳

این به چنین ذلت دچارند. عوض هر یک مسلم یک میلیون مسلم هست و همه جاهل و غافل و بدخواه یکدیگرند. همان طور که قاندين اسلام با سرعت برق ممالک را تسخير می کردند امروز ممالک اسلاميه از دست می رود و هيچ متنفسی نیست. اگر باشد یک عده ملانما و ذاکر و درویش که از حقیقت اسلام بی خبرند به نام دین ارتزاق و روح جامعه را ضعیف می نمایند. افسوس و هزار دریغ که اسلام با این عده زیاد به غربت گرفتار است «بدء الاسلام غریبا و سيعود غریبا» دیگر از این غربت و ذلت بیشتر و سخت تر نیست. بر حسب اخبار جراید عربی، امام یمن تصمیم بر اشتراک در مجمع مهم اسلامی گرفته و قریبا نماینده اعزام خواهد داشت. همچنین ترکیه که خبر او را در شماره های قبل منتشر نمودیم و نیز شوکت علی رئیس احرار هندوستان مراسله با ابن السعود نگاشته وعده شرکت داده و می گوید: اکنون وقت این است که اتحاد اسلام برقرار شود ولی اهالی عراق عرب از اشتراک در این مجمع خودداری نموده اظهار می کنند که ما به سلطان حسین در موضوع خلافت بیعت نموده ایم. اما حکومت مصر نسبت به این اجتماع بدبین و مانع از اشتراک اهالی می باشند زیرا پادشاه مصر خود شخصا به خلافت میل دارد هرچند که دولت اظهار عدم مداخله در شئون خلافت می نماید ولی باطنا میل شدیدی دارد که خلافت را در مصر تمرکز دهد. در هر حال ما تمام این قضایا را ناشی از سیاست دیگران می دانیم که مسلمین عالم را متفرق کرده و هر روز یک نحو یک موضوع را مطرح می کنند. هر روز یک دسته و یک ملت ضد دیگری تحریک و از این تشتت و اختلاف و نفاق استفاده می نمایند.^۱

[مدرک شماره ۴۳]

انعقاد کنگره در مکه

لندن: کنگره " مطالعه وضعیت آتیه مشاهد متبرکه آئنده حجاز و خلافت امروزه " در مکه از طرف ابن سعود افتتاح شد. نمایندگان هندوستان، روسیه، جاوه، فلسطین، حجاز، مصر و سودان در کنگره حضور داشتند. شریف عدنان به ریاست انتخاب شد و سلیمان داود نماینده هندوستان به نیابت ریاست تعیین شد.^۲

[مدرک شماره ۴۴]

[گزارشی از کنگره مکه]

به طوری که اطلاع یافته ایم کنگره منعقد در مکه در تاریخ ۲۷ ذی قعدة اولین جلسه آن انعقاد یافته و پس از سه جلسه تعطیل و به بعد از عید اضحی موکول شده است از طرف دول ترکیه و افغانستان در کنگره نماینده خواهد بود.

و نیز به قرار اطلاعاتی که تحصیل شده دول مصر، یمن، عراق، تونس، الجزایر، طرابلس و مسلمین

۱. همان، ش ۲۱۹، ۱۱ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

۲. همان، ش ۲۲۷، ۲۰ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

لهستان دعوت ابن سعود را به کنگره رد کرده اند.^۱

[مدرک شماره ۴۵]

نمایند هند

مجمع خلافت هندوستان مقرر نموده که نماینده ای برای حجاز روانه کند و روابط مسلمین هند از این تصمیم معلوم می شود . چنان که ترکیه همین تصمیم را گرفته است.^۲

[مدرک شماره ۴۶]

عزیمت نمایندگان ترکیه و افغانستان

نظر به اینکه کنفرانسی در باب حل قضایای مکه معظمه و حجاز منعقد شده و نمایندگان کلیه دول اسلامی را دعوت کرده اند ، چند روز قبل نماینده دولت ترکیه و نماینده دولت افغانستان از ممالک خود به سمت مکه عزیمت کرده اند.^۳

[مدرک شماره ۴۷]

اسلامیات - خصوصی

روز ۲۶ ذی القعدة مجمع مهم اسلامی در مکه مکرمه افتتاح و تشکیل یافت. در آن مجمع پنجاه و نه نماینده از دول و ملل مختلفه اسلامی (ترکیه، قفقاز، هندوستان، جاوه، سوریه، فلسطین، نجد، حجاز، عسیر و وادی النیل) عضویت داشته . سلطان ابن السعود به اتفاق سه نفر از علماء مصر و دو نفر از علماء سودان و به معیت رشیدرضا صاحب مجله المنار ، به طور رسمی داخل مجمع گردید . شیخ حافظ و هبه ، مستشار سلطان ، خطاب به نام او انشاء و اشاره به اعمال سلطان حسین و اوضاع سابقه حجاز نمود سپس از مجاهدات اهالی نجد در فتح و تسخیر مکه تمجید و از اعضاء مجمع و نمایندگان دول ، توجه مخصوص به حال کنونی مسلمین و اهتمام به ترقی کعبه و ایجاد مدارس عالیه و نشر علوم و آبادی مرکز دیانت اسلام را تقاضا نمود و بعد اظهار کرد که نمایندگان در عقاید و افکار و تصمیمات خود کاملاً [آزاد] خواهند بود و باعث تشکیل این مجمع را که عبارت از تشنت و اختلاف مذاهب و تفرق ملل است، بیان کرد .

پس از انتهاء نطق ایشان ، اعضاء به انتخاب رئیس آغاز و شریف عدنان را به ریاست و سلیمان الندوی رئیس هیئت هندی را به نیابت ریاست و توفیق شریف رئیس نمایندگان عسیر را برای انشاء انتخاب نمود.^۴

۱. همان، ش ۲۳۴، ۲۹ خرداد ۱۳۰۵، ص ۲

۲. همان، ش ۲۱۸، ۱۰ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

۳. روزنامه ایران ، ش ۲۱۳۲ ، ۲۲ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۲

۴. روزنامه اقدام، ش ۲۳۹، ۵ تیر ۱۳۰۵، ص ۱

[مدرک شماره ۴۸]

کنگره مسلمین در مکه

مطابق راپورتی که از شامات واصل شده در کنگره مسلمین که برحسب دعوت ابن سعود قرار بود تشکیل شود نمایندگان اغلب ممالک اسلامی حاضر و کنگره در تحت ریاست یکی از علمای درجه اول وهابی ها تشکیل و بدون اینکه به اعتبار نامه نمایندگان ممالک رسیدگی شود شروع به مذاکره در باب مقدرات حجاز و تهیه پروگرام کنگره شده ولی به واسطه جنجال و مذاکرات خارج از موضوع ، موفق به اخذ نتیجه نگردید . احکامی که از طرف بعضی از علماء وهابی ها در باب تخریب بقاع متبرکه صادر شده بود مطرح و [علماء وهابی ها] دلائلی برای اثبات مقصد خود و لزوم خرابی بقاع متذکر [شدند که] از طرف بعضی نمایندگان اظهار تنفر به عمل آمده و مجلس بدون تجدید جلسه و اخذ نتیجه منحل گردید .

عین مذاکرات را طایفه وهابی در بعضی از جراید خارجه طبع نموده و عین راپورت از طرف وزارت امور خارجه برای کمیسیون وهابی ها که در مجلس شورای ملی منعقد می شود ، ارسال داشته اند.^۱

[مدرک شماره ۴۹]

راجع به کنگره مسلمین

از جده راپرت می دهند کنگره مسلمین که در مکه معظمه منعقد گردیده ، عده آنها هفتاد نفر وسمت نمایندگی هفده مملکت اسلامی را داشته . اعضای کنگره سه فرقه بوده که یکی از آنها مخالفین ابن السعود و دسته دومی مدافع مشارالیه بوده اند .

موضوع مذاکره راجع به آزادی مذهب در حجاز و کشیدن راه آهن بین جده و مکه و تقاضای الحاق عقبه و معان [به حکومت ابن سعود] ، جمع آوری اعانه و استخدام متخصص راه آهن از ترکیه و یک نفر مهندس زراعتی برای آبیاری و معماری از مصر و یک نفر متخصص مالی و استخدام طبیب و جلب اشخاص قانون دان برای وضع قوانین بوده است .

نمایندگان ترکیه و روسیه و ترکمنستان و افغانستان به کلی کماره نموده و در مذاکرات شرکت نکرده اند . نظر به اینکه راپرت هائی از ممالک اسلامی راجع به تبلیغات ضد وهابی ها واصل می گردید ، ابن السعود چند نفر نماینده به اطراف اعزام داشته من جمله سید رشید رضا را مبلغ هزار لیبره انگلیسی داده و برای تبلیغ عقاید وهابی و جلوگیری از عملیات مخالفین خود فرستاده و همچنین شیخ ابوزید را نیز هزار لیبره داده و برای همین مقصد به نقطه دیگری فرستاده است .

سواد راپرت فوق برای اطلاع کمیسیون حرمین در مجلس شورای ملی ارسال گردیده است.^۲

۱. روزنامه ایران ، ش ۲۱۵۹ ، ۲۴ تیر ۱۳۰۵ ، ص ۲

۲. همان ، ش ۲۲۰۷ ، ۳۰ شهریور ۱۳۰۵ ، ص ۶

[مدرک شماره ۵۰]

اسلامیات - نقل از (نداء الشعب)

دهمین جلسه مجمع بزرگ اسلامی پس از اداء فریضه حج در مکه مکرمه منعقد و جریان آن بدین طریق است :

امتیاز این جلسه به واسطه حضور و شرکت نمایندگان ترکیه و افغان بوده و پس از قرائت صورت جلسه قبل و تصویب آن ، رئیس مجلس شروع به تبریک ورود نمایندگان جدید نمود . آقای ثروت بیک رئیس نمایندگان ترکیه جواب رئیس را به لغت ترکی داد و آقای احمد ظاهر بیک به عربی ترجمه نمود . آن بدین مضمون است

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

خیلی متأسفم که دیر رسیدم و در جلسات قبل حاضر نشدم و عجالتاً سلام برادران شما را از ترکیه می رسانم . بر قانون اساسی شما مطلع شدم و آن را مضر به جمهوری ترکیه دیدم استدعا می کنم که انتقادات و مناقشات مرا در این موضوع به پذیرید .

خداوندا اعلی حضرت سلطان عبدالعزیز را برای انتقام از خائنین و تطهیر مملکت حجاز از لوث آنان برانگیخت و من به نام ترکیه از او تشکر و قدردانی می نمایم .

(مترجم : این جمله دارای اهمیت فوق العاده و قابل دقت است)

سابقاً ترک ها از دخول در حجاز خودداری می نمودند ولی همین که ابن سعود اراده دعوت نمود با نهایت خرسندی حاضر شدیم ما بدون اسلحه با کمال اطمینان وارد این کشور شدیم و دیروز در حرم مبارک دعا کردم که ایزد توانا سیادت و عظمت ابن السعود و حمایت حرمین شریفین تحت تسلط او را ادامه دهد چنانکه ترکها سابقاً به حمایت اماکن مشرفه موفق بودند . امیدواریم که این هیات محترمه برای حفظ و رفاه حجاج همواره مؤید و منصور باشد و از خداوند توفیق و صحت شما را مسئلت می نمایم .

رئیس نمایندگان افغان نیز چنین بیان نمود : من از طرف پادشاه افغان مامور تبلیغ سلام می باشم و امروز را روز فرح و سرور می دانم زیرا تمام ملل اسلام برای این مجمع بزرگ نماینده اعزام داشته اند .

[مدرک شماره ۵۱]

کنگره مکه

از بی سیم مسکو مورخه ۱۲ اکتبر ۱۹۲۶

اوفه- مفتی فخرالدین اف رئیس اداره روحانی مرکزی مسلمین اتحاد جماهیر شوروی در ضمن مصاحبه با نمایندگان جرائد شرح ذیل را بیان نمود:

در کنگره کل مسلمین منعقد مکه ۶۹ نفر که نماینده تقریباً تمام ممالک دنیا بودند ، حضور داشتند .

۱. روزنامه اقدام ش ۲۶۰ ، ۷ مرداد ۱۳۰۵ ، ص ۱

هیات های نمایندگان ترکیه و آذربایجان و هندوستان و مصر و جاوه و سوماترا و یمن و شام و فلسطین و ممالک دیگر در کنگره حاضر شدند. هیات نمایندگان مسلمین اتحاد جماهیر شوروی مرکب از هفت نفر بودند و رئیس این هیات به قائم مقامی رئیس کنگره انتخاب شده بود. هیات در تمام کمیسیون های کنگره نماینده داشت. لازم است که از جمله مقررات کنگره مکه، مسائل مصوبه ذیل را خاطر نشان کنم:

۱- اتخاذ اقدامات برای ترقی اوضاع صنعتی مکه و مدینه که همه ساله صدها هزار حجاج وارد این دو شهر می شوند.

۲- دعوت از مسلمین به جمع آوری اعانه برای احداث راه آهن بین مکه و مدینه.

۳- به نام تمام مسلمین از دولتیین فرانسه و انگلیس که به موجب حق قیمومت جامعه ملل در شام و فلسطین حکومت می کنند تقاضا شود که راه آهن حجاز را که با وجوه اعانه مسلمین دنیا تاسیس شده، به اختیار حجاز و کمیته اجرائیه کنگره واگذار کنند.

۴- به نام عموم مسلمین دنیا اظهار شود که مسلمانان عالم میل دارند که حجاز برای حفظ استقلال خود امتیازاتی در خاک خود به اجانب ندهد. ابن سعود سلطان حجاز کاملاً با این تمایل اظهار موافقت نمود.

۵- برقرار کردن تساوی کامل در حقوق برای مسلمین تمام مذاهب «از سنی و شیعه» در مسائل مربوطه به انجام رسوم و ترتیبات مختلفه مذهبی در اماکن متبرکه و سعی در آبادی و عمران نقاط مزبوره و غیره. رسیدگی به مسئله تخریب قبور به کمیسیون مخصوصی که مرکب از نمایندگان سنی و شیعه بود ارجاع گردید. ابن سعود که اقدام به تخریب گنبدها را از راه کذب بوی نسبت می دهند، بر علیه تصمیم صلاحیت دار کمیسیون اعتراض نکرده و آن را به موقع اجرا خواهد گذاشت.

هر فرد مسلمان باید با حوصله و آرام باشد تا خرابی های وارده ترمیم گردد. علاوه بر آن اساسنامه کنگره تصویب و به موجب آن کنگره کل مسلمین یک اداره دائمی می باشد که همه ساله در ایام حج تشکیل می گردد. از جمله وظائف کنگره مراتب ذیل است:

۱- آشنائی و ارتباط متقابله مسلمین تمام ممالک دنیا.

۲- مطالعه در حوائج مذهبی و اخلاقی و مسائل مربوطه به ترقی تمدن اسلامی.

۳- سعی و کوشش در آبادی اماکن متبرکه و مقدسه مسلمین و تامین ترتیب و امنیت مسافرت زوار.

ارکان کنگره عبارت است از:

۱- جلسه عمومی سالیانه.

۲- کمیته اجرائیه که در کنگره منتخب و دائماً در فاصله بین کنگره ها کار می کند.^۱

۱. روزنامه ایران، ش ۲۲۲۴، ۲۰ مهر ۱۳۰۵، ص ۱

[مدرک شماره ۵۲]

اماکن مقدسه و حکومت ابن سعود

ما در همان اول وهله نگاشتیم که ابن سعود و پیروان آن طریقه شیخ عبدالوهاب را دارند و مسلم است که از روی مذهب مجبور اند که شعائر دیناتی خویش را در کلیه مسلمانان و اماکن مقدسه اسلامی مجرا نمایند و نیز نگاشتیم که امروز بنا بر مصلحت هر وعده که ابن سعود در این خصوص بدهد غلط و هر عهدی که ببندد قطعاً نقض خواهد شد. سلوک وهابیان در قرن گذشته به مکه و مدینه و کربلا لازم به بیان نیست برای اثبات این مدعا فتوائی که عنفاً از علماء مدینه گرفته را ذیلاً می نگاریم :

(استفتاء)

(بسم الرحمن الرحیم : ما قول علماء المدینه المنوره زاد هم الله فهما و علما فی البنا علی القبور و اتخاذها مساجد هل هو جائز ام لا و اذا كان غير جائز بل ممنوع منهی عنه نهیا شدیداً فهل یجب هدمها و منع الصلاة عندها ام لا و اذا كان البناء فی مبله كالقیح و هو مانع من الارتفاع بالمقدار المبنى علیه فهل هو غضب یجب لها فيه من ظالم المستعین و منهم استحقاقهم ام لا ؟ و ما یفعله الجهال عند هذه الضرائح من التمسح بها و دعائها مع الله و التقرب بالذبح و المنذر لها و ایقاد السرج علیها هل هو جائز ام لا ؟ و ما یفعله عند حجره النبی صلی الله علیه و سلم من التوجه الیها عند الدعاء و غیره و الطواف بها و تقبیلها و التمسح بها و كذلك ما یفعل فی المسجد الشریف من الترحیم و التذکیر بین ال تذان و الاء قام و قبل الفجر و یوم الجمعه هل هو مشروع ام لا ؟ افتونا ما جورین و بینوا النلاء دله المستند الیها لازلتم ملجا للمستفیذین)

(الجواب)

نقول و بالله التوفیق:

اما البناء علی القبور فهو ممنوع اجماعاً لصحة الاحادیث الواردة فی منعه و لهذا افنی کثیر من العلماء بوجوب هدمه مستندین علی ذالک بحدیث علی رضی الله عنه انه قال لانی الهیاج الا بعثک علی ما بعثنی علیه رسول الله صلی الله علیه و سلم ان لا تدع تمثالاً الا طمته ولا قبرا مشرفاً الا سویته رواه مسلم و اما اتخاذ القبور مساجد و لصلاة فیها فممنوع مطلقاً و ایقاد السرج علیها ممنوع ایضاً لحديث ابن عباس رسول الله زائرات القبور و المفتحین علیها المساجد و السرج رواه اهل الن و اما ما یفعله الجهال عند الضرائح من النسخ بها و التقرب لها با ذبح و الفذر و دعا اهلها مع الله فهو حرام ممنوع شرعاً لا یجوز فعله اصلاً و اما التوجه الی حجره النبی صلی الله علیه و سلم عند الدعاء فالأ مولی منعه كما هو معروف من معتبرات کتب المذهب و لا افضل الجهات جهه القبله و اما الطواف بها و التمسح بها و تقبیلها فهو ممنوع مطلقاً و اما ما یفعل من التذکیر و الترحیم فی الاوقات المذكوره فهو محدث هذا ما وصل الیه فهمنا السقیم و خوق کل ذی علم علیهم ۲۵ رمضان سنه ۱۳۴۴

محمد بن صادق - محمد بن محمود الازهری - محمد زکی - محمود شعبان - محمد بن علی التركي - محمد الطیب - صديق سعید - محمد الهاشمی - حافظ ابراهیم بزى - عمر الكردی - بشیر بن احمد الفتوی - خلیل بن محمد - حمید بن الطیب - احمد بن احمد اسعد کماخی -

احمد من طی - محمد بن سقر -

آنچه به تحقیق پیوسته پس از تحصیل این فتوی پیروان بن سعود به خرابی بقاع متبرکه بقیع اقدام نموده اند . شاهد بر این مدعا تلگراف ذیل است که از حجه الاسلام و المسلمین آقا سید حسن صدر به حجج اسلامیه لکهنو رسیده است

(تلگراف بغداد)

لطمه الاسلام لطمه الملت کان یکشف من الوهابیه بهداهم المشاهد المشرفه فی البقیع وحدها مما لا یمكن الصبر علیه فالجد و السعی فی تدارک ما وقع (حسن صدر الدین) چنانچه به مانوشته اند علماء اعلام لکهنو در صدد اقدامی هستند و هر اقدامی در این موضوع بنمایند ما در آتیه خواهیم نگاشت .

ما این پیش آمد ها را قبل از وقت دیده بودیم . اینجا مقام عمل است فقط قول به کار نیاید . علماء اعلام ما از بس با قول مطلق قناعت نموده کار را بدین جا کشانیدند . علماء حقه نیز باید مثل ابن سعود و پیروان او فداکاری اختیار کنند . هزار مجلس بکنند و اظهار نفرت نمایند بی ثمر است باید مجالس خود را ساده قرار داده و وجوهی که در راه تعزیه و غیره صرف می کنند و نیز کلیه وجوه موقوفات را مجتمع ساخته تا بتوانند از این گونه خرابی ها جلوگیری نمایند .

آیا نازکی این موقع مانند زمانه مرحوم میرزای شیرازی و مسئله رژی نیست ؟ از اجتهاد خود باید فایده بگیرند و به اسلام فائده بخشند ؛ باید حکم کنند که جمیع مصارف خیریه در یک جا مجتمع آمده و در این موضوع به اصول صحیح خرج او شود . حرف در این است که هیچ کار در این عالم جز به پول پیشرفت نتواند . اول باید فکر پول کرد از آن به بعد بایستی به فداکاری قیام نمود تا بتوان این مخاطرت را از اسلام رفع کرد .

علماء اعلام اگر خود پیشقدم نشده و بخواهند دیگران را به فداکاری وا دارند هیچ کار صورت نخواهد بست . شاید گفته آید که وظیفه دول اسلام است که اقدام در این گونه اعمال نمایند . باید دانست [دول [قدمی در این راه برنداشته و نخواهد داشت باقی ماند افغان و ایران و مصر . بدوا باید علماء شیعی و سنی اتفاق نموده و به مال و رجال ، دول اسلامیه را تأیید کرده و سپس اقدام به عمل کنند .

علماء اعلام لکهنو چندی قبل به حضور شاهانه عریضه نگاشته برای رفع تکلیف از حجاج شیعه استدعا نموده بودند و ما عین آن عریضه را در جبل المتین درج نمودیم و عقیده خودمان را هم در ذیل آن نگاشتیم ؛ جوابی هم که از رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی ایران به حجج اسلامیه رسیده ذیلا می نگاریم ولی مطلب همان است که مکرر نگاشته ایم ؛ این گونه اقدامات عملی نیست و رفع مخاطرات نتواند نمود . علماء اعلام باید مانند مسلمانان دوره اول اسلام یا دور نرویم مانند ابن سعود و سائر وهابیان ، اقدامات جدی و عملی و فداکاری کنند و گرنه به نشستن و گفتن و برخاستن ، ابن سعود پیش پای خود نخواهد نشست . باز هم عقاید خود را در آتیه نزدیک خواهیم نگاشت

(جواب شاهانه)

جنابان مستطابان حجج اسلام آقا سید نجم الحسن و آقا سید محمد باقر و آقا سید ناصر حسین دامت
افا ضاتهم

مشروح مفصله که به وسیله جنرال قونسولگری دولت علیه ایران مقیم بمبئی به خاکپای مبارک بندگان
اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه اظهار و ارسال نموده بودید ، وصول یافت و از شرف لحاظ
انور همایونی گذشت و از احساسات خالصانه آن آقایان محترم خاطر مهر مظاهر ملوکانه قرین مسرت و
ابتهاج گردید . اینکه ضمناً برای موفقیت کافه مسلمین به زیارت حرمین شریفین شرحی اشعار و از رفع پاره
تجاوزات استدعا و استمداد فرموده بودید ، مکنونات ضمیر مبارک همایونی ارواحنا فداه همیشه معطوف
به تسهیلات امور دینیّه مسلمین بوده و درین باب هم تصمیمات و مقرراتی اتخاذ شده که عنقریب خاطر
آقایان محترم از نتایج آن مسیوق خواهد گردید.^۱

[مدرک شماره ۵۳]

[مقاله ای در بیان عقاید وهابی ها نسبت به شیعیان]

مجله «المنار» که از مجلات قدیمه مصر و فعلاً بیست سال از تاریخ نشر آن می گذرد و مواضع آن
منحصر به اسلامیات است ، اخیراً مقاله مفصله مبنی بر نشر عقاید وهابی ها و تایید سیاست و ترویج افکار
آنها منتشر و در ضمن به اهل تشیع عموماً و ملت ایران خصوصاً حملاتی نموده است ما مجملی از آن
مفصل را ترجمه و در آتیه انتقادات خود را نشر خواهیم نمود:
مفاسدی که تجدد اسلامی را تهدید می کند:

فعلاً سه مانع مهم در قبال اصلاحات موجود است و این موانع لطمه بزرگی به اتحاد اسلامی زده و شاید
سیاست بیگانگان و دشمنان اسلام به این مفاسد کمک می کند و آن از این قرار است:

۱- تعصب افراطیون شیعه

۲- جهل قیبرستان و مرده نوازان و امثال آنها از اهل خرافات و اوهام

۳- تبلیغ فرنگی مابان و فساد اخلاق آنها و نشر بی دینی

اما شیعیان افراطی که عبارت از بلیه بزرگی بوده و هستند زیرا تمام بدعت هائی که در دین حقیقت
اسلام داخل شده ناشی از جهالت و کینه ورزی آنان بوده و آنها توحید را به بت پرستی مبدل و برادری
و اتحاد را به دشمنی و نفاق عوض نموده و اشخاصی را پرستیده که هیچ اثری در دیانت ، جز نسبت و
سیادت اجداد نداشتند و سعادت دنیا و آخرت را منوط به قبور و اموات دانسته و آنها را مؤثر در اراده خدا و
متصرف در مشیت او خوانده . به طوری که رزق و حیات و ممات و ثروت و اولاد و بهشت و نعیم را از آنان
خواسته و هیچ جریان را بدون اراده آنها طبیعی نمی دانند . حال آنکه نص صریح قرآن شریف ، مخالف

۱. هفته نامه جبل المتین کلکته ، ش ۱۸ ، س ۳۴ ، ۲۴ خرداد ۱۳۰۵ ، صص ۳-۵

این اوهام و خرافات است زیرا آیات مبارکه مشعر است که هیچ کس و هیچ چیز در اراده یزدان موثر نمی باشد؛ چنان که می فرماید:

(ام له شرکاء شرعوا لهم من الدین مالم یاذن به الله) تمام فرقی که دین اسلام را در قدیم ترک نموده و مرتد شدند از افراطیون شیعه بودند و در تمام مواقعی که جنگ مابین مسلمین و مشرکین واقع می شد اهل تشیع با دشمنان اسلام متفق می شدند و همراهی آنها با قشون تاتار و همچنین در جنگ صلیب بهترین دلیل است.

پس از اینکه زنادقه فارس از ایران زایل شدند اسلام بر آن سرزمین غالب شد ولی بعد فرقه شیعه با اهل تسنن داخل نبرد گردیده و قوای آنها را ضعیف نمود و اندک اندک یک دولت شیعه تشکیل داد تا سنی ها را به طوری خوار نمود که نظیر گیر شدند و نیز مبلغین شیعه دعوت خود را در عراق منتشر نموده و موفق شدند به طوری که عراق را به ماتم داری و تعزیه خوانی به اسم سیدالشهداء حسین ابن علی علیه السلام وادار و آنها را ... ابوبکر و عمر رضی الله عنهما تشویق نمودند. تا وقتی که وهابی ها ظهور نمودند و در حینی که مسیحی ها شروع به تبلیغ کردند مسلمین هندوستان عوض اینکه دیگران را تبلیغ کنند شروع به دعوت مابین خود نموده و هر یک از دو فرقه سنی و شیعه همدیگر را ارشاد به مذهب خود کرده و می کنند. سنی های هندوستان نسبت به شیعیان بدخواه می باشند و این موجب انحلال جامعه اسلامی و باعث تشتت مسلمین است.»

اقدام: نویسنده مقاله نسبت به اهل تشیع انتقاداتی سخت نموده و ما برای دفاع، مجبور به نقل عین آن شدیم هر چند که میل نداریم داخل چنین مبحث شویم زیرا در این حین بلکه در هر زمان، اتحاد اسلام لازم و ضروری است و این قبیل انتقادات، احساسات مسلمین را تهییج می کند لهدذا ما از بحث در این مواضع احتراز می نمائیم و همین قدر می گوئیم: محبت اشخاص به واسطه نسب که نویسنده مزبور به آنها اشاره نموده، در قرآن نیز وارد شده است که می فرماید:

(قل لا استلکم علیه اجراً الا الموده فی القربى) در هر حال ما رد این اقوال را به آتیه موکول می داریم.

[مدرک شماره ۵۴]

اصول مذهب وهابی ها

امروز قبله مسلمین که در هر روز سیصد میلیون اقلاً پنج دفعه روی بدان آورده و نماز می خوانند در تصرف و تحت سیادت ابن السعود سلطان وهابی ها است و چون فریضه حج از فرایض پنج گانه اسلام است و موقع اداء این واجب نزدیک می باشد و اغلب مستطیعین این قصد را دارند محض وقوف بر عقاید وهابی ها یکی از رساله های اساسی آنها را از کتاب (الخطط الجدید) به قلم علی مبارک نقل و ترجمه می کنیم تا ایرانیان واقف بر احوایل و معتقدات آنان باشند. اینک رساله :

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۳۷، ۲ تیر ۱۳۰۵، ص ۱

بدانید که دین حنیف ابراهیم عبارت از این است که بایستی فقط به ذات احدیت توجه و اخلاص کنیم زیرا مراد از آفرینش خلق عبادت و طهارت قلب است. چنان که می فرماید. « و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون » یعنی من جن و انس را نیافریدم مگر برای پرستش ذات من. پس اگر دانستید که خداوند خلق را برای عبادت آفریده باید این را هم بدانید که عبادت بدون توحید مقبول نیست چنان که نماز بدون طهارت قبول نمی شود.

بنابراین هر که به غیر از خدا توسل کند و از او مطلبی بخواهد که قادر بران نباشد و نمی تواند جلب نفع یا دفع ضرر بنماید، به وحدانیت ذی الجلال شرک نموده. خدا می فرماید « و من اض ممن یدعون دون الله من لا یتجیب له الی یوم القیامه و هم عن دعائهم غافلون » یعنی گمراه تر از آن کسی که غیر از خدا را دعوت کند کیست و حال آنکه مدعو تا روز قیامت اجابت دعوت را نمی کند و از دعا استغاثه غافل و بی خبر است.

(و اذا حشر الناس کانوا لهم اعداء و کانوا بعبادتهم کافرین) یعنی هنگامی که مردم حشر می شوند همان معبودین، عبادت آن مردم را انکار کرده و نسبت به آنها دشمن و خصم خواهند بود و نیز می فرمایند « والذین تدعون من دونه ما یملکون من قظیمران تدعوهم لا یسمعو دعائکم و لو سمعو ما استجابولکم و یوم القیامه یکفرون بشرکم » یعنی آنهایی را که دعوت می کنید غیر از خداوند مالک پیشیزی نیستند و دعای شما را نمی شنوند و اگر هم بشنوند قادر بر جواب نمی باشند و روز حشر خصم این عبادت خواهند بود. بنابراین هر که بگوید یا حضرت عبدالقادر مثلاً یا فلان و فلان و ادعا که اینها روز قیامت شفیع ما خواهند بود حتماً به ا حدیث یزدان پاک شرک و کفر کرده است زیرا بت پرستان هم مدعی هستند که بت شفیع آنها می باشند « و قالو هولاء شفائنا الی الله »^۱

پیغمبر اکرم برای این بعثت شده بود که مشرکین را یعنی آنانی که به غیر از خدا توسل جسته یا سوگند یاد کرده یا طلب شفاعت از این و آن می نمودند به توحید دعوت کند. خدا می فرماید: « ان الله لا یغفران یشرک به و یغفر مادرن ذالک لمن یشاء » بدیهی است که مشرکین آن زمان معترف به وجود ایزد دانا بودند فقط اصنام را شفیع خود می دانستند به دلیل آیه صریحه: « قل من یرزقکم من السماء و الارض ام من یملک السمع و الابصار و من یرزقکم من المیت و یخرج المیت من الحی و من یدبر الامر سیقولون الله فقل افلا تنقون » پس بدانید که آنها نیز مانند شما بودند همان طور که شما می گوئید، یا عبدالقادر یا فلان و فلان آنها هم می گفتند یا هبل اعلا یا لات و عزی و امثال اینها و در عین حال معترف و معتقد به خداوندی خدا بودند.

« و یعبدون من دون الله مالا یضرهم ولا ینفعهم و یقولون هولاء شفعتنا عند الله » یعنی کسی را غیر از خدا می پرستند که هیچ سود و زیانی ندارد و می گویند اینها شفیع ما نزد خدا خواهند بود. پس بنا بر این تمام آنهایی که به غیر از خدا توسل می جویند ولو به عنوان شفاعت هم باشد، مشرک و کافر و از

۱. همان، ش ۶، س ۵، ۱۹ فروردین ۱۳۰۵، ص ۱

اسلام بری می باشند و ما (وهابی ها) جهاد را با آنها لازم و ضروری می دانیم و عبادت قبور در نظر ما ، نظیر بت پرستی است^۱

[مدرک شماره ۵۵]

وهابی ها در حجاز

(نداء الشعب) می نویسد:

مامورین ابن سعود محکمه جده را ملغی کرده و تا کنون قاضی شرعی برای ابن بندر مهم تعیین نکرده و همان قاضی سابق به عنوان موقت مشغول کار است و به طوری که مشهور است در آینده نزدیک یکی از علماء نجد را برای این کار انتخاب خواهد نمود .

ابن سعود عبدالله الموصلی را برای ریاست نظمی و عبدالحمید الحکیم را برای ریاست [شهر] انتخاب نموده و به طوری که شهرت دارد عزیز آلیمانی در آینده نزدیک فرمانده قوای جده خواهد شد. ابن سعود قشون را منحل کرد و افراد و صاحب منصبان سپاهی را به اوطان خودشان مراجعت داد و غیر از نود نفر از آنها را برای پاسبانی شهر و اسلحه موجوده نگاه نداشت . عبدالله الدملوچی به سمت ریاست کابینه امور خارجه منصوب شد و دو نفر مترجم که عبارتند از محمود افندی مترجم سابق قنصل انگلیس و راسم افندی یکی از مستخدمین سابق تلگراف بی سیم برای او معین گردید .

چگونه بیعت با ابن سعود انجام گرفت

ابن سعود پس از آنکه ۱۵ روز در جده اقامت گزید به مکه مراجعت نمود و پس از سه روز از ورود به مکه ، محمود شلهوب و صالح شطه و برخی از رفقای آنها نزد او آمده و اظهار داشتند که به عنوان اعیان و متنفذین مملکت می خواهیم با شما به سمت سلطنت بیعت نمائیم . ابن سعود جواباً اظهار داشت که آنها با اهالی مذاکره و تبادل نظر نموده و سپس تصمیم خود را به او اعلام دارند .

درین موقع عبدالله زنبیل مکتوبی به محمد نصیف نماینده خودش در جده نوشته و اسامی اعضاء هیاتی که حضور آنها در مکه برای قضیه بیعت لازم بود ، مفصلاً شرح داد . مکتوب مزبور در شب جمعه بعد از مغرب به جده رسیده و [در آن] خاطر نشان شده بود بیعت بعد از نماز جمعه انجام خواهد گرفت . در همان شب بر اتوموبیل هائی که از مکه فرستاد شده بود ، سوار شده و اتوموبیل قونسل روسیه را نیز عاریه گرفته و به مکه رهسپار شدند و صبح آن روز بعد از نماز جمعه بیعت واقع شد .

اهالی جده ابدأً از این بیعت و علت مسافرت این هیات به مکه خبر نداشتند و وقتی خبر این بیعت منتشر شد با تنفر و اشمئزاز زیادی آن را تلقی کردند و به شیوخ محله ها هجوم کرده و آنها را دستگیر نمودند . همچنین اهل مکه هم از این واقعه فوق العاده حزن انگیز و متأسف شده و پس از انجام امر بیعت ، شروع

۱. همان ، ش ۷ ، ص ۵ ، ۲۱ فروردین ۱۳۰۵ ، ص ۱

به اقدامات بر علیه هیات مزبور نمودند و مکاتیبی بدون امضاء به هیات مزبور نوشته و در آن اعتراض کردند که هیات مزبور بدون اطلاع اهالی بیعت نموده است و از طرف ملت به سمت نمایندگی برای این کار نداشته است ولی کسی به این اعتراضات آنها وقتی نگذارد .

سختی اوضاع اقتصادی

اوضاع اقتصادی حجاز فوق العاده بد و سخت است و با وجود کمی قیمت ارزاق ، بازار خیلی کساد است و تصور نمی رود امسال در موسم حج ، جمعیتی از حجاج مکه جمع شوند و تا کنون فقط ۴۰۰ نفر از هند و ۱۵ نفر از جاوه برای حج وارد شده اند . در هند و جاوه عده زیادی بر ضد مسافرت به حجاز تبلیغات می کنند زیرا این سعود زیارت قبور مقدسه را تحریم نموده و آزادی اهالی را سلب می کند .

تعصب وهابیت

ابن سعود رؤسا و خدام حرم مکه را جمع نموده و آنها را تکلیف نمود که حجاج را از زیارت قبور مقدسه باز دارند بدون اینکه حجاج ملتفت شوند که از طرف حکومت راجع به این مسئله اشاره شده است . رؤسای مزبور از این اقدام معذرت خواسته و گفتند حجاج در موقع ورود از این اماکن جستجو می کنند و اگر حکومت مایل به منع زیارت قبور مزبور است خوب است بیانیه راجع به این موضوع طبع و نشر نماید . ابن سعود و اتباعش در این قضیه مشغول تبادل نظر شدند و تا کنون نتیجه آن معلوم نشده است .

مداخله در امور دینی

مامورین ابن سعود مؤذنین و وعاظ و خطباء را جمع کرده و تعلیماتی راجع به کیفیت اذان گفتن و خطبه خواندن و غیره به آنها داده و گفتند ابن سعود در نظر داشت چهار نفر از علماء را معین نماید که این مسائل را به شما تعلیم دهند ولی عجالتا همین دستورات کافی است .

حقوق ابن سعود

تا کنون حکومت حجاز فقط ۷۰۰۰ لیره از حقوق ابن سعود را پرداخته است زیرا بیش از اینها پول نقد موجود نداشته است .

آیا امام یحیی به حجاز هجوم خواهد نمود ؟

شایعات زیادی هست راجع به اینکه امام یحیی خیال دارد از سه راه به حجاز هجوم کند : یکی از ساحل دریا از راه (القنفده) و (اللیث) و دیگری از (عسیر) از طریق (شهاره) و دیگری از راه (طایف) و (تربه) و اطلاعات واصله از مصوع حاکی است که امام یحیی بعد از حج به مکه حمله نموده و جدیداً دو طیاره برای این مقصود وارد نموده است .

مردن زیر تازیانه

در حجاز عده زیادی را به جرم استعمال دخانیات و تفتیش منازل با تازیانه زدند تا جان دادند.^۱

[مدرک شماره ۵۶]

(حجاج ایران در شام)

مخبره جریده یومیه المقلّم از شام خبر می دهد که چند تن از حجاج ایرانی به شام وارد می شوند و چهار تن از آنان به زیارت مقابر اهل بیت می روند به قبر در باب الصغیر در بین راه یکی از آنها قشنگ خالی می یابد . آن را به همراه برمی دارد . چون آنها به ناحیه لیس شیخ حسن می رسند پلیس فرانسوی آنها را تفتیش کرده و آن قشنگ را می گیرد و آن حاجی را نگه می دارد و آن سه تن دیگر را مرخص می کند . آن سه تن نمی روند بدون رفیقشان و تذکره های خود را در آورده و نشان می دهند . پلیس تذکره های آنان را پاره می کند .

آن سه حاجی رفیق را گذارده و می روند به قونسول خانه ایران و ما وقع را می گویند . قونسولات به سطله عسگری رجوع می نماید . او می گوید اذن داده شد که آن حاجی را نزد رفقاییش بفرستند و چون اثری از حاجی نمودار نمی شود . قونسول خانه سید علی کرمانشاهی را می فرستد که ببیند حاجی کجاست . سید علی پس از زحمات بسیار آن حاجی را [می یابد که] کشته [شده و] در پشت اداره پلیس می باشد . پلیس می گوید او را شورشیان کشته اند . نگاه نعش او را آورده کشف می کنند و معلوم می شود گلوله ای که به سینه او خورده شده و از تنش بیرون رفته از گلوله های سپاهیان فرانسه بوده است . قونسول خانه ایران از سلطه فرانسوی خون بهای حاجی را پنج هزار لیره طلب می کند و نتیجه بعد معلوم می شود.^۲

[مدرک شماره ۵۷]

فاجعه مدینه منوره

دیروز حضرت آیة الله آقای حاج امام جمعه خوئی بعضی از مدیران جرائد مرکزی را دعوت به منزل خودشان فرموده و دو تلگراف ذیل که متضمن خبر فاجعه مدینه منوره بوده ، به آنها برای درج دادند و ضمناً لزوم توجه عالم مسلمین را به اهمیت این قضیه و بروز احساسات اسلامی و تنفرت ملی از این پیشامد گوشزد فرمودند . از قرار اظهارات حضرت معظم له ، هیات علماء اعلام نیز جلساتی تشکیل داده اند و مشغول اقدامات اساسی می باشند .

از نجف اشرف

۱. همان ، ش ۳ ، ص ۵ . ۱۷ فروردین ۱۳۰۵ ، صص ۲ و ۳
۲. هفته نامه چهره نما ، ش ۱۴ ، ص ۲۲ ، اردیبهشت ۱۳۰۵ ، ص ۲۰

حجه الاسلام امام جمعه خوئی - طهران

قاضی وهابی به هدم قبه و ضرایح مقدسه ائمه بقیع حکم داده . ۸ شوال مشغول تخریب . من بعد معلوم نیست چه شده با حکومت مطلقه چنین زنادقه وحشی به حرمین . اگر از دولت علیه و حکومت اسلامیة علاج عاجل نشود علی الاسلام السلام

الاحقر ابوالحسن موسوی اصفهانی - الاحقر محمدحسین نائینی

از نجف اشرف

حجه الاسلام آقا سید محمد بهبهانی - طهران

قاضی وهابی به هدم قبه و ضرایح مقدسه ائمه بقیع حکم داده . هشتم شوال مشغول تخریب . من بعد معلوم نیست چه شده با حکومت مطلقه چنین زنادقه وحشی به حرمین . اگر از دولت علیه و حکومت اسلامیة علاج عاجل نشود علی الاسلام السلام .

الاحقر ابوالحسن موسوی اصفهانی - الاحقر محمد حسین نائینی^۱

[مدرک شماره ۵۸]

خبر وهابی

بر حسب مکاتیب وارده از عراق عرب ، انتشار خبر هدم اضرحه مشرفه و قبور مبارکه ناشی از مکتوب شیخ علی اکبر ساکن مدینه ، بوده است که می گوید: قاضی وهابی در روز هشتم شوال چنین حکمی داده است و بعد از آن معلوم نیست که چه شده.^۲

[مدرک شماره ۵۹]

تخریب بقاع متبرکه

مطابق اطلاع خصوصی که تحصیل شده مطابق امر قاضی القضاء وهابی ها بقاع معتبر و بقعه محترم حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را وهابی ها به کلی خراب و منهدم نمودند .

در چندی قبل قرار شده نماینده کلیه ممالک اسلامی از قبیل ترکیه . مصر . شامات . الجزائر . ایران . قفقازیه . افغانستان . ترکستان و سایر ممالک اسلامی برای تعیین مقدرات آتیه حجاز در مکه معظمه حضور به هم رسانیده و تصمیمات لازمه راجع به امور آنجا اتخاذ نمایند و آقایان مستنصر السلطنه اخوی آقای منصور السلطنه ساکن مصر و آقای عین الملک هویدا ژنرال قونسول شامات از طرف دولت علیه مامور

۱. روزنامه ایران ، ش ۲۱۱۹ ، ۶ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۱

۲. روزنامه اقدام ، ش ۲۱۸ ، ۱۰ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۱

کنگره مزبور گردیده بودند و با اینکه اغلب نمایندگان دول اسلامی در مکه معظمه حضور به هم رسانیده بودند نمایندگان دولت علیه در اثر عملیات فجیع وهابی ها در کنگره مزبور حاضر نگردیده اند.^۱

[مدرک شماره ۶۰]

[گزارشی با عنوان] [انهدام اماکنه مقدسه در مکه و مدینه]

آنچه را که از مصادر موثقه به دست آورده ایم و جراید بی طرف مصر نیز تایید کرده اند این است که وهابی ها در مکه و مدینه آنچه از مشاهده و مقابر و مساجد بوده را به کلی خراب و ویران کرده و با انکه خود را به اسم مسلمان می دانند وقتی به آیات قرانی و مقام و منزلت خاندان رسالت پناهی نگذاشته و مانند آیات (و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکرفیها اسمه وسی فی خرابها و) انما یعمر مساجد الله ۱) و مثل (اهل بیتی مثل سفینه نوح الخ) نعوذ بالله عبث پنداشته که ما را در اینجا مقصود شرح آیات و احادیث نیست بلکه مختصری از حرکات وهابی ها و خرابکاری آنان می باشد . مساجدی که در مکه خراب کرده اند : مسجد خانه حضرت خدیجه و مسجد مولود حضرت ختمی مرتبت و مسجد خلیفه اول و مسجد حضرت امیر (علی مرتضی) و مسجد ابی قیس . عجب انکه ابن سعود پس از خرابی این مساجد امر داده است که مصالح انانرا در بناهای پست مانند^۲ به کار برده اند .

و آنچه را در مدینه خراب کرده اند: مقبره حضرت حمزه و حضرت فاطمه زهرا و خلیفه سوم و مقابر ائمه انام و زوجات پیغمبر خدا و امام مالک و اثری از هیچ یک بر جای نگذاشته که برخی از اهل مدینه به علائم پارچه های سنگ و غیره برخی از مزارات طاهرات را اگر کسی بخواهد ، نشان می دهند . چنین معلوم می شود که ابن سعود در فکر خراب کردن مسجد و حرم مطهر حضرت ختمی مرتبت هم بوده که پس از اتمام حج و حجاجی که از مدینه رفتند این کار را به پایان برد .

چند تن از حجاج مصری مشاهدات جگر خراش خود را با آه و بکا به جراید مصری فرستاده و انتشار شده که این طایفه مسلمانان چه ستمکاری و بی احترامی به حرمین شریفین وارد آورده اند . ما خود متعجب و متحیریم که با این اعمال ، چگونه ممالک اسلامی و رؤساء و زمامداران آنها ساکت نشسته و به یک احتجاجی لاقفل مسلمان را دلخوش نمی نمایند . آری فقط اسلامیه ایران بوده که اقداماتی کرده و می کند ان هم با بعد مسافت و عدم وسایل ، البته اثری چندان نخواهد بخشید.^۳

۱. روزنامه ایران ، ش ۲۱۲۷ ، ۱۶ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۱

۲. در اصل نقطه چین

۳. هفته نامه چهره نما ، ش ۳ ، س ۲۳ ، مهر ۱۳۰۵ ، صص ۱۳ و ۱۴

[مدرک شماره ۶۱]

تلگراف های علماء کاظمین

قبلا خبر اجتماع کاظمین و ارسال تلگراف های متعدده به تمام اقطار را منتشر نمودیم اینک صورت تلگراف های آقایان را که به السنه مختلفه مخابره شده است ، ترجمه و نقل می نمائیم:

طهران - اعلیحضرت شاه ایران خلدالله ملکه

تعدیات فرقه گمراه وهابی از حد تجاوز کرده . خبر ناگهانی تخریب مشاهد مقدسه بقیع به ما رسید . انظار عامه مؤمنین به اعلیحضرت همایونی متوجه است. تقاضای تدارک این فاجعه عظمی را می نمائیم.

امضاء: علماء کاظمین

کابل - اعلیحضرت شاه افغان خلدالله ملکه

مظالم وهابی بدین حد رسیده است که مشاهد مشرفه را تخریب نموده اند و اگر امروز قبر صاحب رسالت پیغمبر اکرم و مدافن خلفاء راشدین را ویران نکرده ، فردا حتما خراب خواهند کرد. بایستی این دست جنایتکار را قطع نمود و این بسته به همت اسلام پرور اعلیحضرت است. امیدواریم به سایر پادشاهان اسلام اطلاع داده که شرکت در جلوگیری از این فجایع بنمایند. یقینا عموم مسلمین از اوامر ملوک آنها تخلف نکرده و از بذل جان و مال مضایقه نمایند.

امضاء : علماء اسلام

طهران ، خراسان ، شیراز ، تبریز ، اصفهان ،

حضرات حجج اسلام ، خبر ناگهانی تخریب اضرحه مبارکه بقیع موجب هیجان گردیده، لازم است دولت محترمه را وادار به تدارک نمائید. ضروری است عموم مسلمین را به بذل نفس و نفیس تشجیع نمائید.

امضاء: علماء کاظمین

هندوستان - حضرات علماء لگنهور!

اسلام به لطمه سختی که از آن حذر می نمود ، دچار گردیده زیرا وهابیون مشاهد مشرفه بقیع را خراب نموده اند و این بلیه است که نمی توان بر آن صبر نمود. جدیت جدیت، عمل عمل، علاج واقع را بنمائید.

امضا علماء کاظمین

صنعا - (در یمن)

اعلیحضرت امام یحیی امام یمن

لطمه بزرگی به اسلام رسیده است و آن عبارت از هدم و تخریب قبور مشرفه اجداد طاهرین اعلیحضرت است . تدارک این فجیعه که به ائمه بقیع و اهل بیت نبوت وارد شده از وظایف آن امام است . عموم مسلمین با نهایت بی صبری منتظر اقدامات و اعمال آن ذات ملوکانه است.

امضاء: مشایخ مسلمین کاظمین^۱

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۱۹، ۱۱ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

[مدرک شماره ۶۲]

اقدامات حجج اسلام

در نتیجه اخباری که از هدم بقاع ائمه هدا علیهما سلام واصل شد عصر روز چهارشنبه ۱۱ خرداد در منزل آقای امام جمعه تهران وجوه علماء ، وکلا و آقایان پیشنهادها و جمعی از وجوه کسبه بازار و تجار و اصناف ، اجتماعی نموده و بدواً آقای امام جمعه خطابه بیان نمودند که خلاصه آن بدین قرار است :

اخباری از آقایان علماء نجف اشرف رسیده و مضمون آن خبر این است :

(قاضی القضاة وهابی حکم داده است به هدم بقاع ائمه هدا علیهم اسلام و محققاً مشغول به عملیات شده اند زاید بر این ، خبر نرسیده است که نتیجه چه شده است)

من در صحت و سقم قضیه صحبت نمی کنم ولی می دانید که این امر در صورتی که حقیقت داشته باشد یک امری است بزرگ که از واقعه ای که در سنه ۶۱ هجری واقع شده الی زمانها ، هیچ واقعه مثل این واقعه در اسلام واقع نگردیده . این قضیه علاوه بر اینکه هتک شعائر اسلام را نموده ، موجب انهدام اسلام و زوال اسلام خواهد بود . این امر راجع است به عموم مسلمین و خصوصاً علماء اعلام که باید از برای جلوگیری از وقوع یک واقعه بدتر از این فکر علاجی بنمایند . من عجب دارم یک واقعه کمتر از این که سابقاً در ایران پیدا می شد ، عموم ایرانیان آنچه لازم دینتشان بود ، عمل می کردند ، نمی دانم چه شده است که بعد از ورود خبر این قضیه تا به حال

از طرف مسلمین اقداماتی نشده . استدعا دارم از عموم آقایان و سایر طبقات که حاضر در این مجلس هستیم ، نشست و در این باب فکر بنمائیم و آنچه به نظر آقایان می رسد اظهار دارند تا اقدام جدی بشود . پس از آن آقای آقا سید مهدی افجه هم بیاناتی نمود.

بیانات آقای مدرس

بعد آقای مدرس در این باب نطق مفصلی نمودند که نتیجه نطق شان این بود که اعلیحضرت همایونی کمیسیونی معین فرمودند از جمعی از آقایان علماء و جمعی از رجال که در این موضوع نشست و مذاکرات لازم را بنمایند و آنچه از کمیسیون رای داده بشود به هر مرتبه که باشد اعلیحضرت همایونی برطبق رای کمیسیون اقدام جدی فرمایند .

بعد حضرت آقای میرسید محمد بهبهانی در همین زمینه بیاناتی فرمودند که خلاصه آن را برای ما نفرستاده اند و بالاخره قرار شد که علماء جلسه تشکیل داده و در صورتی که لازم شود عموم اهالی طهران را در مسجد شاه دعوت نمایند تا عموم مسلمین از وقایع مستحضر و آنچه باید در این باب اقدام شود اعلان کنند.^۱

۱. روزنامه ایران ، ش ۲۱۲۵ ، ۱۳ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۱

[مدرک شماره ۶۳]

[تلگرافات علمای رشت ، کنگاور و خراسان]

بر اثر تلگراف متحدالمالی که سه روز قبل از طرف کمیسیون به ولایات و ایالات مخابره شده بود دیروز تلگرافی از علماء رشت مبنی بر اظهار نظر و تنفر از عملیات وهابی ها و موافقت نظر عامه اهالی واصل گردید .

تلگراف ذیل نیز بعد از وصول متحدالمال از کنگاور واصل شده است :

حضور مبارک حجتین اسلامین آقای امام جمعه خوئی و آقا سید محمد بهبهانی و سایر حجج الاسلام مرکز دامت برکاتهم

اخبار موحشه و قضیه فاجعه تخریب بقاع مطهره ائمه بقیع علیهم السلام ، عالم اسلام و مسلمین را عزادار و هیجان آورده . لابد الی الان تصمیم قطعی اتخاذ و تکلیف مسلمین را سریعاً اعلام که با عنایت ولی عصر عجل الله فرجه خاتمه به فجایع حضرات زندقه وهابی ها داده [که] زیستن به این زندگانی ، دور از اسلامیت است . منتظر دستور سریع هستیم .

علماء کنگاور عباس موسوی لاری - محمد عراقی - عبدالصمد تویسرکانی - علی حسینی .
تلگراف دیگری هم از طرف آقایان علماء خراسان قبل از وصول تلگراف متحدالمال کمیسیون مرکز واصل شده و اشعار داشته اند که ملت خراسان از این اقدامات متفر و منتظر اقدامات مرکز هستیم^۱.

[مدرک شماره ۶۴]

[از نجف اشرف]

جناب حجه الاسلام حاجی سید امام جمعه مدظله

از فاجعه مدینه منوره راحتی مسلوب ، اقدامات دولت و نتیجه افکار حجج ، منتظر ابوالحسن الموسوی^۲

[مدرک شماره ۶۵]

[تلگراف از نجف اشرف]

توسط حجه الاسلام حاجی افجه ، حضرات حجج اسلام دامت برکاتهم .

وصول اخبار موحشه از مدینه طیبه در موضوع جسارت فرقه وهابیه نسبت به مشاهد مشرفه ، سلب قرار از عموم نموده . عموماً درس و بحث را تعطیل مشغول به اقدامات لازمه هستیم . چون صیانت شعائر مقدسه اسلام و مدافعه از این حرکات وحشیانه از اهم فرائض است لذا به مشارکت ان ذوات محترمه و عموم عالم

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۲۳، ۱۶ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

۲. همان، ش ۲۳۴، ۲۹ خرداد ۱۳۰۵، ص ۲

اسلامی را در این موضوع انتظار داریم .

محمد الحسینی الفيروز آبادی ، عبدالکریم غروی زنجانی ، احمد آل کاشف الغطاء^۱

[مدرک شماره ۶۶]

(درباره وهابی ها)

در این چند هفته احتیاجات مطبوعه و کتبی مختلفه از ناحیه حجج اسلام نجف اشرف و ایران صدور یافته و مبنی بر تطاول و تجاسر وهابی ها بوده ، به اداره ما رسیده که متأسفانه [قلت] صفحات (چهره نما) مانع از انتشار آنان است و ما در سابق و اخیرا در شماره (۳) چهره نما از این ثامه کبری و واقعه عظما و خرابکاری های وهابی ها در مکه و مدینه مشروحا قلم فرسائی کرد ایم و از اقدامات نمایندگان در مکه و مدینه معلوماتی کافی به نظر خوانندگان رسانیدیم تا باز به جای خود همدردی نمائیم.^۲

[مدرک شماره ۶۷]

راجع به وهابی ها

از قزوین اطلاع داده اند که متعاقب وصول خبر هدم بقاع متبرکه در مدینه طیبه ، در منزل آقای حاج سید حسین مجتهد عموم آقایان علماء و نمایندگان تجار و غیره مجلسی تشکیل داده و راجع به عملیات جسورانه وهابی ها مذاکرات نموده و خیال تعطیل عمومی داشتند . از طرف حکومت [نماینده ای] که در آن مجلس حاضر شده بود نطق مفصلی ایراد و آنها را متقاعد کرده که از تعطیل عجالتا صرف نظر کرده تا دستوری که از مرکز تقاضا نموده ، برسد . آقایان مشغول تهیه تلگرافاتی به مقامات مقتضیه بوده اند.^۳

[مدرک شماره ۶۸]

تجار و اصناف حضور همایونی

برحسب وقتی که از طرف وزارت دربار پهلوی تعیین گردیده بود دیروز صبح [۱۶ خرداد] چند نفر از محترمین تجار و چند نفر از رؤسای اصناف در قصر شخصی اعلیحضرت جمعا حضور همایونی تشریف حاصل نموده و راجع به قضیه وهابی ها مذاکرات زیادی به عمل آمده و تجار عرایض خود را در این واقعه مؤلمه به سمع همایونی رسانیده و اعلیحضرت مقرر فرموده اند که با کمیسیون منعقد در مجلس شورای ملی تعاطی افکار نموده و در نتیجه مطالعات و حصول توافق نظر ، تصمیمات لازمه اتخاذ گردد تا به موقع اجرا گذارده شود و اعلیحضرت همایونی علاقه کامل خودشان را نسبت به جلوگیری از این فاجعه و هرگونه

۱. روزنامه ایران ، ش ۲۱۳۲ ، ۲۹ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۲

۲. هفته نامه چهره نما ، ش ۶ و ۷ ، ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۴۵ قمری ، ص ۲۲

۳. روزنامه ایران ، ش ۲۱۲۵ ، ۱۳ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۲

اقدامات ابراز فرموده اند سپس آقایان تجار و نمایندگان اصناف تحصیل اجازه مرخصی نموده و مراجعت کردند.^۱

[مدرک شماره ۶۹]

اجتماع علماء

سمنان - آقایان هیئت علمیه در مسجد سلطانی همه روزه جمع در حضور شاهزاده حکمران کمیسیون دوازده نفری دفاعیه طایفه ضاله وهابیه که سوء قصدی در مدینه منوره به حرمین شریفین از طرف ایشان واقع شده تشکیل ، تمام قلوب عالم اسلامیت را جریحه دار نمودند . اهالی سمنان از هر طبقه و داویر دولتی عموماً در این قضیه ناگوار سر به جیب تفکر فرو برده با قلب سوز ناک برای هر اقدامی حاضرند.^۲

[مدرک شماره ۷۰]

راجع به وهابی ها

از شاهرود اطلاع می دهند امروز هم آقایان علماء و محترمین و کسبه وزراعین بسطام که تعداد نفرات آنها بالغ برهزار نفر می شدند باکمال نظم و آرامی به تلگرافخانه آمده و راجع به قضیه مولمه حرمین شریفین و تجاسرات وهابیها ، از مجلس شورای ملی و اعلیحضرت تقاضای اقدام و جوب تلگرافات را نموده اند .^۳

[مدرک شماره ۷۱]

اسلامیات

نظر به بی احترامی که از طرف وهابی ها به اماکن مقدسه اسلامی شده بود در هفتم ماه ژون مسلمان های مقیم برلن در تحت ریاست آقای پروفیسور میرزا حسن نمایش قابل توجهی به ضد این وحشی گری ها بدوی ها داده اند
از قراری که روزنامه های آلمان می نویسند اغلب محترمین و رجال سابق و اسبق آلمان و سفرای ملل اسلامی حضور داشتند.^۴

[مدرک شماره ۷۲]

اعلامیه ریاست وزراء

به اهالی مملکت و عموم مسلمین اعلام می شود:

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۲۴، ۱۷ خرداد ۱۳۰۵، ص ۲
۲. روزنامه ایران ، ش ۲۱۴۱ ، ۲ تیر ۱۳۰۵ ، ص ۳
۳. روزنامه اطلاعات ، ش ۱۳۵ ، ۳ بهمن ۱۳۰۵ ، ص ۱
۴. روزنامه اقدام ، ش ۲۴۶ ، ۱۴ تیر ۱۳۰۵ ، ص ۱

تعدیات و تجاوزاتی که نسبت به عالم دیانت و عقاید فرق مسلمین از مدتی قبل طایفه وهابیه به عمل آورده اند و هتک حرمتی که نسبت به حرمین شریفین که قبله و معبد کافه مؤمنین و مرکز اتحاد روحانی تمام مسلمین است، مرتکب شده اند، عموم مسلمین را مضطرب و نگران ساخته است و جسارتی که از طرف آنها نسبت به بقاع متبرکه بزرگان دین در بقیع به ظهور رسیده و قاطبه مؤمنین را متاثر و سوگوار نموده است معلوم خاطر عموم اهالی مملکت می باشد.

دولت ایران از بدو تجاوزات این طایفه، همیشه براین گونه عملیات که مخالف آداب و حیثیات دینتی و مناقض با اصول تمدن است، اعتراضات شدید نمود تا اینکه از طرف عبد العزیز ابن سعود رئیس آن طایفه ابراز مواعیدی شد که این گونه فجایع و تجاوزات که بی احترامی صریح به عقاید و شعائر ملی عالم اسلام است، ارتکاب و تکرار نشود.

ولی بر خلاف انتظار عملیاتی اخیرا منافی با مواعید خود، از آنها به ظهور رسید که قلوب اسلامیان را متاثر و متالم نمود و سبب گردید که دولت ایران دعوت ابن سعود را برای شرکت در مجمع عمومی حجاز قابل قبول ندانسته ورد نماید.

از آنجا که تجلیل اماکن مقدسه که کرورها نفوس از روی عقیده و ایمان آن نقاط شریفه را مهبط انوار رحمانی و منبع فیض آسمانی می دانند از شعائر ملی اسلامی است و مخصوصا در این برهه از زمان که عصر احترام عقاید و ادب دینتی است و تمام ملل متمدنه عالم از هر قوم و ملت سعی دارند که معتقدات مذهبی دیگران را تعظیم و تکریم نمایند و تعدی و تحمیل بر شعائر دینی سایر ملل را منسوخ سازند، بدیهی است دولت و ملت ایران نمی تواند ساکت نشسته و تحمل نماید که یک فرقه معدودی که نسبت به ملل اسلامی در حکم اقل قلیل هستند، عقاید خود را بر تمام عالم اسلام تحمیل نماید و حقیقتا جای بردباری و تحمل نیست در عصری که هر یک از ملل حیه از برای آثار و قبور حکما و بزرگان و ارباب شعر و صنعت هر چند که منسوب به ملل دیگر باشند، هزار گونه احترامات قائل می شوند و از این لحاظ ما بین ملیت و قومیت و نژاد فرقی نمی گذارند، یک طایفه فقط به استمساک تعالیم و مبادی خود، آثار ائمه هدی و اولیای خدا را که در روح و قلب کرورها نفوس جای دارند، منهدم سازند.

دولت ایران این رفتار را از مقوله تجدید اعمال ادوار توحش و جاهلیت تلقی نموده و براین کردار فجیع شدیداً اعتراض می نماید و در همان حال به قاطبه مسلمانان عالم خطاب و اعلان می دارد که به حکم وحدت عقیده اسلامی، متفقاً و به وسایل ممکنه از این عملیات تجاوز کارانه جلوگیری به عمل آورند. از آنجا که حرمین شریفین حقیقتاً به تمام عالم اسلام تعلق دارد و هیچ ملت مسلمان دون ملت دیگر، حق ندارد این نقاط مقدسه را که قبله جامعه مسلمانان و مرکز روحانیت اسلام است، به خود اختصاص داده و تصرفات کیف مایشاء نماید و اصول تعالیم خود را بر عقاید دیگران تحمیل کند، بنابراین از تمام ملل اسلامیه تقاضا می شود که در یک مجمع عمومی ملل اسلامی مقدرات حرمین شریفین را حل و تسویه نمایند و قوانین و نظاماتی وضع گردد که تمام مسلمانان برطبق عقاید مختصه خود بتوانند آزادانه از برکات روحانی و فیوض آسمانی اماکن مقدسه مکه معظمه و مدینه طیبه برخوردار و متمتع شوند و این سرچشمه

فیض و سعادت الهی، تمام طوایف مسلمانان عالم را بدون تبعیض و استثناء سیراب سازد. امیدوارم که ملل و دول اسلامی این تقاضای دینی و ملی را به سمع قبول اجابت کرده و راضی نشوند بیش از این بر مقدسات ملی و شعائر مذهبی آنان لطمه وارد آید. اول تیر ماه ۱۳۰۵ حسن ابن یوسف رئیس الوزراء^۱

[مدرک شماره ۷۳]

[مقاله ای با عنوان] فاجعه مدینه منوره

تلگرافاتی که از ناحیه حضرات حجج اسلام و مراجع تقلید شیعه از نجف اشرف رسیده و در فوق [ر]، ک: بخش مراجع و علماء [طبع شده از فاجعه تالم انگیزی که اخیراً در مدینه منوره رخ داده، خبر می دهد و از دوره بربریت و اعاده اعصار مظلومه امویه و عباسیه حکایت می کند. مطابق خبر مزبور، قاضی وهابی حکم داده است قبه و ضرایح مقدسه ائمه اطهار را در بقیع تخریب نمایند. تاریخ از این گونه فجایع بسیار به خاطر دارد ولی تصور نمی رفت در قرن بیستم و این دوره تمدن و آزادی، جماعتی پیدا شوند که به عناوین مختلفی به مراکز و مشاهدی که محل احترام و تقدیس میلیونها نفوس است، دست تعدی و جسارت دراز نمایند.

در زمان بنی امیه یک دفعه امرای اموی هتک حرمت مشاهد مقدسه و حرمین شریفین را نمودند. حجاج بن یوسف ثقفی به امر عبدالملک مروان، کعبه و خانه خدا را به منجنیق بسته و قسمتی از آن مکان مقدس را تخریب و در همان محل امن و امان، عده زیادی از مسلمین را به قتل رسانید. همچنین در زمان یزید بن معاویه هم به بهانه طغیان اهالی مدینه، بر آن شهر مقدس حمله کرده و اهانت های بسیار بر مسجد نبوی و ضریح مقدس وارد آوردند.

بعد از آن تاریخ حرمت اماکن مقدسه کاملاً رعایت گردیده و فقط گاهی هم اگر توهینی می شده نسبت به اشخاص بوده نه اماکن مقدسه. مثل اینکه حجاج، جسد عبدالله زبیر را آویخته و مدتها به همان حال باقی نهاد [تا اینکه] در زمان هشام ابن عبدالملک، شیعیان جنازه زبیرین علی ابن الحسین را از ترس زشت کاری بنی امیه مخفی کرده و در زیر نهری به خاک سپردند و روی آن را آب جاری کردند معذالک جاسوسان بنی امیه جنازه را کشف و مدتها مسلوب کرده و بالاخره محترق نمودند.

زمان بنی عباس نیز از این حرکات ظالمانه به کثرت دیده می شود که صفحات تاریخ از آنها پر است ولی نقاطی که محل احترام تمام طوایف مسلمین بود یعنی مکه و مدینه از هر نوع تطاولی محفوظ می شد. فقط یک دفعه قرامطه حرکت زشتی کرده به خانه خدا ریختند و حجاج را کشته و در چاه زمزم ریختند و اشیاء نفیسه و جواهرات و شمعدان ها و سایر چیزهای قیمتی را به غارت بردند. اما خلیفه فاطمی معزالدین الله که قرامطه به نام او دعوت می کردند، شرحی عتاب آمیز بدان ها نوشته و از این حرکت تقبیح کرد

۱. روزنامه ایران، ش ۲۱۴۲، ۳ تیر ۱۳۰۵، ص ۱

و جداً اصرار نمود که باید هر چه به غارت برده اند را مسترد دارند و صریحاً نوشت که این حرکت الحاد و کفر شما را ثابت کرده و مرا نیز متهم می سازد و بدین جهت قرامطه بعدها متعرض نشدند و حرمت مکه و مدینه محفوظ بود. فقط حاکم الله فاطمی که ششم خلیفه فاطمی در مصر بود در حدود سال چهار صد هجری در صدد برآمده مخفیانه از خانه یک نفر علوی که نزدیک مسجد و قبر پیغمبر منزل داشت، نقب زد و جنازه خلیفه اول و دوم را بیرون آورد ولی مطابق نص تاریخ، وقوع صاعقه و تاریکی عظیم و حوادث خوفناک جوی، موجب فسخ این عزیمت شده و از خیال خود منصرف گردید.

اینک ۹۰۰ سال بود که دیگر این نوع حرکت وحشیانه دیده نمی شد و قبور ائمه اطهار و صحابه پیغمبر و تابعین در نهایت احترام محفوظ بود. باید دانست که شهر مدینه در سمت شرقی دارای قبرستانی است که بقیع نام داشته و از زمان حضرت پیغمبر به بعد محل قبور اشخاص بزرگ اسلام بوده است. مطابق مستندات تاریخ و جغرافی، قبور زیادی در آنجا است من جمله قبر ابراهیم فرزند پیغمبر که در صغر سن وفات یافت و جمعی از صحابه پیغمبر از قبیل عباس ابن عبدالمطلب و اسعد ابن زراره که اول صحابه ای است که در بقیع مدفون شده و سهل ابن سعد صحابه مدفون در بقیع و از ائمه اثنی عشر علیهم اسلام مقبره شریفه چهار امام در بقیع است: حضرت امام حسن (ع) امام زین العابدین (ع) امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع).

حمدالله مستوفی در نزهت القلوب و سایر مورخین می نویسند که چون عثمان رضی الله عنه را کشتند اجازه ندادند او را در بقیع دفن کنند و در محلی که فاصله زیادی داشت او را دفن کردند. معاویه در دوره خود حکم کرد مسلمین را در نزدیکی قبر عثمان دفن کنند تا کم کم متصل به بقیع گردد. از علماء سنت نیز جماعتی در آنجا مدفونند من جمله امام مالک ابن انس که مؤسس یکی از مذاهب اربعه اهل سنت است و دیگری نافع است که از قراء سبعة قران می باشد. در حقیقت این شرافتی بوده است از برای اشخاص بزرگ اسلام که در قبرستان بقیع مدفون گردند. شیعیان چون دسترس کامل بدانجا نداشتند نمی توانستند مقبره ائمه اربعه را مثل نجف و کربلا و مشهد و غیره مجلل کرده و گنبد طلا و ضریح های نقره ساخته و مزین نمایند ولی با این حال، مقبره ائمه مشهور و معلوم و محل زیارت عامه مسلمین خاصه شیعیان بود و تقریباً ظاهر قبور مزبوره به شکل مقابر امامزاده های ایران جلوه می کرد. تمام طوایف مسلمین زیارت قبور را ثواب دانسته و نهایت بعضی زیارت های مفصل خوانده و برخی به همان فاتحه قناعت می کردند. اول کسی که در اسلام ظاهر شد و از زیارت قبور مزبوره منع کرد احمد بن تمیمه حرانی است که معاصر با سلاطین ممالک بحری مصر بوده^۱ مشار الیه فتوا داد که زیارت قبر حضرت نبی اکرم و ائمه اطهار و صحابه جایز نیست و نمی توان بدان جا رفت. با وجود [اینکه بر اثر] کثرت علم و فضل که اجتهادش مسلم بود، به واسطه این فتوا و یکی دو فقره دیگر، مورد غضب مسلمین گردیده پادشاه مصر و شام او را حبس کرد و در حبس وفات یافت. سپس این رای سخیف متروک گردید تا آنکه در متجاوز از یک صد و

۱. روزنامه ایران، ش ۲۱۱۹، ۶ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

پنجاه سال قبل یعنی اواسط قرن دوازدهم هجری ، یک نفر به نام محمدبن عبدالوهاب نجدی قیام کرده و مذهبی که به نام وهابی مشهور است ، تشکیل داد و فتاوی غریبی اظهار کرد از جمله آنکه زیارت همه قبور حتی قبر انبیاء و ائمه حرام است و تعظیم صاحبان آنها در حدود کفر و شرک است . بلند کردن قبرها را از سطح زمین بدعت شمرده و بنای گنبد و قبه و بارگاه را حرام دانست . همان طور استعمال دخانیات را نیز منع کرد و در جزیره العرب به نشر دعوت خود برخاسته جمعی از قبایل عرب بدو گردیدند و چون برای پیشرفت دعوت خود محتاج یک نفر متنفذ بود ، ابن سعود جد پادشاه حالیه را به طرف خود متمایل نموده و بدو وعده داد که اگر مذهب وهابی را قبول کند سلطنت روی زمین باو خواهد رسید .

چون در آن وقت سلطنت آل عثمان دچار انواع اختلافات و اضطرابات داخلی و خارجی گشته بود ، ابن سعود فرصت یافته و قسمت مهمی از نجد را متصرف شد و سپس به مدینه مطهره و مکه معظمه حمله کرد ؛ هر چند روایات در این قضیه مختلف است و نسبت های زیاد به او می دهند ولی آنچه محقق است در حین تصرف مدینه ، جواهرات و ظروف طلا و نقره و اشیاء قیمتی را که سلاطین اسلام و متمولین در طول قرن ها هدیه ضریح مقدس نبوی کرده بودند ، به غارت برده و سپس به بین النهرین نیز حمله و به شرحی که در کتب مسطور است ، کربلای معلی را قتل عام و جمع کثیری را در حرم مطهره حضرت سیدالشهدا به قتل رسانید . از زمانی که متوکل عباسی به ضریح مقدس حسینی اهانت کرده و حکم داد حایر مقدس را شخم و زراعت کنند دیگر نظیر این حادثه واقع نشده بود .

خلاصه این حرکات ظالمانه وبی شرمانه وهابی ها موجب شد که دولت عثمانی قلع و قمع آنها را تصمیم کرده و حکم داد محمد علی پاشا خدیو مصر قشون به عربستان کشیده و شر آن را دفع کنند . محمد علی و پسرش اگر چه زحمات فراوان متحمل شدند ولی بالاخره ابن سعود را دستگیر کرده به مصر برده و از آنجا به اسلامبول فرستادند و مدت ها این فتنه خاموش بود و اگر چه فامیل ابن سعود در نجد حکومت داشتند ولی از حدود عقل و ادب خارج نمی شدند .

تا آنکه جنگ بین المللی دست ترکان را از شبه جزیره عربی کوتاه کرد و ابن سعود در نجد استقلال یافت و حجاز مستقل و متعلق سلطان حسین شریف مکه گردید . ابن سعود که قوت خود را زیادتر از حسین دیده و نمی خواست در عربستان دو سلطنت برقرار باشد ، کدورت و ضدیت دولت انگلیس را نسبت به سلطان حسین برای خود موقع مساعد تشخیص داد و به حجاز حمله کرد و به شرحی که در جراید خوانده ایم ابتدا شهر طائف را که بیلاق مکه است متصرف شده و به همان قاعده مذهب وهابی ، قبر عبدالله ابن عباس را خراب و با زمین مساوی کرد . سپس بر مکه مسلط شده و قلیان ها را در همه قهوه خانه ها و منازل برچیده و استعمال دخانیات را به کلی منع و خیلی به مردم لطمه و صدمه وارد آوردند ولی در ظاهر ابن سعود منکر بود که از حدود ادب خارج شده باشد . در موقع حمله به مدینه باز از هر طرف انتشاراتی شایع شد که به ضریح حمزه عم پیغمبر شلیک کرده و به مقابر مقدسه توهین نموده اند باز ابن سعود انکار کرد .

از طرف ممالک اسلامی ایران و مصر و هند و غیره جمعی مامور شدند به حجاز رفته و تحقیق کنند و صدق و کذب شایعات را معلوم نمایند . از طرف دولت ایران میرزا حبیب الله خان عین الملک سابق که

قونسول سوریه و شامات بود، مأمور شده و مطابق خبری که اخیراً در جراید شام دیده می شد، مشارالیه [از ماموریتش] مراجعت کرده ولی راپرت خود را اشاعه نداده و فقط برای دولت فرستاده لکن اظهار داشته است که شخص ابن سعود از تعصبات و حرکات بی رویه مشایخ و بزرگان وهابی شکایت می کرده است و خود مایل به این حرکات نبوده است. مع التاسف تازه تلگرافات واصله از نجف اشرف خبر می دهند که باز وهابی ها همان رویه دیرین را تعقیب کرده است و حکم به تخریب مقابر ائمه بقیع (ع) و صحابه گرام داده است. حقیقتاً این عملیات شرم آور نسبت به مقابر بزرگان اسلام قلب هر مسلمی را داغدار و مجروح می سازد. چه مصیبتی از این ناگوار تر که جمعی اشرار با داشتن نام مسلمانی، در برابر چشم رسول خدا (ص)، با قبر فرزندان بزرگوارش رفتار ی کنند که کفار از آن شرم دارند. این عصر، عصر مصیبت و ذلت اسلام است و هیچ سالی نیست که لطمه به اسلام وارد نشده تیری به قلب مسلمین نزنند. ما خود در این غائله هائله غمناک بوده و مسلمانان شرق و غرب را در این عزا تعزیت می گوئیم و از خدا مسئلت می نمائیم شر این ناکسان را دفع و دین حنیف اسلام را حفظ و حمایت فرماید^۱

[مدرک شماره ۷۴]

[مقاله] فضایح وهابی

روز پنجشنبه تلگراف حضرتین آیتین اصفهانی و نائینی به حضرتین حجتین خوئی و بهبهانی به طور فوق العاده از طرف جریده اقدام منتشر گردید. جمعی آن حادثه را به خونسردی تلقی و تصور نمودند که منشاء آن، سیاست دیگران یا تبلیغ دشمنان وهابی است و حال اینکه قضیه مزبوره در اعداد شایعات نیست زیرا از بیانات ابن السعود که چندی قبل در اخبار خارجه منتشر شده بود، مفهوم می شود که به حجاج اجازه زیارت مقابر مشرفه داده نشده و بعید نیست که پس از این منع، به چنین عمل ناپسندیده مبادرت کرده و ما قبل از این گمان می کردیم که این حکومت بدوی ساده، در امور مذهبی و عقاید اقوام مختلفه اسلام مداخله نمی کند اینک می بینیم بر خلاف انتظار، لطمه بزرگی به احساسات یک ملتی وارد کرده که هنوز آن ملت به سقاخانه معتقد است تا چه رسد به قبور اولیاء و ائمه اطهار. بر حسب مندرجات جریده «نداء الشعب» علماء کاظمین اجتماعات مهمه منعقد و تلگراف های اعتراض آمیز بر اعمال ناشایسته وهابی به دولت افغانستان و حکومت یمن و مجلس بزرگ اسلامی فلسطین و مفتی مصر و رئیس جامع الازهر و سعد زغلول پاشا و مجمع خلافت و رئیس حزب وطنی و رئیس حزب اتحاد مصر و سایر مجامع مهمه اسلامی در سوریه و هندوستان مخابره نمودند. بقیه اهالی ایران در قبال این حوادث با سایر برادران شرکت نموده عواطف خود را ابراز خواهند کرد.^۲

۱. همان، ص ۲.

۲. روزنامه اقدام، ش ۲۱۶، ۸ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱.

[مدرک شماره ۷۵]

[مقاله] ذلت اسلام

اکنون که ما خامه را گرفته تاب نبستن نداریم، آنچه داریم احساس جانکاه است و دیگر هیچ .
می خواهیم فریاد بزنیم و غصه گلوی ما را گرفته و مانع از داد و فغان است. دست به گریبان می بریم
و جان عوض پیراهن به دست می آید ؛ به حیرتیم .
چگونه از گداز وجدان و هیجان احساس تعبیر کنیم؟ آیا اگر جگر پاره پاره خود را به جای ورق به دست
شما بسپاریم ، متالم خواهید شد؟ نه ، هرگز! هیچ کلمه در دل سنگین شما کارگر نیست و گرنه آنچه گفتیم
و نشتیم شما را بس بود. یاس بر روح و جور بر ما غالب و ما را چنان فسرده نموده است که شرح آن نتوان
داد ولی در عین فسرده گی ، به آتش غم خود می سوزیم و ما را قدرت بیان نیست . برای که بگوئیم؟
بهر چه بنگاریم؟ حاصل چه ، از این گفت و شنود؟ مقصود چه از تحریر و چه سود؟
می خواهیم کلمه در موضوع اسلام بنویسیم ولی اسلام کو؟ مسلمان کجا؟ اگر اسلام و مسلمان بود حال
ما چنین نمی بود که امروز کعبه تحت حمایت دیگران و ریف پس از آن جنگ های دلبرانه طعمه شود .
امروز کتابی که حاوی شرح تاسیس مسجد پاریس است به اداره ما رسیده، مساعدت جمهوری فرانسه
در بناء این مسجد را مطالعه کردیم و بس تعجب نمودیم . مسلمین بدین بناء خرسند هستند و از خرابی
ممالک اسلامی و تسلط دیگران بر ارواح و اعراض برادران خود دلنگ نیستند ؛ زهی غفلت و زهی ذلت!
در خاطر داریم هنگامی که اجانب بر مقابر مشرفه مسلط شدند بعضی از پیشوایان ما گفتند: اینها کاری
بدین و آئین ندارند زیرا مجالس تعزیه و محافل ذکر مصیبت در ازدیاد است و هر جائی که سقاخانه بود در
زمان آنها ترقی کرد و به منزله امامزاده رسید و هر امامزاده به مرتبه امام و پیغمبر واصل شده و برای هر
محل مقدس شهریه و شمع و نفت و متولی معین کردند. آنگاه شیعیان به عزاداری و تعظیم شعائر کوشیدند.
دیگر از تصرف ممالک اسلامی و استعمار معابد مکرمه چه باک؟
پیشوایان خودخواه ما که هر چند مدتی دچار جمود و خمود می شوند و ناگاه می بینیم یک قضیه از قبیل
تصرف مدینه یا تخریب قبور ائمه بقیع برای آنها پیش می آید . روزی چند گرد هم درآمده اظهار حیات و
ابراز وجود می کنند و آنچه می خواهند احراز می نمایند و پرونده اسلام را مبنی بر منافع خاصه خود می
دانند و اگر نه چرا بایستی در موضوع تصرف ریف و تسلیم قائد بزرگ مسلمین متاثر نمی شوند؟
همان طور که روحانیون مسیحی هنگام محاصره قسطنطنیه مشغول ترهات و گرفتار اوهام و خرافات
بودند و مملکت خود را از دست دادند، پیشوایان خودپرست خدا ... ما مشغول اوهام هستند و اسلام در زوال
است . مسجد بنا می کنند، عزاداری می نمایند، به حج و زیارت می روند و اسلام رو به اضمحلال است .
(و للمصائب سلوان یهونا* و ما لما حل بالاسلا سلوان).^۱

۱. همان، ش ۲۱۸، ۱۰ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

[مدرک شماره ۷۶]

[نظرات هفته نامه [حبل المتین]

در موضوع حرمین شریفین و حکمرانی ابن سعود بر حجاز مکرر نگاشته ایم و عاقبت آرا به آنچه ما نگاشته نزدیک می شود. دولت علیه ایران باید پس از مشوره با دول اسلامی مرکز این کانفرانس اسلامی را تهران قرار داده و از جمیع ملل اسلامی نیز نماینده جلب نماید تا آنچه در کانفرانس اسلامی تصفیه یابد به موقع عمل در آید. یقین است که حقایق را اولیای دولت علیه کمابلق به دست آورده تا مجدداً کسی نتواند در کانفرانس اشتباه نماید.

حکومت حرمین شریفین و انتظام آن و حفظ حجاج چنانچه آقای رئیس الوزراء گفته اند نباید به قبضه [فقط] یکی از فرق مسلمین قرار گیرد تا از روی تعصبات مذهبی، مراسم مذاهب دیگر را مانع آمده و شعائر آنان را توهین نماید. ابن سعود اگر مصلح روحانی است باید قطع تعلقات سیاسی از حجاز بکند و هرگاه حاکم سیاسی حجاز است با روحانیت مسلمانان چه کار دارد؟ امروزه به اتفاق جمیع حکما و دانشوران عالم، تفکیک روحانیت از سیاست در هر مذهب لازم آمده است و مورث هرج و مرج تواند گردید؛ چنانکه در حجاز گردیده است. پس مسلمانان عالم راست که دعوت دولت ایران را لبیک گفته و همه متحد و متفق آمده و تصفیه امر حجاز را بنمایند.

این امر هم مسلم است که نجدیان با آن خشونت طبیعی فقط به زبان، ترک حجاز و اعمال متعصبانه خود را نخواهد نمود باید از قول به فعل گرائید. به عبارت ساده تر باید با سر نیزه تصفیه این معاملات بشود ولی قبل از هر امر باید اعتماد حاصل شود که دولت انگلیس سرأ و علناً و اخلاقاً و عملاً ابن سعود را تائید نخواهد کرد و اگر چنین اعتمادی حاصل نیامد تکلیف کنفرانس چیز دیگر خواهد بود که ما در موقع خود شرح خواهیم داد.

[مدرک شماره ۷۷]

[مقاله ای با عنوان [ابن سعود و حجاز]

از همان ساعتی که [ابن سعود] به حجاز آمد حبل المتین پیش بینی واقعات قبل از وقوع نمود ولی بسیاری از مسلمانان کم تجربه ساده لوح هندوستان، به تلگرافات تبلیغاتی او اطمینان حاصل نموده و مقدم ابن سعود را گرامی داشته و تمنایشان چنین بود که آب رفته حجاز را به جوی باز آید، غافل از اینکه ابن سعود به خودی خود به حجاز نیامده و شریف علی را هم از حجاز بیرون نکرد. ابن سعود دست دیگری است و تمام حرکاتش مبنی بر اشاره دیگر. صد سال بود اروپائیان در بر هم شکستن تقوای مرکزی اسلام ساعی بودند. از وقتی که عربی پاشا مصر خروج نمود و پیروان او به یک حکم سلطان عبدالحمید خان مرحوم منتشر آمدند، مستر کلد ستون در هم زدن اساس خلافت مصمم آمد، مکرر جراید انگلیسی

۱. هفته نامه حبل المتین کلکته، ش ۲۰، س ۳۴، ۲۲ خرداد ۱۳۰۵، ص ۲۲

نگاشتند که دولت انگلیس دارای یک صدوده ملیون رعایای اسلامی است و انگلستان را بزرگترین دول اسلامی به عالمیان شناسانده و تمنا داشتند و دارند که تقدیرات امت اسلام همه تحت مجوزات و نگرانی انگلستان در آید .

از طرف دیگر پس از جنگ عمومی که تا درجه ای نهضت اسلامی در همه دنیا نمودار آمد و اختلافات شعبی یعنی از بین مسلمانان تا درجه مرتفع گردید ، خوف و هراسی که از اتحاد اسلام (پان اسلام را) در اروپائیان چای گرفته بود ، قوت گرفت و چیزی که مورث انداختن اسلام دیده می شد همانا اختلافات شیعه و سنی بود که از برکت انفاس قانددین اسلامی یک مرتبه آن اختلاف مرتفع آمده و مناقشات و منازعات شیعه و سنی از عالم مرتفع گردید .

چون در این موقع اختلاف شیعه و سنی ممکن نبودی ابن سعود را برانگیخته و تائید نموده تا اختلاف وهابیت برخلاف کلیه شعب اسلام ، بالا گیرد و فقط قبضه بن سعود بر حجاز این امر را تکمیل نمی نمود [بلکه] آتش اختلاف را به تخریب مزار بزرگان دین دامن زدند چه اگر ابن سعود چنین نمی کرد همه مسلمانان با قبیه وی بر حجاز موافقت می کردند و تا درجه ای مزید براتحاد مسلمین می آمد ولی انهدام مزار اولیاء به قسمی هیجان و اختلاف در کلیه مسلمانان عالم تولید کرد که ما فوق آن متصور نیست . اگر ابن سعود از طرف مؤیدین خود ، اندکی هم اشاره می یافت هرگز به تخریب مساجد و قبور ائمه بزرگان دین قیام نمی نمود.

ابن سعود با کمال اطمینان قیام به این حرکات نا شایسته نموده است و از هیچ خارجی هم خوف و هراس ندارد چه از سه طرف حجاز و نجد متصل می شود به شرق اردن و عراق عرب و فلسطین که همه اینها در قبضه انگلستان [است و] از دریا هم کسی بروی راهی بتواند که همواره جهازات جنگی انگلیس در بحر المیت و سواحل بحر احمر مشغول اند . ترک ، ایران و افغان بر وی راه ندارند . از مصر هم مطمئن است که مصریان بدون رضایت دولت انگلیس برخلاف وی قیام نتوانند نمود . فقط کسی که می تواند برخلاف وی قیام کند و نیکو هم از عهد کار بیرون تواند آمد همانا امام یحیی یمانی است که هم متصل به حجاز و نجد است و هم قوایش در جزیره العرب بر همه امرا تفوقی دارد و تا یک اندازه نیز می توان گفت که مطیع و منقاد خارجیان هم نیست .

در هر صورت فعلا ابن سعود بدون رادع و مانع دارد برخلاف عقاید کلیه مسلمانان دنیا در حرمین شریفین رفتار می نماید و فقط مسلمانان هند و ایران اند که با لقلله زبان و به گفتن و نشستن و برخاستن و به سینه زدن و مجلس ماتم فراهم کردن و با سرو پای برهنه در کوچه و بازار گشتن می خواهند به حکومت ابن سعود خاتمه داده و صد مه اعمال او را جبران کنند و حال آنکه:

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

برای انداختن اختلاف بر مسلمین و آنها را با خود مشغول ساختن و خیالات دور و دراز اتحاد اسلامی [را از آنان] دور داشتن ، البته مثل ابن سعود و موقع و مقامی مانند حرمین شریفین ، برای مخالفین دستیاب نگردد چه هر ساله حجاج به حجاز رفته و شایع اعمال و بد سلوکی های وی را دیده و به بغض و عداوت

کلیه مسلمانان می افزایند. در همان ساعتی که ابن سعود به حجاز آمد، تمام این واقعات پیش بینی شده بود و آنچه ابن سعود و آن اشاعات کاذبه می نمودند، مزید بر تصدیق ما می گردید: به دلیل اول آنکه ابن سعود قائد مذهبی است نه مرد سیاسی و از روی مذهب، او این اعمال را فریضه ذمه خویش می داند و در امور مذهبی نسبت به پیروان خود تا درجه مسلوب الاختیار است.

دوم اینکه محرک خارجی هم بر این اقدامات خود داشته است. سوم: در جلو اعمال خویش را رادع و مانعی مشاهده نمی نمود.

همان قسمی که در موقع انهدام قبور اولیاء و مساجد نگاشتیم که اگر هم تلگرافات تکذیبیه تصدیق شود، امروز نه، فردا مرتکب این اعمال خواهد آمد. حالا هم در موضع انهدام حرم محترم رسول اکرم نیز می گوئیم که تکذیبیات ابن سعود و مبلغین وی ابداً قابل تصدیق نیست. اگر امروز هم نکرده به همان دلالتی که ذکر کردیم فردا خواهد کرد و عاقبت راهنمایی قاندين وسست عنصری سائر مساجد کار را بر مرام اجنبیان خواهد نمود. اجنبیان کوشیده تا مرکز سیاست اسلام یعنی خلافت را برهم زدند فقط موقع ای که برای تمرکز مسلمانان موجود بود همانا خطه حجاز بود و آن را نیز به قضیه خود بیرون خواهند آورد و تا درجه ای مقدمات آن هم فراهم شده است.

ما مسلمانان خیلی در خواب غفلتیم چه ابن سعود و چه دیگران، به دست خود اسباب دخالت دیگران را در حجاز فراهم می کنیم. هرگز فراموش نمی نمائیم در موقع جنگ، شریف علی و ابن سعود به قاندين اسلامی هند که می خواستند خود را به آستان سلطان جدید نزدیک سازند اصرار به رفتن حجاج در حجاز نمودند و حال آنکه حکومت هند اعلان کرده بود که به واسطه جنگ و بیرق دولت انگلیس، خوب است امسال حجاج هندی، ترک سفر حجاز گویند ولی همان آقایان که همراه فریاد می زدند که دولت انگلیس نباید در امور مذهبی ما دخالت کند، انجمن ها کرده تا اینکه اجازه رفتن چند جهاز را با حجاج از حکومت هند حاصل کردند. همین که حجاج روانه شدند و آن سختی ها پیش آمد، با کمال پرروئی دخالت انگلستان را به اسم حفاظت حجاج خواستار آمدند. حالا هم می بینیم آل اندیا با حجاج کنفرانس برای دفع ابن سعود و حفظ حرم محترم نبوی، تلگرافاً ملتجی به دولت انگلیس هم می گردد. که در آن تلگراف التجاء به ایران، افغان، ترک، مصر، امیر عبدالله، امیر فیصل و امام یحیی یمانمی را هم شامل کرده اند. ولی به همان ادله که فوقاً ذکر نمودیم با این بی حسی مسلمانان که همه امور را به حرف خاتمه دهند، جز دولت انگلیس کیست که بتواند جلوگیری از حرکات ابن سعود نماید؟ اگر مسلمانان خواهش دخالت انگلستان را در حجاز دارند پس چرا بی طرفی وی را همراه خواستار می شوند؟ ما به خوبی می دانیم که این سعود از حجاز خارج خواهد گردید یعنی مرتکب شایع بیش از اینها شده و مسلمانان را مجبور خواهد نمود که بدون رو وریا و پیچ تاب صراحتاً و مستقیماً او را از حجاز خارج خواهد کرد ولی همان قسمی که هزار و اندی سال بیت المقدس که معبد یهودی و نصارا بود در قبضه مسلمانان قرار گرفت قبله و کعبه خود را هم مسلمان به دست دیگران خواهد سپرد. ما مکرر گفته ایم که سیاسیون بزرگ در حل مشکلات مفاتیح مختلف دارند من جمله صد نفر را بالا برده و به زمین انداخته تا صد و یکمی که منظور خودشان

است را منتخب سازند. کجا شد شریف حسین؟ چه شد امیر علی؟ فردا هم ابن سعود به صورت آنها خواهد درآمد. انگلستان به جهات عدیده سیاسی رضا توانند داد که حکومت حجاز به قضیه و اختیار یک سلطان مقتدری که به تدریج جزیره العرب را مسخر خویش سازد، در آمد. ابن سعود اگر چه مرد سیاسی نیست ولی شخصیت فعال، شجاع و منظم حکومت وی بر حجاز و نجد می تواند در آتیه تولید اشکالات به شرق اردن و فلسطین و عراق و عمانات تا برسد به خلیج فارس نماید. در آن وقت با چنین قوتی، انگلستان همراه نتوانند بود.

بالجمله اینها نقشه شطرنج بازان سیاست است که ریخته آمده تا عاقبت آنچه را می خواهند، بیابند. آیا هنوز امر مشنبه است؟

مسئله مؤتمر اسلامی مکه چیزی است که جبل المتین در سی و دو سال قبل صدها مقاله در این موضوع نگاشت افسوس حالا که می خواهد سرو صورتی به خود گیرد، دو مانع بزرگ پیش آمد:

اول - وجود ابن سعود در حجاز با آن شنايع اعمال.

دوم - دخالت قطعی است که خیلی زود بیگانگان در حجاز خواهند نمود در آن صورت مؤتمر اسلامی حجاز هم در قضیه آنها خواهد درآمد. به همین مناسبت بوده که جبل المتین از بدو ورود ابن سعود در حجاز، مکرر نگاشته که این مؤتمر اسلمی فعلا مرکزی جز طهران ندارد و خوب است که مسلمانان سیاست سنج، یک ی دی و یک جهت آمده تا وقتی که حجاز از نفوذ اجانب و وجود وهابی ها صاف نشود، تهران را مرکز این مؤتمر اسلامی قرار دهند. تهران فقط مرکزی است که می تواند آزادانه نمایندگان جمیع دول اسلامی را مجتمع ساخته و با هیئت جامعه در رفع این غائلات بکوشند.

تا کنون هم معلوم نیامده که کمیسیون مجلس شورای ملی ایران در این موضوع چه اقدامی فرموده. عجباً که با این همه مجالسی هم که در هند شده تا کنون یک قدم پیشرفت دیده نمی شود و یک هیات فعاله که بتواند از روی سیاست و جدیت قدم بردارد، تشکیل نیافته. ما هیچ نمی فهمیم فقط این تلگرافات خشک و خالی، خالی از سیاست چه نتیجه تواند بخشود؟ اگر غرض آل آندیا یا حجاز [در برگزاری] کنفرنس، عدم دخالت بیگانگان در حجاز بوده، با کدام منطق و دلیل به دولت انگلیس و غلام بچه گان وی ملتجی آمدند؟ اگر از دخالت بیگانه عذری ندارند پس تلگراف به شریف فیصل و شریف عبدالله چه بوده است؟ این اقدامات همه غلط است و هیچ یک هم عملی نیست اگر چه می دانیم

هر چه بنویسیم ولو مورد قبول هم واقع شود، موقع عمل نخواهد یافت باز هم در آتیه عقاید خودمان را در این موضوع قسمی که قابل العمل باشد، خواهیم نگاشت^۱

۱. همان، ش ۱، س ۳۵، ۲۹ آذر ۱۳۰۵، صص ۲۴-۲۲

[سند شماره ۷۸]

[مقاله ای با عنوان] سقوط جدّه و مدینه و انقراض سلطنت حجازی ها

دیدنی که خون نا حق پروانه ، شمع را

چندان امان نداد ! که شب را سحر کند

حرص سفیهانه و طمع خیانتکارانه شریف حسین و اولاد او ، در هنگام جنگ بین الدول که به طمع لیره های زرد انگلیسی ، به ضد عثمانی صاحب مکه و مدینه ، قیام کردند و این خیانت پیشه ها ، نه تنها پشت عثمانی ، بلکه پشت اسلام را شکستند و ضربه قویه ناف اندازی به قسمی به عثمانی زدند که عالم اسلام را داغدار کردند . ان وقت به راهنمایی بازیگردان این شاه بازی ها که انگلیس باشد ، به تخت حجاز جلوس کردند !

شریف حسین که ملک حسین موقتی شد غافل از معرکه گردان این بازی که در پس برده سیاسی کی است این کارها وا بکند [صلا ی] خلافت هم کشید که هر جا مسلمان و مسلمانی هست باید سر اطلاعات و دست مباحثه به خلافت من خم و در از کنند . اکنون همان بازی گردان شاه بازی های مشروقی رنک دیگر زد و دیگری را روی کار آورد و شریف حسین در قبرص و پسرش شریف علی که هر دو به اسم پادشاه و ملک موقتی بودند ، جزای خیانت های خود را دیده و از خاک حجاز بیرون و اواره و بیابان گرد گشتند . فاعتبرا یا ولوالابصار .

وهابی ها علم مالکانه در مکه و مدینه بلند کردند و لابد جدّه را انگلیس به اسم حق العمل اسمی را اسماء مخصوصه اش که منحصر به قاموس انگلیس است گذارده و متصرف خواهند شد .

این است نتیجه طمع و خیانت و حق ناشناسی و خیانت حجازی ها که از دروغ های برجسته نسبت به وهابی ها فرو داری نکردند و اما کن مقدسه و مضاحج مطهره و مدینه را اشتهار دادند که وهابی ها گلوله ریزی و بقعه حضرت ختمی مرتبت را خراب کردند . نتیجه این دروغ ها یک عزاداری و احساساتی که ضمنا مبلغی نیز ضرر بیکاری کشیدند ، نصیب ایرانیان شد . علاوه بر آن مبلغ گزافی هم [از بابت] فرستادن هیئت اعزامیه ، خسارت دید و معلوم شد حجازی های خیانت پیشه ، این دروغ ها را تعامداً انتشار دادند که اذهان مسلمانان را مشوب و از وهابی ها متنفر سازند . کنون آنها به جزای خیانت خود رسیدند و سلطان این سعود پادشاه نجد و مدینه و مکه شد و قصه کوتاه گردید !^(۱)

[مدرک شماره ۷۹]

سند مهم دولت ایران از ابن سعود لزوم تجدید بنای قبور

جریده المقطم مقاله ای به قلم نویسنده سیاسی که اطلاعات کامله بر احوال و اوضاع ایران دارد، منتشر نموده که ما خلاصه آن را ترجمه و نشر می کنیم :

۱. هفته نامه چهره نما ، ش ۸ ، س ۲۲ ، بهمن ۱۳۰۴ ، ص ۱۸

"هنگامیکه خبر تخریب حرم مطهر پیغمبر به ایران رسید دولت وزیر مختار خود را که در مصر مقیم بود به حجاز روانه نمود. همچنین آقای حبیب الله خان عین الملک نماینده سیاسی در شامات مامور تحقیق شد و پس از دقت و تفحص معلوم شد که فقط پنج گلوله تفنگ به قبه مبارکه اصابت کرده بود و چون از شخص سلطان ابن السعود تحقیق نمود او معذرت خواست و چنین گفت:

«این جسارت سهواً از طرف قبایل بدوی رخ داده و قبل از تصرف مکه بوده و از مسئولیت من خارج شده است ولی از این به بعد تعهد می کنم که هیچ نحو جسارتی واقع نشود و تعمیر و ترمیم گنبد را برعهده می گیرم»

جریده مزبوره اظهار می دارد: "لازم است دولت ایران این تعهد و سند مهم را منتشر نماید. ایرانیان از آن تعهد، متقاعد شده بودند و یقین کردند که ابن السعود احترام اماکن مقدسه را نگاه خواهد داشت. در حینی که نمایندگان ایران مشغول تهیه لوازم سفر برای حضور و اشتراک در مجمع مهم مکه بودند خبر هدم قبور مشرفه به ایران رسید لهذا از ارسال نماینده خودداری و بر اعمال وهابی ها اعتراض نمودند. اما کیفیت هدم قبور بدین نحو بوده شیخ عبدالله ابن لهد قاضی القضاة وهابی برای انجام این امر شخصاً به مدینه منوره مسافرت نمود و امر به هدم داد ولی به مناسبت موقع حج از هدم بعضی قبور خودداری کرده اند تا پس از مراجعت حجاج از حجاز بدین امر مبادرت کند زیرا فعلاً از هیجان مسلمین بیمناک می باشند." در خاتمه جریده مذکوره چنین اظهار عقیده می کند:

"شاید این وقایع بر خلاف اراده شخص سلطان از طرف متعصبین وهابی واقع شده چنان که حادثه هجوم اخوان (وهابی های افراطی) بر محمل مصری، ناشی از فرط تعصب بوده و در هر حال خوب است ابن السعود عبرت گرفته و متنبه شود و لازم است اماکن مشرفه را کماکان بنا نموده و به حال سابق عودت دهد."

[مدرک شماره ۸۰]

[مقاله صدمه شدید از جریده المقطم]

جریده «المقطم» مقاله مفصله تحت عنوان «صدمه شدید» منتشر و اعمال سلطان ابن سعود وهابی را انتقاد و در ضمن اینکه راجع به عظمت ایران و تسمک ایرانیان به مبادی مذهب [مطالبی] ایراد نموده. از تحقیقاتی که جریده مذکوره کرده مفهوم می شود که سلطان از اداره مملکت و جلوگیری از تعصبات اهالی عاجز و هنگامی که با یکی از رجال بزرگ مشرق مذاکره نمود و چنین اظهار داشت: "من نمی توانم با ملت خود مخالفت و ستیز کنم شاید اگر بخواهم از تعصب زیان آور آنان جلوگیری نمایم، موجب هیجان بلکه قتل بشود و در حینی که تلفن را در حجاز دایر نمودیم آنها بر این عمل سودمند جداً اعتراض کرده آن را بدعت دانستند. همچنین موقعی که تصمیم بر هدم مشاهد گرفتند خواستم منع کنم ولی پیشرفت نکرد و من برای تجدید بناء آنها حاضر می باشم به شرط اینکه مسلمین عالی تصمیم بر تجدید بناء و وجود آنها را لازم بدانند."

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۵۵، ۲ مرداد ۱۳۰۵، ص ۱

جریده مزبور بر هرج و مرج کنونی حجاز که ناشی از جهل و تعصب بدوی است اعتراض کرده و می گوید: "خالی از دو مسئله نیست یا ابن سعود سلطان و امیر ی است که بایستی از این جسارات که مخالف سیاست و اجتماع و ادب جلوگیری نماید یا اینکه شخصی است تابع و تحت تاثیر ملت خویش است و در این صورت تمام آمال و آرزوهای علاقمندان به اصلاحات حجاز و سایر ممالک اسلامی به هدر خواهد رفت." و نیز راجع به خشم و اعتراض ایران بر فجایع وهابی می گوید: " دولت و ملت ایران قبل از این نمی خواست به اتحاد اسلام خللی وارد کند لهذا نمایندگان خود را برای حجاز مهیا کرده بود لیکن همین که خبر فاجعه بقیع رسید از اعزام نمایندگان و اشتراک در مجمع اسلامی خودداری و بلکه جداً اعتراض و تهدید نمود و آن اعتراض بدین مضمون است:

«شدیدا بر اعمال ابن السعود و اتباع او اعتراض و در آتیه نزدیک وسائل مؤثره، به اتفاق دول اسلامی اتخاذ خواهیم کرد تا از فجایع جلوگیری و به حفظ حریمین شریفین مبادرت شود»
هر چند که این اعتراض فقط تهدید است ولی حاکی از تنفر شدید دولت ایران از اعمال وهابی است.^۱

[مدرک شماره ۸۱]

تاریخ وهابی

حاوی عقاید و اعمال آن طایفه از بدو ظهور تا حال، تألیف آقای حاج شمس العلماء از طبع خارج و در کتاب خانه های کاوه معرفت، تهران و شرق به فروش می رسد.^(۲)

[مدرک شماره ۸۲]

هیات هندی در یمن

اخیرا اعضاء هیات اسلامی از قاهره حرکت کرده . در مدت اقامت هیات مزبوره در قاهره، تمام جراید و مطبوعات و مجامع سیاسی مصر و کمیسیون های خلافت و جمعیت تعاضد العلماء و رجال دیانتی و علماء الازهر به آنها مشغول شده و راجع به آنها و مقاصد آنها مذاکرات می شد. هیات مزبور با اشخاصی که محادثه نمودند تمام مطالب و خلاصه مشاهدات خودشان را در حجاز بیان کردند و دلایل قاطعه اقامه نمودند براینکه کسانی که انقلاب حجاز را بدون میل اهالی آن مملکت ایجاد نمودند، اجانب بودند . پیش از اینکه هیات هندی از قاهره حرکت کند به فاصله چند ساعت تلگرافی از جمعیت خدام حریمین رسید که هیات برای تبادل نظر در موضوع کارهای حجاز به یمن مسافرت کند و از این لحاظ هیات مجبور شد که خط سیر خود را تغییر دهد و روز بعد صبح از راه کانال سوئز به حدیده حرکت نمود . اخبار واصله از هند حاکی است غضب هندی ها نسبت به وهابی ها رو به ازدیاد است و هیات هائی که

۱. همان، ش ۲۵۹، ۶ مرداد ۱۳۰۵، ص ۱

۲. روزنامه ایران، ش ۲۱۲۶، ۱۵ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

مشهور شده بودند که با ابن سعود مساعد هستند با مخالفین او همدست شده اند و در مقدمه آنها مولانا شوکت علی و محمد علی هستند که بدو از طرفداران ابن سعود بودند و امروز در اطراف و اکناف هند گردش نموده و فریاد می زنند که ابن سعود ، آنها و عالم اسلامی را فریب داده و مواعیدی که با آنها قطع کرده بود که به موجب آن مواعیدی می بایست حجاز را به حجازی ها واگذار کند ، پیمان نموده و ثابت کرده است که او فقط مایل به تخت و تاج و حکمرمائی است^۱.

[مدرک شماره ۸۳]

تلگراف مسلمین هندوستان

تلگرافی از مسلمین هندوستان در باب عملیات وهابی ها و هتک احترامی که نسبت به بقاع متبرکه و قبور چهار نفر از ائمه اطهار (ع) در بقیع از طرف آنها به عمل آمده [رسیده که در آن از آن اقدامات [اظهار تنفر نموده و کنفرانس هائی در این موضوع در هندوستان داده و مخصوصا انتظار دارند از طرف آقای مستوفی الممالک و کابینه حاضر اقدامات عاجلی برای جلوگیری از شرارت طایفه مزبور به عمل آمده و لازم است عملیاتی شود که در آتیه طایفه ضاله به این نوع اقدامات مبادرت ننموده و احترام بقاع متبرکه را محفوظ دارند .^(۲)

[مدرک شماره ۸۴]

خصوصی ، اطلاعات مهمه

مسلمین هندوستان تصور می کنند که در حجاز حکومت مستقلة آزادی ، تحت سلطنت ابن السعود تشکیل شده و قریبا جانشین ترکیه خواهد بود و بدین واسطه می تواند خلافت اسلام را به خود منحصر و سیادت بر تمام عالم اسلامی بنماید . این تصور باعث شد که مجمع بزرگ خلافت که در شهر بمبئی منعقد و از تمام فرق اسلامی هندوستان نماینده وارد و جلسه خود را تشکیل و پس از بحث تصمیم گرفت که چندین ماده وضع و رای خود را در آن قطع نماید و چنین کرد. بعضی از آن مواد سری و مکتوم مانده و برخی اعلان شده است که مقررات ذیل از جمله آنها می باشد و ما عجلتا در این موضوع با اقدامات حالیه ایرانیان ساکت هستیم و در آتیه نزدیک عقاید خود را منتشر خواهیم کرد. فقط آرزو مندیم که ملل مسلمه در این حین بر خلاف ازمنه گذشته به اتحاد و حفظ بیضه اسلام بکوشند.

مقررات مجمع مزبور از این قرار است :

- ۱- تایید ابن السعود در سیاست خود و حفظ جزیره العرب
- ۲- مساعد ایشان در تشکیل اتحاد عربی با ایجاد روابط دوستانه مابین ممالک مجاوره

۱. روزنامه اقدام ، ش ۱۱ ، ص ۵ ، ۲۶ فروردین ۱۳۰۵ ، ص ۱

۲. روزنامه ایران ، ش ۲۱۳۷ ، ۲۷ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۱

۳- اصلاح حجاز و ایجاد یک اداره مخصوصه که از طرف کنفرانس اسلامی تعیین خواهد شد و آن اداره برای تنظیم امور آن سرزمین است.

۴- تایید مطالب کنفرانس مکه

۵- حفظ حقوق مسلمین هندوستان در موضوع خلافت و این حقوق در کنفرانس مکه اعلان و اخذ خواهد شد.

۶- تامین استقلال و اتحاد جزیره العرب و حفظ سیاست آن از مداخله دیگران به طوری که حکومت آن سامان یگانه دولت اسلامی از دو حیث باشد یکی از حیث سیاست و دیگری از حیث دیانت.

پس از آن ، مجمع بزرگ نمایندگان خود را که بایستی به مجمع مکه روانه کند معین و مقررات مزبوره را به آنها ابلاغ و نهایت جدیت و علاقه خود نسبت به مواد مذکوره را اعلان و آنها را با کشتی مخصوصی موسوم به (جهانگیر) به طرف جدّه اعزام نمود و تصور می رود که با نمایندگان ترکیه در بحث و تصمیم ، اشتراک یا اتحاد خواهند داشت . این مسئله خالی از اهمیت برای عالم اسلامی نمی باشد و چیزی که ما را مبهوت کرده همانا مجاهدت مسلمین برای حفظ و حمایت ابن السعود است و چون شوکت علی ، قائد بزرگ هندی ها و یگانه راد مردی که برای استقلال و عظمت هندوستان مجاهدت کرده و بارها دچار انواع صدمات جانکاه شده است ، در راس نمایندگان هند واقع می باشد ما نمی توانیم تصور کنیم که سیاست کنونی حجاز مربوط به خارجه است .

از آن طرف ترکیه و حکومت قفقاز در کنفرانس مکه شرکت خواهند کرد و هنوز هم خبر هدم بقیع از منابع رسمیه تایید نشده است لهذا احتمال می رود که این شایعات مبنی بر سیاست است.^۱

[مدرک شماره ۸۵]

[گزارشی از اقدامات مسلمانان هند علیه وهابی ها]

مطابق اطلاعی که از هندوستان واصل گردیده اخیراً کمیته مسلمین و شیعیان هندی در شهر لنکاهور تشکیل و بر ضد عملیات وهابی ها اقداماتی به عمل آورده و اخیراً برای مأمورین دول اسلامی که در آنجا اقامت دارند مراسلاتی فرستاده و بر علیه وهابی ها اعتراض و تقاضای کمک کرده اند.^۲

[مدرک شماره ۸۶]

[مقاله ای از روزنامه پیغام صلح لاهور] قضیه وهابی

ترجمه سر مقاله روزنامه پیغام صلح منبغه لاهور هندوستان مورخه ۴ ربیع الاول ۱۳۴۵ به لسان هندی راجع به وهابی ها :

" مسئله حجاز در میان مسلمانان هند خیلی اهمیت پیدا کرده و اگر فوراً در صدد جلوگیری از تشتت آراء

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۳۴، ۲۹ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

۲. روزنامه ایران ، ش ۲۲۰۴ ، ۲۷ شهریور ، ۱۳۰۵ ، ص ۳

در میان آنها بر نیابند، مخاطرات عظیمی برای مسلمین هند در بر خواهد داشت. پوشیده نیست که در هند انجمن هائی موجود است که در این مسئله با یکدیگر مشغول کشمکش هستند مثل خدام الحرمین، اهل حدیث، مجلس خلافت و مولانا ظفر علی خان و روزنامه ایشان. همه اینها جدا اقداماتی می کنند و این تشتت آراء بالاخره بر ضد مسلمین تمام خواهد شد.

از وقتی که نمایندگان جمعیت العلماء از کنفرانس مکه معظمه مراجعت کردند مذاکرات و مباحثات آنها نه فقط در موضوع انهدام مآثر و مقابر متبرکه است بلکه در خصوص طرز حکومت حجاز هم صحبت می کنند. در این موضوع مولوی ظفر علی خان و انجمن اهل حدیث یک طرف و از طرف دیگر مولوی محمد علی و شوکت علی صف آرائی کرده اند و مناقشات داخلی در میان آنها شروع گردیده.

جمعیت خدام الحرمین با سلطان ابن سعود جدا مخالفت می نمایند که چرا مشارالیه مبادرت به هدم مقابر متبرکه نموده. شکی نیست که خود سلطان مرتکب این اعمال شده ولی آیا از این مخالفت نتیجه حاصل خواهد شد یا نه معلوم نیست. اگر انجمن خدام الحرمین و یا انجمن های دیگر تصمیم بر مخالفت با سلطان ابن سعود بگیرند چه می توانند بکنند. ابن سعود وقعی با این مخالفان نخواهد گذاشت مگر اینکه در ممالک مستقل اسلامی در این خصوص تبلیغاتی نموده و جلب مساعدت آنها را بنمایند.

ظاهراً به نظر ما این طور می رسد که اگر سایر ممالک مستقل اسلامی هم اظهار همدردی با خدام الحرمین بنمایند امید نتیجه نخواهد داشت و فقط موجب ازدیاد مناقشات داخلی مسلمین خواهد شد. عقیده ما این است که عوض مخالفت، طریقه مصلحانه را اتخاذ نمایند بهتر است.

[مدرک شماره ۸۷]

اسلامیات از جراید هندی

اعتراض مسلمین بر اعمال وهابی

روزنامه همدم مورخه ۲۸ سپتمبر ۱۹۲۶ منطبعه لکهنو (هندوستان)

در جلسه کنفرانس مسلمانان هند راجع به حجاز که در ۲۵ و ۲۶ سپتمبر در شهر لکهنو از تمام فرق اسلامی تشکیل یافته بود در باب حجاز تصمیمات ذیل را اتخاذ نمود و قطع نامه ای که محتوی مواد ذیل بوده را تصویب نمودند :

« ۱ » این کنفرانس نسبت به عملیات ذیل که از طرف وهابی ها صورت خارجی پیدا کرده تنفرت خود را اظهار می دارد :

(الف) نسبت بی احترامی و عدم آثار متبرکه و مقابر و مساجد .

(ب) برای اهانت تفاسیر قرآن مجید و کتب فقه و علماء گرام که غیر وهابی می باشند .

(پ) به واسطه قتل مسلمانان بی گناه و بی احترامی به زن ها

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۶۳، ۲۴ مهر ۱۳۰۵، ص ۱

(د) به جهت جلوگیری از ادعیه و عبادات غیر وهابی و تحمیل عادات خودشان بر سایر فرق مسلمین دنیا .
(ص) برای وضع مالیات فوق العاده بر شترهای حاج که حجاج نتوانند به مکه مشرف شوند .
(۲) نظر به جهاتی که در فوق ذکر شده کنفرانس [عدم] صلاحیت ابن سعود را در اداره کردن حجاز ثابت می کند لذا تصمیم کنفرانس بر این شده که تمام مسلمین هندوستان جد و جهد خواهند کرد که ابن سعود را از حجاز خارج نمایند .
(۳) این کنفرانس تصویب می کند که یک حکومت آزاد در حجاز تشکیل شود که احکام شرعی را اجرا نماید و حکومت مزبور نباید مورثی باشد .
(۴) این کنفرانس برای اینکه ابن سعود اسلحه اهل حجاز را ضبط کرده به طوری که این بدبخت ها قادر بر حفظ جان و مال خود از تعرض دشمنان نمی باشند ، پرتست سخت می نماید .
(۵) بر این کنفرانس ثابت شده که وهابی ها مسلمان های غیر وهابی ها را کافر مشرک و مباح الدم می دانند و اموال غیر وهابی را غنیمت ، لذا این کنفرانس در مصائب وارده به حجازی ها خود را شریک دانسته و به جهت صدمات و مشقاتی که از طرف وهابی ها به آنها داده شده اظهار همدردی نموده و وعده می دهد که در هر امری با آنها مساعدت نماید و در مسائل مهمه مثل احداث خط راه آهن و غیره هم ، پس از بر افتادن تسلط ابن سعود از حجاز ، کمک های مادی خواهد نمود .
(۶) از تمام اجتماعات مسلمین و بالخصوص خدام الحرمین که به این کنفرانس کمک کردند ، تشکر می کند و از مسلمانان های هندوستان استدعا دارد که مواد قطعنامه را اجرا کنند .
(۷) این کنفرانس تصویب می کند که هیچ وقت در مداخله اجانب در حجاز چه مستقیم و چه غیر مستقیم رضایت ندهد .

اقدام : اگر تصمیمات کنفرانس موثر و نافع باشد که علاجی برای این مرض از این بهتر نیست ولی مع الاصف سخن هندی در قبال شمشیر آبدار حجازی و نجدی هیچ است و حق در تیغ است و نه در دهان خدام الحرمین و ما معتقد هستیم که اگر رویه دیگر اتخاذ شود شاید بهتر و سودمند تر باشد .^۱

[مدرک شماره ۸۸]

کمیسیون راجع به قضیه وهابی ها

بر اثر تلگرافاتی که در باب فاجعه مدینه منوره و عملیات وهابی ها از نجف اشرف به حجه الاسلام آقایان حاج امام جمعه خوئی و آقا سید محمد بهبهانی واصل شده بود ، سواد تلگرافات مزبور و عریضه مخصوصی اخیرا از طرف آقای حاج امام جمعه خوئی و آقایان علماء تقدیم مقام اعلیحضرت همایونی گردیده است .

به طوری که اطلاع حاصل شده حسب الامر ملوکانه مقرر گردیده است کمیسیونی روز سه شنبه (پس

۱. همان ، ش ۲۶۹ ، ۲ آبان ۱۳۰۵ ، ص ۱

فردا) ساعت پنج بعد از ظهر در قصر شخصی اعلیحضرت تشکیل گردیده و در موضوع فوق، مذاکره و تبادل افکار به عمل آورده و نتیجه تصمیمات خود را به عرض همایون رسانیده تا امر به اجرای تصمیمات کمیسیون مزبور صادر شود.

این کمیسیون تشکیل خواهد یافت از آقایان: حاج امام جمعه خوئی، میرزا سید محمد بهبهانی، امام جمعه طهرانی، آقا سید حسن مدرس، حاج آقا جمال الدین و آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی. از طبقه رجال موتمن الملک، مشیرالدوله، مستوفی الممالک و وثوق الدوله روز گذشته نیز آقایان میرزا سید محمد بهبهانی، امام جمعه طهرانی، آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی، حاج شیخ اسحق و بعضی دیگر از آقایان علماء در منزل آقای حاج امام جمعه خوئی مجتمع بوده و مذاکرات زیادی در باب واقعه مؤلمه بقاع متبرکه و اخذ تصمیمات مقتضی به عمل آمده است.^۱

[مدرک شماره ۸۹]

جلسه ۱۰ خرداد [کمیسیون]

بر حسب دعوتی که حسب الامر اعلیحضرت همایونی، وزارت دربار پهلوی از چند نفر آقایان علماء اعلام و رجال شده بود که در موضوع واقعه مولمه مدینه طیبه و اهانت هائی که از طرف وهابی ها نسبت به قبور ائمه اطهار به عمل آمده مذاکره و مطالعاتی نموده و تصمیمات لازمه اخذ و نتیجه را برای اجرا به عرض همایونی برسانند، در ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر دیروز از آقایان علماء: حجه الاسلام آقای حاج امام جمعه خوئی، آقای میرزا سید محمد بهبهانی، آقای امام جمعه طهران و آقای آیه الله زاده خراسانی و از رجال آقایان مستوفی الممالک، مشیرالدوله، موتمن الملک و وثوق الدوله در قصر شخصی اعلیحضرت حضور یافته و مشغول مذاکره و مطالعه در راپورت های واصله گردیدند.

اعلیحضرت پهلوی نیز در کمیسیون حضور یافته و مدتی در حضور همایونی مذاکره جریان داشت و از طرف آقایان علماء هم مذاکراتی در خصوص فاجعه مدینه منوره و اقداماتی که بایستی بشود، به عمل آمد. نظر به اینکه اخذ تصمیمات مقتضی، موکول به مطالعات بیشتر و وصول اطلاعات عمیقتر می باشد، در جلسه دیروز مذاکرات مقدماتی جریان داشته و تصمیم گرفته شده است که به جلسات کمیسیون ادامه داده شود تا در نتیجه تبادل نظر و مطالعات کامل و وصول راپرت هائی که از نمایندگان ایران در عراق و شامات خواهد رسید، تصمیمات مقتضی اتخاذ گردد.

بنابراین، جلسه مقارن غروب خاتمه پذیرفته و جلسه آتی موکول به فردا عصر در عمارت مجلس شورای ملی اطاق هیئت رئیسه گردید.^۲

۱. همان، ش ۲۱۶، ۸ خرداد ۱۳۰۵، ص ۲

۲. همان، ش ۲۱۹، ۱۱ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

[مدرک شماره ۹۰]

جلسه ۱۲ خرداد [کمیسیون]

نظر به اینکه اعلیحضرت پهلوی در جلسه روز سه شنبه آقایان علماء اعلام و رجال که در عمارت شخصی تشکیل شده بود بیاناتی ایراد فرموده بودند مبنی بر اینکه هر تصمیمی را که این کمیسیون راجع به واقعه مدینه طیبه اتخاذ نمایند امر به اجرای آن صادر خواهد شد و ضمناً توصیه فرموده بودند که کمیسیون به جلسات خود ادامه داده و مطالعات لازمه را در اطراف واقعه مؤلمه بنمایند لذا بر حسب تصمیمی که در آن جلسه اخذ گردید اولین جلسه کمیسیون عصر دیروز در عمارت مجلس شورای ملی سه ساعت به غروب تشکیل گردید.

آقایان اعضاء کمیسیون که حسب الامر اعلیحضرت دعوت گردیده اند از آقایان علماء اعلام آقای امام جمعه خوئی، آقای امام جمعه طهران، آقای میرزا سید محمد بهبهانی، آقای مدرس، آقای آیه الله زاده خراسانی، آقای حاج آقا جمال الدین و آقای حاج میرزا محمد رضا کرمانی می باشند. از رجال آقایان مستوفی الممالک، مؤتمن الملک، مشیرالدوله، وثوق الدوله، محتشم السلطنه و احتشام السلطنه می باشند.

دیروز به استثنای آقای مؤتمن الملک و آقای حاج آقا جمال الدین سایر آقایان اعضاء کمیسیون حضور یافته بودند. دوسیه هائی که راجع به واقعه مدینه طیبه در سال گذشته در دفتر مخصوص شاهنشاهی و وزارت امور خارجه تنظیم گردیده بود، به کمیسیون فرستاده شده بود.

دوسیه هائی که راپرت کلیه جریانات سال گذشته و نتیجه مطالعات هیئت اعزامی ایران به حجاز بود، چون خیلی مفصل بود لذا آقای وثوق الدوله قبول کردند که دوسیه ها را در خارج از کمیسیون تحت مطالعه و دقت قرار داده و خلاصه راپرت مهمه آن را که برای مطالعات کمیسیون مفید است، یادداشت و تهیه نموده و در جلسه آتی تقدیم کمیسیون نمایند تا اعضاء کمیسیون رئیسه راپرت مزبور و اطلاعات اخیری که در باب فاجعه بقیع واصل گردیده مذاکره و مطالعات زیادی نموده و تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند. سپس بر حسب تصویب هیئت کمیسیون تلگراف متحدالمالی برای مخابره تمام ایالات و ولایات ایران به عنوان آقایان علماء و حجج اسلام تهیه گردید مبنی بر اینکه حسب الامر اعلیحضرت همایونی راجعه به واقعه اخیر بقاع متبرکه کمیسیونی مرکب از علماء و رجال در مجلس شورای ملی تشکیل گردیده که مطالعات کافیه نموده و نتیجه تصمیمات خود را برای اجرا به عرض اعلیحضرت برسانند ضمناً مقتضی است نظریات خود را نسبت به قضایای وهابی ها به کمیسیون ارجاع داشته که باعث تسهیل اخذ تصمیمات لازمه گردد.

تلگراف مزبور مقرر گردید پس از امضاء ناظم کمیسیون آقای حاج محتشم السلطنه، به کلیه نقاط مملکت مخابره گردد. ضمناً آقای احتشام السلطنه نیز سمت منشی گری کمیسیون را قبول نمودند. جلسه نیم ساعت به غروب مانده خاتمه پذیرفته و جلسه آتی به امروز عصر و در همان عمارت تعیین

گردید. در جلسه امروز، قرار تشکیل جلسات کمیسیون تا اخذ تصمیمات لازمه داده خواهد شد.^۱ (۱)

[مدرک شماره ۹۱]

جلسه ۱۳ خرداد [کمیسیون]

عصر روز جمعه بنا به وقتی که تعیین شده بود آقایان اعضاء کمیسیون رسیدگی و مطالعه در واقعه مؤلمه بقاع متبرکه و فجایع وهابی ها، در عمارت پارلمان حضور پیدا کرده و مشغول مذاکره و مطالعه در دوسیه و اطلاعات واصله به کمیسیون گردیدند.

تلگرافی از وزیر مختار ایران در مصر به هیئت دولت واصل و به کمیسیون مراجعه شده بود که حاکی از تخریب بقاع متبرکه و ارائه عملیات وهابی ها نسبت به قبور ائمه بود. در اطراف این تلگراف مذاکراتی نموده و چون راپرت مختصری که قرار بود در نتیجه مطالعه دوسیه های مدونه تهیه و تحت شور قرار گذارده شود، تهیه نگردیده بود بقیه مذاکره و اخذ تصمیمات موکول به جلسات آتی گردید.

عقیده کمیسیون فوق در جلسه روز جمعه در نتیجه مطالعاتی که تاکنون کرده اند، چنین ابراز گردید که در برابر اهانت های وارده وهابی ها، هر گونه تصمیمی را که کمیسیون در نتیجه مطالعات عمیقانه خود اتخاذ خواهد کرد، هیئت دولت و طبقات مسلمین لازم است شرکت جسته و آن تصمیم را به موقع اجرا بگذارند.

جلسه مقارن غروب خاتمه پذیرفته و جلسه آتی به امروز عصر موکول گردید.^۲

[مدرک شماره ۹۲]

جلسه ۱۵ خرداد [کمیسیون]

کمیسیون در مجلس

به طوری که اطلاع دادیم از طرف اعلیحضرت همایونی راجع به اقدامات طایفه وهابی در مدینه منوره امر شده بود که کمیونی مرکب از عده ای از آقایان علماء و محترمین تشکیل و دراطراف قضیه مذاکرات لازمه نموده و نظریاتی اتخاذ و راپرت دهند که اقداماتی بشود.

کمیسیون مذکور از آقایان ذیل دعوت شد: **تعلیم جامع علوم انسانی**
آقای مدرس. آقای حاج امام جمعه خوئی. آقای میر سید محمد بهبهانی. آقای آیت الله زاده خراسانی. آقای حاج شیخ اسحق. آقای آیت الله کرمانی. آقای حاج آقا جمال. آقای مستوفی الممالک. آقای وثوق الدوله. آقای احتشام السلطنه. آقای حاج محتشم السلطنه. آقای مشیر الدوله و آقای مؤتمن الملک. کمیسیون فوق دو سه جلسه تشکیل و مقرر شد که آقایان ذیل هم برای شرکت در مذاکرات دعوت

۱. همان، ش ۲۲۱، ۱۳ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

۲. همان، ش ۲۲۲، ۱۵ خرداد ۱۳۰۵، ص ۲

شوند: آقای مستشار الدوله . آقای حاج مخبر السلطنه . آقای ممتاز الدوله و آقای نصیر الدوله .
دیروز چهار ساعت بعد از ظهر کمیسیون مذکور تشکیل و تقریباً یازده نفر از آقایان فوق حاضر و مذاکرات
لازمه نموده اند . عجالتاً" تصمیمی که در نتیجه چند جلسه کمیسیون اتخاذ شده است این است که تلگرافی
به آقایان علماء داخله مملکت نموده و این تصمیم علیحضرت را در تشکیل کمیسیون و مطالعه در قضیه
اطلاع داده اند و نیز تلگرافی برای استحضار حضرت حجه الاسلام آقای حاج شیخ عبد الکریم نموده اند .
در اصل قضیه ، کمیسیون داخل مذاکره شده و مشغول مطالعات است و قرار شده است که دوسیه این
کار را که در وزارت خارجه است ، در وزارت خارجه تحت مطالعه قرار داده و راپرت جامعی تهیه و تقدیم
دارند تا کمیسیون پس از مطالعه راپرت مذکور ، نظریات خود را اظهار و اقدامات لازم را خاطر نشان نماید .
عجالتاً مقرر شده است که هفته سه روز : روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه کمیسیون مذکور
تشکیل گردد.^۱

[مدرک شماره ۹۳]

جلسه ۱۵ خرداد [کمیسیون]

کمیسیون آقایان علما و رجال برای رسیدگی به فاجعه مدینه طیبه عصر دیروز در مجلس شورای ملی
تشکیل گردیده بدواً تلگرافاتی که از بعضی ولایات واصل شده بود قرائت و مورد مطالعه قرار گرفت سپس
تصمیم اتخاذ گردید که علاوه بر تلگرافاتی که به طور متحدالمال در جلسه قبل به ولایات مخابره گردید
از طرف آقایان علماء هم تلگرافاتی به علماء و حجج اسلام ایالات و ولایات مخابره شود که در کلیه بلاد
ایران ، مجامع اسلامی مرکب از علماء و محترمین تشکیل داده و مطالعات لازم در قضیه مؤلمه بقیع به
عمل آورند ضمناً عموم مسلمین را آگاه و مستحضر دارند که هر گونه تصمیماتی از طرف کمیسیون مرکز
اتخاذ می شود به عموم ابلاغ و به موقع اجرا گذاشته شود.

چون نتیجه خلاصه راپرت دوسیه های راجع به وهابی ها و هدم بقاع متبرکه تهیه نشده بود و به
علاوه از نقطه نظر اطلاعات اخیری که راجع به تایید قضیه واصل گردیده است ، مقرر شد کمیسیون مزبور
به جلسات خود اضافه نموده و فعلاً هفته سه روز در روزهای شنبه ، سه شنبه و پنجشنبه تشکیل گردد.
برحسب نظریه و تصویب اعضاء ، کمیسیون فوق به نام «کمیسیون دفاع حرمین شریفین» موسوم گردید .
ضمناً مذاکراتی به عمل آمد که اشخاص مطلع و بصیر در خارج ، هرگونه اطلاعات و افکاری در این قسمت
داشته باشند به کمیسیون ارسال دارند تا تحت مطالعه قرار گرفته و کمک فوری شده باشد.

برای جلب افکار و نظریات اشخاص مطلع ، بر حسب تصویب کمیسیون مقرر گردید آقایان مخبرالسلطنه
، مستشار الدوله و ممتاز الدوله از طرف کمیسیون برای جلسه آتی حضور پیدا کنند.
بر حسب تقاضای اعضاء کمیسیون مقرر گردید روز چهارشنبه آتی یا روز جمعه کلیه آقایان علماء تهران در

۱. روزنامه ایران ، ش ۲۱۲۷ ، ۱۶ خرداد ۱۳۰۵ ، ص ۱

منزل حاج امام جمعه خوئی حضور یافته و برای مذاکرات لازم در موضوع فوق و تهیه تلگرافی که از طرف آقایان علماء اعلام بایستی به ولایات صادر گردد، تصمیمات مقتضی اتخاذ و تلگرافات مزبور مخابره شود.^۱

[مدرک شماره ۹۴]

جلسه ۱۷ خرداد [کمیسیون]

کمیسیون دفاعیه حرمین شریفین سه ساعت به غروب دیروز بر حسب وقتی که تعیین شده بود در عمارت مجلس شورای ملی با حضور آقای رئیس الوزراء و عموم اعضاء به استثنای آقایان میرزا حسن خان پیرنیا و حاج آقا جمال الدین تشکیل گردیده و راپورتی که از دوسیه تنظیم شده و در وزارت خارجه مقرر بود به وسیله همان وزارت خانه تهیه و تقدیم کمیسیون گردد، روز گذشته تهیه و مورد بحث و مطالعه قرار گرفت. تلگرافاتی که از ولایات ایران راجع به اظهار تاجر از وقوع قضیه مؤلمه هدم بقاع متبرکه و اظهار همراهی و مساعدت واصل گردیده بود، نیز قرائت گردید.

در نتیجه مذاکراتی که به عمل آمد به اکثریت تصمیم گرفته شد تلگرافات متحدالمالی از طرف وزارت امور خارجه به تمام قونسولگری ها و سفارت خانه های ایران در ممالک اسلام و غیره مخابره و نظریات آنها با اطلاعاتی که دارند، خواسته شود تا بیشتر به معلومات اعضاء کمیسیون افزوده شده و تصمیمات مقتضی اتخاذ شود.

تلگرافی از نجف اشرف به امضاء آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی به عنوان آقای مدرس راجع به واقعه وهابی ها و اینکه به حکم قاضی وهابی هدم بقاع متبرکه شروع گردیده و ادامه دارد و اظهار تاجر از این واقعه مؤلمه نموده بودند، واصل و در کمیسیون مورد مطالعه قرار گرفت.

مراسله از قم از طرف آقای آقا شیخ عبدالکریم به عنوان آقای میرزا سید محمد بهبهانی رسیده بود مبنی بر اینکه راجع به عملیات زنداقه وهابی چه اقداماتی شده و از مطالعاتی که جلسه منعقد در مجلس شورای ملی به عمل آمده و تصمیماتی که اتخاذ گردیده است استعلام فرموده بود ضمناً اظهار نگرانی و بدحالی از این واقعه نموده اند.

تلگراف [های] زیادی از ولایات و ایالات در جواب متحدالمال صادره از کمیسیون دفاعیه حرمین شریفین واصل گردیده که تمام از طرف آقایان علماء مخابره شده و اظهار تاسف از واقعه و شرکت در این مصیبت نموده اند.^۲

۱. روزنامه اقدام، ش ۲۲۳، ۱۶ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

۲. همان، ش ۲۲۵، ۱۸ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

[مدرک شماره ۹۵]

جلسه ۱۹ خرداد [کمیسیون]

دو ساعت به غروب دیروز کمیسیون رسیدگی به قضایای وهابی در عمارت پارلمان تشکیل گردیده و راپورت های واصله قرائت و تحت مطالعه و شور قرار گرفت. راپورتی که از دوسیه وهابی ها اقتباس و تهیه گردیده بود مطرح و تحت مطالعه قرار گرفته و در نتیجه مذاکرات زیاد، پیشنهادهای از طرف کمیسیون تهیه گردیده و مقرر شد پیشنهادات مزبور به نظر اعلیحضرت همایونی و دولت رسیده و پس از حصول موافقت نظر در هر یک از آن پیشنهادات، سپس تصمیمات مقتضی اخذ گردیده و به اطلاع عامه برسد.^۱

[مدرک شماره ۹۶]

جلسه ۲۱ خرداد [کمیسیون]

دیروز عصر کمیسیون رسیدگی به فاجعه مدینه طیبه و عملیات وهابی ها با حضور آقای رئیس الوزراء در مجلس شورای ملی تشکیل گردید. پس از مذاکرات زیادی در باب راپورت های واصله و مطالعات راپورت دوسیه ها، بالاخره راجع به اخذ تصمیمات قطعی مذاکره و مقرر گردید امروز سه ساعت به غروب مانده، جلسه فوق العاده با حضور عموم اعضاء کمیسیون تشکیل گردیده و تصمیمات مقتضی اتخاذ شود. پیشنهادی هم که در جلسه قبل تهیه شده بود، به نظر آقای رئیس الوزراء رسیده است.^۲

[مدرک شماره ۹۷]

جلسه ۲ تیر [کمیسیون]

در مجلس شورای ملی

عصر روز گذشته اعضاء کمیسیون وهابی ها تشکیل و مقارن غروب آقای وزیر معارف از طرف دولت حضور به هم رسانیده و تا مدتی راجع به عملیات وهابی ها مذاکره و ضمناً کمیسیون از دولت تقاضا کرده که برای شامات یمن و بین النهرین نماینده تعیین و اعزام دارند تا در موقع، دستور العمل های لازم به آنها داده شود.^۳

۱. همان، ش ۲۲۷، ۲۰ خرداد ۱۳۰۵، ص ۱

۲. همان، ش ۲۲۸، ۲۲ خرداد ۱۳۰۵، ص ۲

۳. روزنامه ایران، ش ۲۱۴۲، ۳ تیر ۱۳۰۵، ص ۲

[مدرک شماره ۹۸]

جلسه ۴ تیر [کمیسیون]

در مجلس شورای ملی

عصر روز گذشته کمیسیون وهابی ها در مجلس شورای ملی تشکیل و ساعت شش بعد از ظهر آقای رئیس الوزراء به کمیسیون تشریف برده و تا اوایل شب ، مشغول مذاکره و تبادل نظر بوده اند.^۱

[مدرک شماره ۹۹]

جلسه ۱۵ تیر [کمیسیون]

کمیسیون وهابی ها

دیروز عصر کمیسیون راجح به فاجعه مدینه طیبه در مجلس شورای ملی منعقد و آقای رئیس الوزراء هم اوایل غروب تشریف آورده و تا مدتی مشغول مذاکره و تبادل نظر بودند^۲

[مدرک شماره ۱۰۰]

جلسه ۱۹ تیر ماه [کمیسیون]

کمیسیون وهابی ها

عصر روز یکشنبه کمیسیون وهابی ها با حضور هیئت دولت در مجلس شورای ملی منعقد و تا مدتی راجح به عملیات وهابی ها مشغول مذاکره بود . رئیس کمیسیون از آقای رئیس الوزراء تقاضا کرده عملیاتی به مامورین مصر و شامات صادر شود که تحقیقات لازمه از وضعیت حجاز و عملیاتی که وهابی ها در بقاع متبرکه به عمل آورده اند ، نموده و راپرت دهند و ضمناً قرار شده دعوتی از وجوه کلیه علماء اعلام و رجال به عمل آید که با حضور اعضاء کمیسیون و هیئت دولت مجلسی منعقد و مذاکراتی در باب عملیات وهابی ها نموده و تصمیمات لازمه اتخاذ نمایند . برای جلب نظر آقایان قرار شد قبلاً چند نفر از اعضاء کمیسیون ، هیئت علمیه را ملاقات و پس از موافقت نظر ، قرار انعقاد مجلس مزبور را هر چه زودتر داده شود.^۳

[مدرک شماره ۱۰۱]

جلسه اول مرداد [کمیسیون]

کمیسیون وهابی ها

عصر روز گذشته کمیسیون وهابی ها در مجلس شورای ملی منعقد ، آقای رئیس الوزراء و وزیر مالیه

۱. همان ، ش ۲۱۴۴ ، ۵ تیر ۱۳۰۵ ، ص ۲

۲. همان ، ش ۲۱۵۲ ، ۱۶ تیر ۱۳۰۵ ، ص ۱

۳. همان ، ش ۲۱۵۶ ، ۲۱ تیر ۱۳۰۵ ، ص ۱

حاضر و تا اوایل شب مشغول مذاکره و تبادل نظر بوده اند و آقای حاجی محتشم السلطنه رئیس کمیسیون اقداماتی که در باب تشکیل جلسه عمومی از وجوه علماء و رجال به عمل آورده بودند را مطرح و مذاکرات لازمه به عمل آمده است^۱

[مدرک شماره ۱۰۲]

جلسه ۳۰ شهریور [کمیسیون]

انعقاد کمیسیون وهابی ها

عصر روز گذشته کمیسیون وهابی ها در مجلس شورای ملی منعقد و آقای رئیس الوزراء و آقایان وزیر عدلیه و وزیر مالیه و وزیر فواید عامه حاضر گردیده و راپرت هائی که اخیراً از مصر و سایر نقاط راجع به عملیات وهابی ها و کنگره مسلمین در مکه معظمه واصل شده بود، رسیدگی نموده و تا اوایل شب مشغول مذاکره و تبادل نظر بوده اند.^۲

[مدرک شماره ۱۰۳]

جلسه ۱۷ مهر [کمیسیون]

کمیسیون حرمین

عصر روز یکشنبه کمیسیون حرمین در تحت ریاست آقای حاج محتشم السلطنه در مجلس شورای ملی تشکیل و تصمیمی که از طرف شاه اتخاذ شده بود و در جلسه روز شنبه هیئت وزراء مذاکره شده، در کمیسیون مطرح و پس از مذاکره و تبادل نظر قرار شد کمیسیون روز چهارشنبه با حضور آقای رئیس الوزراء تشکیل و تصمیم قاطعی اتخاذ و راپورت آن را به خود اعلیحضرت تقدیم دارند.^۳



ابن مسعود

[مدرک شماره عکس]

ابن مسعود

بعضی از مجلاتی که اخیراً از اروپا رسیده بود عکس ابن مسعود را گراوور کرده بودند که ما نیز عین آن را برای مشترکین خود گراوور می کنیم.

۱. همان، ش ۲۱۶۴، مرداد ۱۳۰۵، ص ۲

۲. همان، ش ۲۲۰۵، ۳۱ شهریور ۱۳۰۵، ص ۲

۳. همان، ش ۲۲۲۳، ۱۹ مهر ۱۳۰۵، ص ۱

اقدام در هدم بقاع متبرکه که حقیقتاً یکی از کارهای دوره بربریت است و در محافل مسلمین دنیا سوء اثر شدیدی کرده است، از طرف این شخص به عمل آمده است.^۱



آیت‌الله آقا حاج میرزا محمدحسین مجتهد نائینی

[مدرک شماره عکس]

تصویر حضرت آیه الله آقای آقا سید ابوالحسن مجتهد اصفهانی که امروز رکن اعظم مذهب تشیع و مرجع تقلید اکثر شیعیان ایران و هند و بین النهرین هستند. حضرت معظم له در نجف اشرف که از زمان عضد الدوله دیلمی و شیخ ابو جعفر طوسی مرکز علوم شرعی ملت شیعه است، به تدریس فقه و اصول و ترویج شرع پرداخته و کمتر در امور دنیوی و سیاسی دخالت می فرمایند. در سه سال قبل محض اهانتی که از طرف مامورین حکومت بین النهرین نسبت به مرحوم آیت الله خالصی وارد شده بود، به اتفاق آیت اله نائینی و سایر علماء و طلاب به ایران تشریف و

در قم اقامت نمودند و بالاخره حکومت عراق به خطای خود برخورد و ترضیه خاطر آقایان را به عمل آورده و با تحلیل کامل مراجعت فرمودند.^۲

تصویر حضرت آیه الله آقای حاج میرزا محمد حسین مجتهد نائینی که با آیت الله اصفهانی دو رکن اعظم ملت و مذهب تشیع هستند. طریقه آقای نائینی در تدریس همان طریقه عالیه مرحوم ملا محمد کاظم آیه الله خراسانی است که بهترین طرز تدریس اصول است.^۳



آیت‌الله آقا سید ابوالحسن مجتهد اصفهانی

۱. همان، ش ۲۲، ۲۲۲۶، ۲۲ مهر ۱۳۰۵، ص ۱
۲. همان، ش ۲۱۷۱، ۱۴ مرداد ۱۳۰۵، ص ۱
۳. همان، ش ۲۱۷۷، ۲۱ مرداد ۱۳۰۵، ص ۱